

نقش بانک‌ها در خنثی سازی تحریم‌ها

ثبت نام جدید متقاضیان مسکن روستایی در سامانه یکپارچه

به متقاضیان جدید سکونت در روستاها، زمین و تسهیلات نهضت ملی مسکن تعلق می‌گیرد...

صفحه ۲

پازل خروج از رکود تورمی دهه ۹۰ تکمیل می‌شود

وزیر اقتصاد با تشریح مجموعه اقدامات دولت سیزدهم در انضباط بخشی مالی و پولی، مهار موتورهای ...

صفحه ۳

اجرای ۲ میلیون هکتار از اراضی کشور با کشت قراردادی

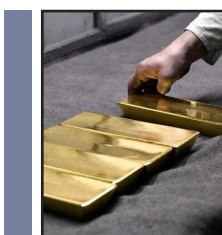
وزارت جهاد کشاورزی در تلاش است تا سال ۱۴۰۴ سهم کشاورزی قراردادی را به ۲۰ درصد برساند که مهم‌ترین این محصولات برنج ...

صفحه ۴

افزایش ۲ برابری تولید میدان نفتی آزادگان

ریل گذاری دقیق و درست برای افزایش بیش از دوبرابری برداشت نفت از میدان نفتی آزادگان در دولت ...

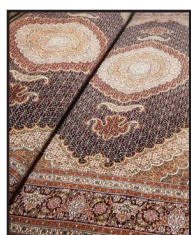
صفحه ۵



کاهش قیمت طلای جهانی



مهاجرانی: ایران لایق قهرمانی بود



جزئیات ورود فرش دستباف

نقش بانک‌ها در خنثی سازی تحریم‌ها

رئیس کل بانک مرکزی گفت: نظام بانکی ۲۰۰ میلیارد دلار تجارت خارجی کشور را در دنیا کنترل می‌کند و در مذاکره با برخی کشورهای دنیا هم دیده می‌شود که نظام بانکی کشور در ابعاد مختلف ظرفیت بالایی دارد.

محمدرضا فرزین؛ رئیس کل بانک مرکزی در چهاردهمین گردهمایی روسای موفق شعب بانک‌های کشور، اظهار کرد: با توجه به اهمیت صنعت بانکداری در کشور موضوع انتخاب مدیران برتر و این کاری که سال هاست که انجام می‌شود، بسیار خوب است و فرصتی است تا در کنار دیدار با مدیران موفق نظام بانکی به آن‌ها خداحوت بگوییم.

رئیس کل بانک مرکزی خاطرنشان کرد: امروز پایه‌های اقتصاد کشور در نظام بانکی است و ۹۰ درصد تامین مالی کشور برعهده نظام بانکی است. از طرفی نیز حجم بالایی از عبور از تحریم‌ها توسط همکاران ما در نظام بانکی نادیده گرفته می‌شود و سعی در فضا سازی نسبت به نظام بانکی دارند.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: تمام بخش‌ها در کشور ضعف‌هایی دارند اما در انتقاد از یک مجموعه باید بدانیم نسبت به چه تعداد افراد و چه مقدار کار و چه میزان عملکرد مثبت صحبت می‌کنیم و باید این موارد را نیز در نظر گرفت.

فرزین اعلام کرد: تجارت خارجی و نقل انتقالات داخلی و خارجی کشور به همت نظام بانکی کشور به خوبی جریان دارد و در واقع یکی از نقاط قوت کشور نظام بانکی است.

محمدرضا فرزین؛ رئیس کل بانک مرکزی در چهاردهمین گردهمایی روسای موفق شعب بانک‌های کشور، اظهار کرد: با توجه به اهمیت صنعت بانکداری در کشور موضوع انتخاب مدیران برتر و این کاری که سال هاست که انجام می‌شود، بسیار خوب است و فرصتی است تا در کنار دیدار با مدیران موفق نظام بانکی به آن‌ها خداحوت بگوییم.

رئیس کل بانک مرکزی خاطرنشان کرد: امروز پایه‌های اقتصاد کشور در نظام بانکی است و ۹۰ درصد تامین مالی کشور برعهده نظام بانکی است. از طرفی نیز حجم بالایی از عبور از تحریم‌ها توسط همکاران ما در نظام بانکی نادیده گرفته می‌شود و سعی در فضا سازی نسبت به نظام بانکی دارند.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: تمام بخش‌ها در کشور ضعف‌هایی دارند اما در انتقاد از یک مجموعه باید بدانیم نسبت به چه تعداد افراد و چه مقدار کار و چه میزان عملکرد مثبت صحبت می‌کنیم و باید این موارد را نیز در نظر گرفت.

فرزین اعلام کرد: تجارت خارجی و نقل انتقالات داخلی و خارجی کشور به همت نظام بانکی کشور به خوبی جریان دارد و در واقع یکی از نقاط قوت کشور نظام بانکی است.

رئیس کل بانک مرکزی ادامه داد: تمام بخش‌ها در کشور ضعف‌هایی دارند اما در انتقاد از یک مجموعه باید بدانیم نسبت به چه تعداد افراد و چه مقدار کار و چه میزان عملکرد مثبت صحبت می‌کنیم و باید این موارد را نیز در نظر گرفت.

فرزین اعلام کرد: تجارت خارجی و نقل انتقالات داخلی و خارجی کشور به همت نظام بانکی کشور به خوبی جریان دارد و در واقع یکی از نقاط قوت کشور نظام بانکی است.

پیش‌تازای در بانکداری الکترونیک
فرزین با بیان اینکه از نظر بانکداری الکترونیک از بسیاری از

آموزش برمی‌گردد و آموزش نقش مهمی دارد. نباید به دلیل عدم آموزش از تکنولوژی عقب بمانیم و آموزش نقش مهمی در توسعه فناوری‌ها در صنعت بانکداری و حرکت این صنعت در کشور پیشگام با تغییرات جهان دارد.

فرزین ادامه داد: هوش مصنوعی و تکنولوژی جدید نیاز به شعب را کاهش می‌دهد، اما خدمات غیرحضوری نیز نیاز به مشاوره دارد. ممکن است شکل ارائه خدمات متفاوت شود، اما همواره نیاز به این خدمات وجود خواهد داشت. ارائه این خدمات نیاز به دانش خواهد داشت و باید برای آن برنامه‌ریزی کنیم.

وی گفت: در همایش امروز بیشتر مدیران موفق کشور جوان بوده‌اند و کمتر از ۵ سال سابقه مدیریت داشته‌اند و به نظر می‌رسد هر چه سن بالاتر رفته انگیزه‌ها برای موفقیت کاهش پیدا کرده است. به نظر می‌رسد این مسئله نقطه ضعفی است که باید به آن توجه کنیم و باید برنامه‌ریزی برای افزایش انگیزه افراد با تجربه بالاتر در حوزه امورات منابع انسانی داشته باشیم. استفاده از تجربه افراد با سابقه بالا بسیار مهم است و امیدواریم در آینده تعداد افراد باسابقه بیشتر در میان مدیران موفق بیشتر شود.

وی همچنین با یادای از مدیرعامل فقید بانک ملت افزود: آقای دولت آبادی فردی بودند که حتما در دست بهترین مدیران نظام بانکی کشور قرار داشتند و شخصیت حرفه‌ای ایشان در نظام بانکی متمایز بود و جای ایشان در چنین همایشی خالی است. نام نیک مرحوم دولت آبادی همواره در نظام بانکی باقی خواهد ماند.

مدیران موفق نظام بانکی از جمله مرحوم دولت آبادی باید به عنوان الگویی در صنعت بانکداری کشور قرار بگیرند و باید برنامه‌ای برای ارائه کارهایی که افراد موفق نظام بانکی انجام داده‌اند، در نظر داشته باشیم. برای پیشبرد اهداف مهم و همچنین برای بالا بردن سطح رفاهی و زندگی مردم باید بهترین تصمیم‌ها گرفته شود تا بتوانیم جامعه‌ای پویا و شاداب داشته باشیم. ریل گذاری مسوولین باید برای آینده کشور به طوری انجام شود که هر شخصی مدیر شود بتواند در ادامه راه به اهداف از پیش تعیین شده برسد و در زمان خودش بتواند شرایط را نسب به زمان موجود تغییر دهد.

عملکرد مدیران موفق کشور باید به یک الگوی آموزشی تبدیل شود و مدیران موفق باید معرفی شوند و از آن‌ها قلدردانی شود.

هوش مصنوعی و صنعت بانکداری
به گفته فرزین، هوش مصنوعی تأثیرات بسیار زیادی در صنعت بانکداری خواهد داشت و در بانک مرکزی نیز متوجه این مسئله شده‌ایم و اداره جدیدی برای توسعه این فناوری‌ها در بانک مرکزی ایجاد شده است.

او یادآور شد: البته اقدامات بانک مرکزی بیشتر از منظر بانکداری مرکزی بوده است و نه از منظر بانکداری تجاری، اما به نظر می‌رسد باید در حوزه بانکداری تجاری نیز برنامه‌ریزی بیشتری صورت بگیرد.

رئیس کل بانک مرکزی اظهار کرد: بخشی از این مسئله به حوزه



ضربه به تولید یا سیاست چنددرختی ارز
محمود نجفی عرب

یکی از زخم‌های التیام‌نیافته ارزی که آسیب جدی به تولید و اقتصاد وارد کرده، موضوع چنددرختی بودن ارز است. چنددرختی بودن ارز به منزله مانعی جدی برای توسعه صادرات کشور عمل کرده و به رانت و فساد دامن زده. بعضی اعداد از هزاران صفحه مقاله گویند است. نمونه این‌که بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش دلار در برابر ریال طی ۹۲ سال گذشته، ۱۶ هزار برابر شده است، یا اینکه در سال ۱۳۰۸ که برای اولین بار طلا به‌عنوان پشتوانه پول ملی قرار گرفت (قبل از آن واحد پول قران و پشتوانه آن نقره بود) هرریال برابر با ۳ گرم طلا بود، ولی در سال ۱۴۰۰ هر گرم طلا برابر با ۱۸ میلیون ریال شد. همه این‌ها یعنی طی یک قرن گذشته ارزش پول ملی مدام در حال کاهش بوده و برخی مواقع با شتاب بیشتر یا کمتر این مسیر را طی کرده است. اما چرا این اتفاق رخ داده است؟ علاوه بر دلایل مختلف اقتصادی، می‌توان به ایرادات بنیادین نظام ارزی ایران اشاره کرد. اقتصاد ایران به دلیل نفتی و دولتی بودن دهه‌هاست که به‌نوعی اسیر ارزهای خارجی به‌خصوص دلار و سیاست‌های پرنوسان آن شده است؛ دلاری‌هایی که هم در سال‌های افزایش درآمدهای ارزی به دلیل سیاست‌های اشتباهات اقتصادی، کشور را به بیماری هلندی مبتلا می‌کند و هم در سال‌های تحریم و کمبود ارزی آتش‌سوزی بودجه را شعله‌ور می‌سازد و ویرانی به‌بار می‌آورد. علاوه بر این سیاست‌های پرنوسان، غیرکارشناسی و خلق‌الساعه دولت‌ها در خصوص مدیریت ارزی و بازار ارز یکی از مهم‌ترین خواسته‌های فعالان اقتصادی آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مشورت گرفتن از متخصصان و فعالان بخش خصوصی است.

برای مثال ارز ترجیحی آفتی است که سال‌هاست به دلیل سیاست‌گذاری‌های اشتباه حاکمیتی گریبان اقتصاد و صنعت کشور را گرفته است و به‌جز توزیع رانت، فساد، افزایش قاچاق، قیمت‌گذاری دستوری و کشتن انگیزه‌های کارآفرینان و تولیدکنندگان واقعی، حاصلی به‌همراه نداشته است؛ سیاستی که بهانه اجرایی شدن آن همیشه ثبات قیمت‌ها و حمایت از معیشت دهک‌های پایین جامعه بوده، ولی در عمل همیشه به تورم کالاهای اساسی دامن زده و اتفاقاً با ایجاد انحصارگرایی به تلاطم بازار منجر شده است.

اجرای این سیاست اشتباه ارزی در شرایطی ادامه دارد که تاکنون مقام‌معمول رهبری به دفعات بر ثبات بخشی به بازار ارز و اهمیت آن تأکید داشته‌اند که آخرین آن در دیدار با اعضای هیات‌دولت در شهریورماه صورت گرفت. ثبات بخشی به بازار ارز یکی از مهم‌ترین خواسته‌های فعالان اقتصادی و بخش خصوصی به‌شمار می‌آید، به پیش‌بینی پذیرش بازار، رشد سرمایه‌گذاری، افزایش تولید و بهبود محیط کسب‌وکار منجر خواهد شد و دولت برای تحقق این مهم علاوه بر حذف کامل ارز ترجیحی، باید دست به جراحی اساسی در سیاست‌های ارزی بزند.

یکی از اقدامات مهمی که باید مسود بازنویسی جدی قرار گیرد مسدودسازی معادل ریالی مبلغ ارزی مورد درخواست شرکت‌ها و عدم توانایی شبیکه رسمی تامین ارز در برآورده‌سازی نیازهای ارزی واردات است. این اتفاق منجر به اختلال در زنجیره تامین و امکان برنامه‌ریزی مناسب بنگاه‌های اقتصادی شده و این در حالی است که بانک مرکزی به‌تازگی، تخصیص ارز به شرکت‌های واردکننده‌ای را که قبلاً از تامین ارز نسبت به خرید ارز از بازار آزاد اقدام می‌کنند، ممنوع کرده است. برای حل این مشکل ما معتقدیم تولیدکنندگان باید در اولویت‌های تامین ارز قرار گیرند و امکان استفاده از واردات بدون انتقال ارز نیز احیا شود. این عیب است که در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که تامین مسود اولیه و تجهیزات تولید در گروه‌های با اولویت پایین تخصیص ارز قرار می‌گیرند، آن‌هم در شرایطی که شعار سال از سوی رهبر انقلاب تعیین شده است بر رشد تولید تأکید دارد.

یکی دیگر از زخم‌های التیام‌نیافته ارزی که آسیب جدی به تولید و اقتصاد وارد کرده، موضوع چنددرختی بودن ارز است. برای مثال ارز نیما و چنددرختی بودن ارز تا به امروز به منزله مانعی جدی برای توسعه صادرات کشور عمل کرده و به رانت و فساد دامن زده و بازار را دچار بی‌ثباتی جدی کرده است.



برترین اخبار ایران و جهان

کاهش تورم بخش خدمات در فصل پاییز

مرکز آمار در جدیدترین گزارش خود از کاهش هر سه شاخص تورم فصلی، نقطه به نقطه و سالانه خبر داد. در فصل پاییز بیشترین تورم نقطه به نقطه با ۸۶.۷ درصد مربوط به گروه فعالیت‌های خدماتی مربوط به تامین جا و غذا و کمترین تورم نقطه به نقطه با ۱۷.۸ درصد مربوط به گروه اطلاعات و ارتباطات است. شاخص قیمت تولیدکننده بخش‌های خدمات ۵۷.۲ است که نسبت به فصل قبل (تورم فصلی) ۸.۹ درصد، نسبت به فصل مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۵۴.۶ درصد و در چهار فصل منتهی به فصل جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل (تورم سالانه) ۵۷.۹ درصد افزایش داشته است. در فصل پاییز ۱۴۰۲، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده بخش‌های خدمات نسبت به فصل قبل (تورم فصلی) ۱۲.۶ درصد، ۳.۷ واحد درصد کاهش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط ارائه‌دهندگان خدمات به ازای تولید خدماتشان در داخل کشور، در فصل پاییز ۱۴۰۲ نسبت به فصل قبل، ۸.۹ درصد افزایش دارد. در این فصل بیشترین تورم فصلی با ۳۵.۹ درصد مربوط به گروه «آموزش» و کمترین تورم فصلی با ۰.۱ درصد مربوط به گروه «پرسرانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه» است. در فصل پاییز ۱۴۰۲، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده

بخش‌های خدمات نسبت به فصل مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) ۵۴.۶ درصد است که در مقایسه با همین اطلاع در فصل قبل (۵۷.۰ درصد)، ۲.۴ واحد درصد کاهش داشته است. به عبارتی، میانگین قیمت دریافتی توسط ارائه‌دهندگان خدمات به ازای تولید کشور، در فصل پاییز ۱۴۰۲ نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۵۴.۶ درصد افزایش دارد. در این فصل بیشترین تورم نقطه به نقطه با ۸۶.۷ درصد مربوط به گروه «فعالیت‌های خدماتی مربوط به تامین جا و غذا» و کمترین تورم نقطه به نقطه با ۱۷.۸ درصد است. در فصل پاییز ۱۴۰۲، درصد تغییرات شاخص قیمت دریافتی توسط ارائه‌دهندگان خدمات به ازای تولید خدماتشان در داخل کشور، در فصل پاییز ۱۴۰۲ نسبت به فصل قبل، ۸.۹ درصد افزایش دارد. در این فصل بیشترین تورم فصلی با ۳۵.۹ درصد مربوط به گروه «آموزش» و کمترین تورم فصلی با ۰.۱ درصد مربوط به گروه «پرسرانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه» است. در فصل پاییز ۱۴۰۲، درصد تغییرات شاخص قیمت تولیدکننده

اِرسند همکاری ۲۱ بندی بین ایران و ارمنستان امضا شد

رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت: امروز سندی در ۲۱ رأبند بین ایران و ارمنستان امضا می‌کنیم که شامل ۱۹ زمینه مختلف برای همکاری‌های سسال آینده دو کشور است. داوود منظور در هجدهمین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و ارمنستان اظهار کرد: در مذاکرات گذشته زمینه همکاری‌ها بین دو کشور ایران و ارمنستان مورد بررسی قرار گرفته بود که در سندهای این دوره از اجلاس مورد بررسی مجدد قرار گرفت.

وی افزود: امروز سندی را در ۲۱ بند امضا می‌کنیم که شامل ۱۹ زمینه مختلف برای همکاری‌های سال آینده دو کشور ایران و ارمنستان است.به گفته منظور، ۲۱ دستگاه دولتی در دو روز گذشته رایزنی‌هایی با طرف ارمنستانی داشتند.رئیس سازمان برنامه و بودجه با اشاره به ایجاد یک کمیته پیگیری ویژه بین ایران و ارمنستان گفت: جلسه این کمیته شش ماه دیگر در ارمنستان برگزار می‌شود.

اِ ایران ۹۰ درصد زعفران جهان را تامین می‌کند

عضو شورای ملی زعفران گفت: ایران ۸۰ تا ۹۰ درصد زعفران مورد نیاز بازارهای خارجی را تامین می‌کند. علی حسینی، عضو شورای ملی زعفران گفت: زعفران ایران ۸۰ تا ۹۰ درصد نیاز بازارهای خارجی را تأمین می‌کندوی افزود: با توجه به مشکلات متعدد صادرات ناشی از بازگشت ارز به سامانه نیما میزان صادرات کاهش و در مقابل قاچاق افزایش یافته است.این عضو شورای ملی زعفران کشور اظهار کرد: با رفع مشکلات بازگشت ارز، قاچاق زعفران دیگر صرفه اقتصادی ندارد. حسینی در پایان گفت: تولید کشور دچار مشکل است و نمی‌توانیم به فکر صادرات باشیم.

اِ شناسایی یک میلیون و ۴۰۰ واحد مسکونی ناپایدار

مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران گفت:یک میلیون و ۴۰۰ هزار واحد مسکن ناپایدار در بافت‌های فرسوده کشور شناسایی شده و ۳۳۰ هزار بنای ناپایدار و سقف لرزان وجود دارد. محمد آئینی مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، با اشاره به اینکه یک میلیون و ۴۰۰ هزار واحد مسکن ناپایدار در بافت‌های فرسوده کشور شناسایی شده است، گفت: در بافت‌های تاریخی فرسوده کشور در حدود ۳۳۰ هزار بنای ناپایدار و سقف لرزان وجود دارد.

معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه ساخته نشدن مسکن استطاعت پذیر در کشور، زمینه ساز پدیده حاشیه‌نشینی یا سکونتگاه‌های غیررسمی در کشور است، توضیح داد: در حدود ۹۲۸ هزار بنای ناپایدار در مناطق حاشیه‌نشینی (سکونتگاه‌های غیررسمی) نیز شناسایی شده است.دبیر ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار با بیان اینکه نظام برنامه‌ریزی شهری در حوزه مسکن و ضوابط شهرسازی مطابق استطاعت گروه‌های کم‌درآمدها نبوده است، گفت: برنامه‌ریزی مسکن و تدوین ضوابط لازم برای ساخت مسکن کم‌درآمدها باید در اولویت قرار گیرد و برای این قشر شریف جامعه باید مسکن استاندارد بسازیم، مسکن کم‌درآمدها مترادف با ساخت مساکن با متراز کوچک نیست. مسکن کوچک و تنگ مورد تأیید ادبیات دینی و روایات ائمه معصومین علیهم السلام نیست و مسکن وسیع نیز از نشانه‌های سعادت مؤمن دانسته شده است. اما روی دیگر این سکه، میزان وسع و توانایی افراد است. به عبارات دیگر، اندازه مسکن و وسع افراد و میزان حمایت دولت تعیین می‌کند.

معاون وزیر راه شهرسازی با طرح این سوال که آیا در حال حاضر ضوابط شهرسازی کشور جوابگوی مساکن کم‌درآمدها است یا خیر؟، گفت: در سند ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی آمده است که شهرسازی باید استطاعت‌پذیر باشد یعنی قبل از برنامه‌ریزی ساخت مسکن باید بدانیم که مسکن در کجا باید تولید شود.آئینی تأکید کرد: شهرسازی در استطاعت باید بتواند دسترسی مسکن و امکانات فضای شهری را برای گروه‌های کم درآمد فراهم کند.معاون وزیر راه و شهرسازی توزیع امکانات به صورت عادلانه (عدالت اجتماعی) و رفع تبعیض‌های ناروا را از آرمان‌های انقلاب اسلامی برشمرد و اظهار کرد: شهرسازی در استطاعت می‌تواند این تبعیض‌های ناروا را برطرف و توزیع مناسبی از امکانات ایجاد کند.معاون وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه مسکن در استطاعت یعنی ساخت مسکن مناسب با حمایت دولت برای دهک‌های متوسط و پایین جامعه که توانایی تهیه آن را ندارند، گفت بر اساس سند ملی جدید توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی مقرر شده است با همکاری وزارتخانه‌های راه و شهرسازی، کشور و تعاون و وزارت کار و رفاه اجتماعی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ضوابط شهرسازی در استطاعت، مسکن ندرجی، مسکن اجتماعی و سیاست‌های اجرایی و راهکارهای شهرسازی تدوین و به تصویب ستاد ملی بازآفرینی شهری ایران و شورای عالی معماری و شهرسازی کشور برسد.



ثبت‌نام جدید متقاضیان مسکن روستایی در سامانه یکپار چه

| به متقاضیان جدید سکونت در روستاها، زمین و تسهیلات نهضت ملی مسکن تعلق می‌گیرد.

واگذاری یک میلیون قطعه زمین در قالب طرح مهاجرت معکوس از شهرها به روستا و پرداخت تسهیلات در این برنامه به متقاضیان دو راهکار حمایتی برای سکونت در روستا است.

روفق روستاها در این طرح مورد نظر سیاستگذاران است.مجید جودی، معاون بازسازی و مسکن روستایی بنیاد مسکن با اشاره به جزئیات طرح واگذاری زمین روستایی گفت: این طرح در حال حاضر برای کسانی که در نهضت ملی مسکن ثبت‌نام کرده‌اند در حال اجراست و برای متقاضیان دیگر نیز بزودی سامانه یکپارچه ثبت‌نام باز می‌شود.

۶۲ هزار روستا در کشور وجود دارد که ۴۰ هزار روستا بالای ۲۰ خانوار جمعیت دارند. جمعیت قابل توجه روستاییان ضرورت برنامه‌ریزی در این حوزه را دوچندان می‌کند.

همچنین حدود ۵٫۵ میلیون مسکن روستایی در کشور موجود است. از سالل ۱۳۸۴ نوسازی و ساخت مسکن روستایی در برنامه جامع بخش مسکن آورده شده است.

تا کنون نیمی از واحدهای روستایی نوسازی شده و این طرح همچنان ادامه دارد. در برنامه نهضت ملی مسکن نیز ساخت مسکن روستایی اهمیت ویژه‌ای دارد و از ۴ میلیون مسکنی، ۸۰۰ هزار واحد روستایی است و حمایت‌های ویژه‌ای از طرف دولت برای ساکنان روستاها و همچنین متقاضیان مسکن روستایی در نظر گرفته شده است.

ثبت‌نام جدید متقاضیان مسکن روستایی در سامانه یکپار چه

افزایش تسهیلات نوسازی از ۲۰۰ به ۳۵۰ میلیون تومان تصویب شده و از این ماه پرداخت آن شروع شده است. علاوه بر این، امتیاز ویژه دیگری نیز برای ساخت مسکن روستایی در نظر گرفته شده است که این امتیاز برای کسانی است که قصد مهاجرت از شهرها به روستا را دارند. به این افراد زمین رایگان و وام ۵۵۰ میلیون تومانی ساخت تعلق می‌گیرد.

اِ جزئیات طرح

مهم‌ترین امتیاز طرح روفق روستاها و اجرای برنامه ساخت مسکن روستایی، حذف شرط سبزی بودن فرم «ح» است. متقاضیان مسکن‌های برنامه‌ای دولت، نباید مالک خانه یا زمین باشند یا اینکه از تسهیلات مسکن استفاده کرده باشند، اما این شرط برای متقاضیان دریافت زمین در روستاها و کسانی که قصد سکونت در روستا را دارند حذف شده و اگر این افراد داری خانه یا زمین باشند نیز می‌توانند متقاضی دریافت زمین و تسهیلات در طرح روفق روستاها باشند.

در این خصوص معاون مسکن روستایی بنیاد مسکن با اشاره به برنامه‌ریزی دولت برای تشویق مردم به مهاجرت معکوس به روستاها اظهار کرد: این طرح برای متقاضیان نهضت ملی مسکن در شهرهاست که می‌خواهند به روستاها مهاجرت معکوس داشته باشند.

به گفته معاون بنیاد مسکن، بر اساس برنامه دولت، یک میلیون قطعه زمین در این طرح به مردم واگذار می‌شود، تاکنون ۶۰۰ هزار قطعه زمین تملک شده که به‌صورت اجاره ۹۹ساله به واجدان شرایط واگذار خواهد شد.

وی گفت: اسامی روستاهای دارای ظرفیت واگذاری زمین مشخص شده و در حال بارگذاری در سامانه است. در حال حاضر در استان‌های قم، هرمزگان، خراسان رضوی و خراسان جنوبی زمین آماده شده و بتدریج به متقاضیان تحویل داده می‌شود، البته استان‌های دیگر نیز بزودی به این طرح ملحق می‌شوند.

■ سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ ■ شماره ۹۲۶

متقاضیان مسکن شهری در نهضت ملی مسکن نیز می‌توانند تقاضای خود را به مسکن روستایی در همان استان تغییر دهند تا از حمایت‌های ویژه بهره‌مند شوند.

با توجه به افزایش سقف تسهیلات مسکن روستایی به ۳۵۰ میلیون تومان، معاون بنیاد مسکن گفت: متقاضیان مهاجرت معکوس، علاوه بر دریافت زمین می‌توانند از وام ۳۵۰ میلیون تومانی ساخت مسکن روستایی با سود ۵ درصد هم استفاده کنند. البته این افراد اگر تقاضا کنند می‌توانند به جای وام ۳۵۰ میلیون تومانی، وام ۵۵۰ میلیون تومانی نهضت ملی مسکن را با سود ۱۸ درصد دریافت کنند.

پیش از این برنامه، وام مسکن روستایی فقط به ساکنان روستاها پرداخت می‌شد اما در طرح جدید، ساکنان شهرها نیز به شرط سکونت در روستا می‌توانند از تسهیلات مسکن روستایی بهره‌مند شوند.

به گفته معاون بنیاد مسکن، بر اساس برنامه دولت، یک میلیون قطعه زمین در این طرح به مردم واگذار می‌شود، تاکنون ۶۰۰ هزار قطعه زمین تملک شده که به‌صورت اجاره ۹۹ ساله به واجدان شرایط واگذار خواهد شد.

بسا توجه به محدودیت زمین روستایی در برخی استان‌ها، تمام استان‌ها فعلاً در این طرح فعال نیستند. از سوی دیگر متقاضیان مسکن روستایی باید ساکن همان استان باشند یعنی متقاضیان نمی‌توانند برای استانی غیر از محل سکونت خود متقاضی دریافت زمین روستایی شوند. متقاضیانی هم که می‌خواهند ثبت‌نام نهضت ملی مسکن خود را از شهری به روستایی تغییر دهند باید روستایی در محل ثبت‌نام قبلی خود را انتخاب کنند. همچنین بزودی سامانه ثبت‌نام این طرح برای کسانی که در نهضت ملی مسکن ثبت‌نام نکرده‌اند، در وزارت راه و شهرسازی بازگشایی می‌شود.

معاون بنیاد مسکن با اشاره به محدودیت تأمین زمین در برخی استان‌ها گفت: استان‌های شمالی در طرح واگذاری زمین روستایی فعال نیستند.

وی گفت: اسامی روستاهای دارای ظرفیت واگذاری زمین مشخص شده و در حال بارگذاری در سامانه است. در حال حاضر در استان‌های قم، هرمزگان، خراسان رضوی و خراسان جنوبی زمین آماده شده و بتدریج به متقاضیان تحویل داده می‌شود، البته استان‌های دیگر نیز بزودی به این طرح ملحق می‌شوند.

اِ ساخت نهضت ملی مسکن در روستاها

نوسازی و ساخت سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی در برنامه مقاوم‌سازی و نهضت ملی مسکن در روستاها در حال اجراست. بنا تصویب قانون جهش تولید مسکن، بستر ساخت سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی فراهم شده است. به گفته معاون بنیاد مسکن، در حال حاضر ساخت ۳۸۲ هزار مسکن روستایی در حال اجراست که ۲۱۰ هزار واحد به اتمام رسیده و ۱۷۲ هزار واحد نیز در دست ساخت است.

وی افزود: همچنین با افزایش تسهیلات مسکن روستایی، ۱۷۵ هزار نفر برای دریافت وام ۳۵۰ میلیون تومانی به بانک‌ها معرفی شده‌اند و از ابتدای بهمن، ۱۸ هزار فقره تسهیلات پرداخت شده است.

سقف تسهیلات مسکن روستایی ۲۰۰ میلیون تومان برای نوسازی ۲۰۰ هزار مسکن روستایی بود که هم‌کنون با تصمیم دولت این سقف تسهیلات به ۳۵۰ میلیون تومان و تعداد آن نیز به سالانه ۳۵۰ هزار واحد افزایش یافته است. از حدود ۵٫۵ میلیون مسکن روستایی تا کنون ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار واحد مسکونی در روستاها مقاوم‌سازی شده که برنامه دولت این استت تا پایان سال ۱۴۰۵ بیش از ۷۰ درصد خانه‌های روستایی نوسازی شود. با آغاز برنامه نهضت ملی مسکن و افزایش حمایت مالی از ساکنان روستاها، ساخت و ساز و نوسازی در روستاها سرعت گرفته است.

هشدار کاهش تعداد نیروی متخصص در معادن

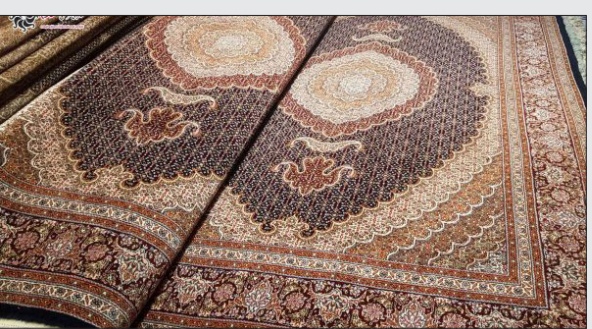
وی خاطر نشان کرد: از این تعداد عضو، حدود ۱۰ هزار عضو، پروانه اشتغال دارند و مجاز هستند در حوزه‌ی مهندسی، خدماتی نظیر طراحی، نظارت، اجرا، تهیه نقشه، برآورد حجم و… را انجام دهند؛ الباقی تحت عنوان کارورز در کنار این افراد فعالیت کنند تا پس از اخذ پروانه، وارد کار شوند.بستامی در یک برنامه تلویزیونی تصریح کرد: در حال حاضر، ایده‌آل‌ترین حالت دیده می‌شود نیروهایی که در حوزه معدنی فعال هستند، حدود ۸۰ درصد آن‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ سال سن دارند که بهترین حال است اما این برای آینده زنگ خطر به حساب می‌آید، چراکه پس از گذشت یک دهه، یکی از این ستون‌ها جایگزین ستون بعدی نشده و با توجه به اینکه ورودی‌های رشته معدن کم است، به لحاظ منابع انسانی برای کشور یک زنگ خطر خواهد بود.

رئیس سازمان نظام مهندسی معدن ایران چارماندیشی برای این حوزه را ضروری خوانده و گفت: این چارماندیشی، وظیفه تنها یک بخش نیست و بایستی علاوه بر متولیان این بخش (وزارت صنعت، معدن و تجارت)، نظام مهندسی معدن، ایامیدور و سازمان زمین‌شناسی، حتما بخش آموزش کشور نظیر وزارت آموزش پرورش، سازمان فنی و حرفه‌ای و وزارت خانه نیز کمک کنند تا بتوان این تهدیدی که برای سال‌های آینده حس می‌شود را به فرصت تبدیل کنیم.



رشته معدن و زمین‌شناسی که در همین حوزه هم فعالیت می‌کنند، به لحاظ سنی، حدود شش درصد، رده سنی ۲۵ تا ۳۰ سال دارند. ۴۵ درصد رده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، ۳۴ درصد رده سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال، حدود ۱۰ درصد رده سنی ۵۰ تا ۶۰ سال و پنج درصد نیز بالای ۶۰ سال هستند.

جزئیات ورود فرش دستباف



بازاریابی شود که این هنوز حل نشده است.

عضو هیات مدیره اتحادیه تولید کنندگان و صادر کنندگان فرش دستباف در ادامه درباره تعدید کاهش میزان رفع تعهد ارزی برای فرش دستباف در سال آینده گفت: این موضوع در لایحه بودجه سال آینده دیده‌نشد و پیگیری‌ها در مجلس شورای اسلامی هم به دلیل مخالفت سازمان برنامه و بودجه به نتیجه نرسید بنابراین این قانون در بودجه سال ۱۴۰۳ دیده‌نشد.

وی افزود: بنابراین اجرای این قانون در سال آینده فعلا منتفی است، اما فعالان حوزه فرش همچنان به دنبال راه‌حلی برای تعدید این قانون هستند.

گفتنی است: مشکل مربوط به ورود موقت فرش دستباف در سال‌های اخیر بارها مطرح شده، اما موضوع ماده ۱۲۱ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی همچنان حل نشده بود. بر اساس این قانون بر گشت هر کالای مستعمل به کشور مستلزم پرداخت حقوق گمرکی

^[1] فرش دستباف یکی از صنایع مهم و باارزش ایران است که در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است

^[2] فرش دستباف یکی از صنایع مهم و باارزش ایران است که در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است

آغاز اکران پاییزی سینما با چهره‌های پول‌ساز

اکران پاییزی سینما در حالی با نمایش فیلم‌های تازه شروع شده است که گیشه سینماها نیمه اول سال را با رونق به پایان رساندند. فیلم‌های تازه اکران به لحاظ ترکیب بازیگران و تنوع چیدمان، پتانسیل تداوم خبرهای رونق گیشه را دارند. این در حالی است که طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی مؤسسه سینما شهر، فروش سینماها صرفاً در شهریور ماه سال جاری از مرز ۵۴ میلیارد تومان گذشته است. مقایسه آمار ثبت شده از میزان فروش سینماها در نخستین هفته پاییز نسبت به هفته پایانی تابستان حاکی از رشد ۲۳درصدی مخاطبان است و پیش بینی می‌شود گیشه سینما در اولین ماه پاییز رشد فروش معناداری را نسبت به ماه پایانی تابستان ثبت کند.

چهره‌های پول‌ساز در ویتترین گیشه پاییز

با آغاز نمایش عمومی «هتل» و «بچه زرنگ» از پنجم مهرماه در حالی اکران پاییزی سینما به شکل رسمی آغاز شد که پیش از آن سه فیلم «هولیا»، «زن‌بور کارگر» و «شماره ۱۰» به پیشواز فصل تازه اکران رفته بودند.

در ترکیب فیلم‌های تازه اکران گرچه همچنان به لحاظ کمیت کفه فیلم‌های کم‌دی سن‌گین‌تر است اما در حد امکان برای هر سلیقه و پسند سینمایی یک پیشنهاد لحاظ شده است. برای علاقه‌مندان سینمای طنز «هولیا» مرتضی آتش زمزم و «هتل» مسعود اطیابی، برای دوستداران ژانر دفاع مقدس «شماره ۱۰» حمید زرگرنژاد، برای گروه سنی کودک و نوجوان «بچه زرنگ» و برای مخاطبان سینمای اجتماعی «زن‌بور کارگر» افشین صادقی پیشنهادت تازه سینما در گیشه است. ترکیب بازیگران به عنوان ویتترین در موفقیت یک فیلم در گیشه مؤثر است و از عوامل تأثیرگذار بر دیده شدن آثار سینمایی است. از این منظر فیلم‌های تازه اکران، مؤلفه جذب مخاطب را دارند. اگر چه از میان فیلم‌های تازه اکران تنها «بچه زرنگ» و «شماره ۱۰» از تبلیغات تلویزیونی بهره برده‌اند و بقیه آثار به اطلاع‌رسانی اکران در فضای مجازی بویژه توسط بازیگران این آثار تکیه کرده‌اند. پژمان جمشیدی و محسن کیایی در کنار ریما رامین‌فر در «هتل»، مجید صالحی و حسام منظور در «شماره ۱۰»، شبنم مقدمی و سعید آقاخانی در «زن‌بور کارگر» از امیدهای صاحبان این آثار در جذب مخاطب هستند. «بچه زرنگ» هم علاوه بر دلگرم بودن به استقبال خوب مخاطبان از آثار انیمیشن در دو سال اخیر، به حضور هومن حاجی‌عبداللهی به عنوان صدپیشه شخصیت «بیری» با لهجه مازندرانی و جذابیت آن برای مخاطب بزرگسال امید بسته است.

رقابت ترکیب عطاران و پژمان جمشیدی با حامد بهداد

در نیمه دوم مهر

همزمان با آغاز نمایش فیلم‌های تازه اکران در روزهای پایانی هفته گذشته خبرهایی درباره برنامه آینده سینماها منتشر شد. فیلم کم‌دی «جوجه تیغی» به کارگردانی مستانه مهاجر از جمله فیلم‌هایی است که اکران آن از نیمه دوم مهر در سینماها آغاز می‌شود. این فیلم ماجراجویی طنز از زندگی ناخواسته یک جوان متعصب را روایت می‌کند که پیشنهادی عجیب زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این فیلم که از آن با عنوان یکی از پربازبگرتین فیلم‌های امسال سینماها نام برده می‌شود از حضور پانته‌آ پناهی‌ها، حامد کمیلی، هادی کاظمی، آناهیتا درگاهی، نازنین بیاتی و پژمان بازغی به همراه هومن برق‌نورد، مهراب قاسم‌خانی و... بهره برده است. «گنج‌گاه» عادل تبریزی دیگر فیلمی است که از ۱۲ مهرماه به چرخه اکران اضافه می‌شود و پیش‌بینی می‌شود در جمع پر فروش‌های گیشه قرار بگیرد. حامد بهداد، باران کوثری، سروش صحت، جمشید هاشم‌پور و... از جمله بازیگران فیلم هستند. «ویلا ساحلی» به کارگردانی کیانوش عیاری با بازی رضا عطاران، پژمان جمشیدی و ریما رامین‌فر دیگر فیلم طنزی است که پیش از این اعلام شده بود اکران عمومی آن از مهرماه آغاز خواهد شد.

عایدی سینما در نیمه اول سال

در میان فیلم‌های تازه اکران دو فیلم «هتل» و «هولیا» در فروش روزانه پیشتاز هستند. «هتل» با فروش ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در ۳ روز توانست از «فسیل» کریم امینی پیشی گرفته و در صدر جدول فروش روزانه قرار بگیرد. «بچه زرنگ» با فروش ۱ میلیارد و ۳۹۰ میلیون تومان در این مدت زمانی در رتبه سوم جدول قرار گرفت. در لیست مجموع فروش امسال «فسیل» با ۲۶۳ میلیارد همچنان صدر نشین است و «شهر هرت» با گذر از مرز ۶۵ میلیارد تومان رتبه دوم را در اختیار دارد. «سه کام حبس» به عنوان پر فروش‌ترین فیلم اجتماعی با فروشی بیش از ۱۹ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در رتبه سوم جدول فروش سالانه قرار گرفته است. مجموع فروش سینمای ایران در حالی در نیمه اول سال به بیش از ۴۷۵ میلیارد تومان رسیده که طبق آخرین آمار اعلام شده سینماها صرفاً در شهریور ماه سال جاری بیش از ۵۴ میلیارد تومان فروش داشته‌اند. براساس جدول آمار فروش روزانه هفتم شهریور ماه سال جاری (سه‌شنبه و روز نیم‌بهای بلیت سینماها) با بیش از ۴ میلیارد و ۲۵۳ میلیون تومان، مخاطب ۱۶۰ هزار و ۶۱۸ نفری را تجربه کرده است.

آتش حقوق‌های نجومی را روشن نکنید



پس از آنکه قاطعیت دولت سیزدهم در برخورد و جلوگیری از حقوق‌های نجومی، این غائله را به پایان رسانده است، برخی از نمایندگان مجلس در جریان بررسی و تصویب لایحه برنامه هفتم توسعه دوباره قصد دارند آتش حقوق‌های نجومی را روشن کنند. در این راستا و در قالب یک بند الحاقی به برنامه هفتم توسعه، برخی نمایندگان به دنبال «حذف سقف حقوق‌ها» و «جذب نیروهای شرکتی جدید» بودند که به دلیل مخالفت نماینده دولت (رئیس سازمان برنامه و بودجه) و تعدادی از نمایندگان مجلس، این بند الحاقی برای بررسی بیشتر به کمیسیون تلفیق ارجاع شد. این درحالی است که در میانه دهه ۱۳۹۰ افزایش فیش‌های حقوقی کلان و حقوق‌های نجومی در دولت قبل جنجال زیادی به پا کرد و باعث تکدر خاطر رهبر معظم انقلاب و مردم شریف ایران شد.

حقوق‌های نجومی از کجا آغاز شد؟

رسوایی فیش‌های حقوقی مدیران دولتی به انتشار سلسله‌ای از فیش‌های حقوقی برخی مدیران دولتی ایران در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی و تعدادی مربوط به دوره‌های پیش از آن اشاره دارد. این جنجال در خرداد ۱۳۹۵ با انتشار فیش‌های حقوقی مدیران بیمه مرکزی ایران، رئیس صندوق توسعه ملی، مدیران بانک رفاه کارگران و مسئولان و مدیران چند سازمان دیگر رخ داد و بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی در پی داشت. علاوه بر استعفاي چند نفر از مدیران صنعت بیمه، بانک‌ها و مؤسسات اقتصادی دیگر، نام اشخاصی مانند حسین فریدون، برادر رئیس جمهور ایران هم در جریان این جنجال‌ها مطرح شده بود.

۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ در چند کانال تلگرامی و وبسایت سیاسی فیش حقوقی یکی از مدیران بیمه مرکزی منتشر شد. روز بعد در ۱۷ اردیبهشت، اخبار ساعت ۲۱ شبکه یک صدا و سیما در گزارشی با ارجاع به فیش‌های حقوقی منتشر شده در وبسایت‌ها گفت سه مدیر ارشد بیمه مرکزی در اسفندماه ۱۳۹۴ روی هم ۱۸۰ میلیون تومان حقوق و مزایا گرفته‌اند. سپس در ۱۹ اردیبهشت خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضائیه هم با انتشار تصاویری از فیش‌های حقوقی چند ده میلیون تومانی معاونان بیمه مرکزی خبر داد. سه روز پس از آن رئیس بیمه مرکزی استعفا کرد. پس از آن موج انتشار فیش‌های حقوقی و دیگر مدارک مالی مرتبط با مدیران ارشد سازمان‌های مختلف در ایران آغاز شد.

حقوق و مزایای چند صد میلیونی در حالی به مدیران پرداخت شده که به استناد به ماده ۷۶ قانون خدمات کشوری هیچ‌کس در دولت نباید بیش از ۷ برابر حداقل حقوق یک کارمند عادی (یعنی حدبیشتر ۵۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال) حقوق بگیرد.

مخالفت جدی دولت با «حذف سقف حقوق‌ها»

رئیس سازمان برنامه و بودجه در جریان بررسی برنامه هفتم توسعه با بند الحاقی کمیسیون برنامه به لایحه برنامه توسعه مبنی بر برداشتن سقف حقوق و دستمزد مخالفت کرده و گفت: حقوق‌های نجومی که صدای همه را درآورده، حاصل همین بی‌توجهی‌هاست. نمایندگان در جریان نشست علنی روز یکشنبه ۹ مهرماه مجلس شورای اسلامی وارد بررسی بند «الف» ماده ۱۸ گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه (ذیل فصل اعتبارات هزینه‌ای) شدند. این بند با موافقت نماینده دولت و کمیسیون تلفیق لایحه به رأی گذاشته شد و به تصویب رسید که به شرح زیر است:

ماده ۱۸- به منظور کاهش هزینه‌های جاری، ارتقای بهره‌وری منابع و ارتقای شفافیت در هزینه‌کرد دستگاه‌های اجرایی، اقدامات زیر انجام می‌شود:

الف- سازمان مکلف است تا پایان سال دوم برنامه نسبت به استقرار تدریجی نظام بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد در دستگاه‌های اجرایی ارائه دهنده خدمت و محصول اقدام نماید، به نحوی که پیش‌بینی و پرداخت اعتبارات براساس فعالیت‌ها (محصولات و خدمات) متناسب با قیمت تمام شده و حجم فعالیت صورت گیرد. آیین‌نامه اجرایی مذکور شامل اعطای اختیارات به مدیران اجرایی و سناز و کارهای تشویقی و همچنین معیارها و فهرست دستگاه‌های اجرایی مشمول این حکم و ضوابط اجرایی مربوط بنا به پیشنهاد سازمان به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

تبصره- دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی مجازند از سال اول برنامه هرگونه توسعه فعالیت‌های خود و جایگزینی نیروی انسانی که از خدمت خارج می‌شوند را از طریق خرید خدمات از بخش‌های خصوصی و تعاونی تأیید صلاحیت شده با پرداخت حداکثر ۸۰ درصد قیمت تمام شده خدمات مشابه در بخش دولتی انجام دهند.

حسینعلی حاجی دلپگانی در مخالفت با تبصره این بند گفت: هرگاه اجازه‌های اینچنینی به دولت داده شد، عده‌ای خاص بدون اینکه افراد واجد شرایط بتوانند اعلام آمادگی کنند، به‌کارگیری کردند بعداً هم این افراد در همان دستگاه ماندند. قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه بین خرید خدمت و خرید خدمات فرق است، گفت: این معضل را خرید خدمت

انجام داده است اما در این تبصره به خرید خدمات اشاره شده است. مرادی، نماینده مردم بندرعباس در مجلس در موافقت با این تبصره اظهار کرد: در این تبصره به دستگاه‌ها اجازه داده شده تا در جریان ارائه خدمات خود و جبران کمبود نیروهای انسانی اقدام به جذب نیروی خرید خدمت کنند.

داوود منظور معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی با مخالفت با این تبصره گفت: این تبصره خارج از لایحه بوده و باعث بزرگ شدن دولت می‌شود. این اجازه سبب جذب نیروی انسانی در دستگاه‌ها خارج از زبده‌گزینی می‌شود. ما در فرآیندهای جذب، افراد نخبه را برمی‌گزینیم اما جذب نیروهای شرکتی سبب پایین آمدن کیفیت نیروی انسانی در دولت شده است، دولت اگر نیرو بخواهد باید از طریق سازمان اداری و استخدامی و برگزاری آزمون باشد افرادی که از طریق غیر شفاف جذب می‌شوند باعث کاهش کیفیت نیروی انسانی در دولت می‌شوند.

وی دربارہ بند الحاقی ذیل بند «الف» ماده ۱۸ لایحه برنامه هفتم هم گفت: برداشتن سقف حقوق و مزایا باعث بی‌انضباطی و بی‌عدالتی است لذا به این تبصره رأی داده نشود. نماینده کمیسیون تلفیق هم با آن مخالفت کرد.

قالیباف: پیدا کنید برتقال فروش را!

نهایتاً این تبصره به تصویب نرسید. قالیباف بعد از رأی‌گیری گفت: کمیسیون تلفیق و دولت با این تبصره مخالفند حالا پیدا کنید برتقال فروش را.

سپس حذف تبصره بند «الف» ماده ۱۸ از سوی صباغیان باقی مطرح شد. نماینده مردم بافق در مجلس در این خصوص بیان کرد: در این تبصره به نوعی اجازه داده می‌شود بخش‌های دولتی نیروهای انسانی مورد نیاز را از بخش‌های خصوصی و تعاونی جذب کنند؛ در اینجا علناً برگزاری آزمون جذب نیرو با شرایط امروز را زیر سؤال می‌بریم. این تبصره با قانون اساسی در تعارض است ضمن اینکه با این تبصره قاعده جذب نیرو را از بیسن می‌بریم. نماینده دولت هم با این پیشنهاد برای حذف تبصره بند «الف» ماده ۱۸ لایحه برنامه هفتم توسعه موافقت کرد. در نهایت پیشنهاد مذکور با رأی نمایندگان به تصویب رسید و تبصره مذکور حذف شد.

بررسی جنجالی بند مربوط به برداشته‌شدن سقف حقوق و مزایا سید البرز حسینی در مخالفت با بند الحاقی بند «الف» ماده ۱۸ لایحه برنامه توسعه هفتم گفت: مگر می‌شود حقوق و مزایای تمام کارکنان را بدون سقف در نظر گرفت؟ در این صورت پست و سمت‌ها و اضافه کار و حق مأموریت و حق مدیریت مورد بررسی قرار می‌گیرد؟ اگر این بند تصویب شود، کارکنان زحمت می‌کشند ولی فاصله حقوقی آنها با برخی مدیران بسیار زیاد می‌شود. مگر می‌شود سقف حقوق برداشته شود و هر فردی بتواند بابت هر اتفاقی که دالش خواست، سقف حقوق را در نظر بگیرد ضمن اینکه این بند اصلاً برنامه‌ای هم نیست.

حذف سقف حقوق موجب ایجاد حقوق‌های نجومی می‌شود داود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه در مخالفت با بند الحاقی گفت: حقوق‌های نجومی که صدای همه را درآورد، حاصل همین بی‌توجهی‌هاست برخی شرکت‌های دولتی می‌توانند پرداختی‌های متفاوتی تحت هر عنوان مانند کارانه و... بدهند. اگر این فیش‌های حقوقی بیرون بیاید، باعث کاهش اعتماد عمومی می‌شود. شورای حقوق و دستمزد باید این اختیار را داشته باشد و این حکم در برنامه نباید بلکه در لایحه بودجه بیاید تا شورای حقوق و دستمزد تصمیم‌گیری کند. محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون تلفیق گفت: به اسسم عدالت و جلوگیری از حقوق‌های نجومی در بودجه ۱۴۰۰ سقف گذاشتند و باعث شد تا اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها حششان ضایع شود. بودجه جای تعیین سقف حقوق نیست در این بند کاردی به شرکت‌های دولتی نداریم؛ نجومی بگیران در این بند نیستند. بعد می‌آیند در بودجه سقف چند برابری می‌گذارند. باید قانون دائمی در این خصوص اصلاح شود. اینکه رهبر انقلاب می‌گویند بودجه‌ریزی باید اصلاح ساختاری شود، برای همین است. لذا در این بند الحاقی، بر قانون دائمی تأکید شده است.

فردی در ستاد وزارت نفت در سال ۹۷ حقوق ۹۳ میلیون تومانی می‌گرفت

مالک شریعتی نیاسر در اخطار قانون اساسی گفت: این بند قانون دائمی را نقض می‌کند ضمناً مطالبه رهبر انقلاب هم بر همین است که چه معنا دارد فردی چند برابر بقیه کارکنان حقوق بگیرد؟ مجلس انقلابی به قانونی کردن حقوق‌های نجومی متهم می‌شود. در ستاد وزارت نفت در سال ۹۷ فردی ۹۳ میلیون تومان حقوق می‌گرفت؛ نگذارید حقوق‌های نجومی در مجلس انقلابی قانونی شود. علی بابایی کارنامی در تذکر آیین‌نامه‌ای گفت: من عضو ناظر شورای حقوق و دستمزد هستم؛ این تصور که این بند حقوق نجومی می‌آورد اشتباه است؛ چرا نباید از استادان دانشگاه‌ها و پزشکان حمایت شود؟ به میزان مهاجرت پزشکان دقت کنید باید این بند به کمیسیون تلفیق برنامه برگردد تا اصلاح و بررسی شود. اگر هوای متخصصان را نداشته باشیم، کشورداری معنا ندارد. نخبگان برای ما مهم‌اند البته ما دغدغه کارگران و معلمان را هم داریم؛ به بازنشستگان به بهانه سقف حقوق و دستمزد ۲ میلیون تومان پرداخت می‌شود. در نهایت این بند الحاقی به بند «الف» ماده ۱۸ لایحه برنامه توسعه هفتم به تصویب نرسید.

بند جنجالی به کمیسیون تلفیق برنامه برکشت

نهایتاً پیشنهاد حذف بند الحاقی به بند الف ماده ۱۸ لایحه برنامه هفتم به تصویب نرسید و براساس اعلام قالیباف به کمیسیون تلفیق برنامه ارجاع شد. وی افزود: بند ارجاعی باید بر اساس ماده ۵ قانون خدمات کشوری مورد بررسی قرار گیرد. براساس بند ارجاعی به کمیسیون تلفیق برنامه هفتم، حقوق و مزایای قانونی کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و نیروهای مسلح بدون تعیین سقف پرداخت حقوق و مزایا به طور کامل پرداخت می‌شود.

چرا اقتصاد ایران قادر به جذب سرمایه نیست؟

سیاه‌چاله‌ای که سرمایه‌گذاری را می‌بلعد



سرمایه‌گذاری فراهم نباشد و اصلاحات ساختاری در جهت جلب سرمایه‌گذاری‌ها رخ ندهد مسیر سرمایه‌گذاری هم در کشور تغییری نخواهد کرد که البته چندین عامل دست به دست هم دادند تا میزان سرمایه‌گذاری‌ها در کشور افت داشته باشد.

خروج سرمایه از دهه ۹۰ به بعد تشدید شد و افزود: در حال حاضر عملکرد ما در جذب سرمایه با چالش بزرگی روبرو شده است و با خروج سرمایه از کشور هم روبرو هستیم. این دو عامل وضعیت را بحرانی‌تر کرده است. متأسفانه در این مدت نه سرمایه‌گذاری داخلی چندانی صورت گرفته و نه سرمایه‌گذاری خارجی جذب شده. از سوی دیگر خروج سرمایه هم در دهه ۹۰ و از سال ۱۴۰۰ به بعد تشدید هم شده است. این اقتصاددان با اشاره به عوامل کلیدی که باعث افول سرمایه‌گذاری در کشور شده نیز گفت: اولین مساله این است که اقتصاد ایران پیش‌بینی‌پذیری لازم را ندارد و ثباتی هم در محیط اقتصاد کلان نمی‌بینیم و این موضوع هم برای سرمایه‌گذاری داخلی مساله‌ساز شده و سرمایه‌گذار خارجی هم با همین شرایط روبروست.

کشور به ازای هر نفر به‌طور متوسط ۱۱۰۳ میلیون تومان بوده که این عدد در حال حاضر به ۴۰۳ میلیون تومان کاهش یافته است این در حالی است که بر اساس آخرین آمارهای بانک مرکزی رشد اقتصادی بهار ۱۴۰۲ نسبت به بهار سال گذشته ۶۰۲ درصد بوده است، اما سرمایه‌گذاری چندان از مواهب این افزایش درآمد بهره‌مند نشده، به‌طوری که رشد آن حدود ۲ درصد تخمین زده شده است.

انباشت سرمایه در کشور منفی شده است و وحید شقاقی شهری، اقتصاددان و استاد دانشگاه در مورد افت سرمایه‌گذاری‌ها در فصل بهار ۱۴۰۲ به «چرتکه اقتصاد» گفت: در یک دهه گذشته رشد سرمایه‌گذاری‌ها و انباشت سرمایه در کشور منفی شده است و در طول سال‌های اخیر نیز تغییر خاصی در این بخش رخ نداده است، هر چند دولت سیزدهم هم اعلام می‌کند که سرمایه‌گذاری در این مدت رشد داشته اما شاید این رشد تنها در بخش ساخت و ساز بوده و در این حوزه تکانه‌های اندکی صورت گرفته باشد؛ اما شواهد امر حکایت از تغییر جهت برای رشد سرمایه‌گذاری‌ها در کشور ندارد. شقاقی شهری ادامه داد: تا زمانی که بسترها برای

سعید محمدی - یکی از چند بحران اصلی که این روزها کشور با آن دست و پنجه نرم می‌کند افول سرمایه‌گذاری و خروج سرمایه‌ها از کشور است که برخی اقتصاددانان علت اصلی آن را ابرچالش تورم عنوان می‌کنند. به گفته کارشناسان اقتصادی در چند دهه اخیر یکی از مشکلات بزرگ اقتصاد ایران تورم مزمن ۲ رقمی است که شرایط اقتصادی را بیش از پیش پیچیده کرده است. بر اساس آمارها در سال ۱۴۰۱ ایران با نرخ تورم نقطه به نقطه ۵۴ درصد یکی از بالاترین تورم‌های جهان را به ثبت رسانده است که تداوم این میزان تورم موجب افت قدرت خرید مردم و بی‌اثر شدن سرمایه‌گذاری‌ها طی سال‌های گذشته شده است. سرمایه‌گذاری تابع عوامل و متغیرهای متعددی است که عمدتاً متاثر از متغیرهای داخلی از جمله نرخ ارز، نرخ بهره، نرخ تورم و ارتباطات سیاسی ... محسوب می‌شود. در این میان یکی از عوامل بسیار مهمی که در تصمیم برای سرمایه‌گذاری چه داخلی و خارجی موثر است، وجود فضای امن و به عبارتی محیط سرمایه‌گذاری مناسب است، آنچه که تحت عنوان فضای کسب و کار از آن تعبیر می‌شود. در بهار سال ۱۳۹۰، میزان سرمایه‌گذاری

با مشکلات لنج داران همسفر شویم

حذف شناورهای سنتی از خلیج فارس؟ آنگونه که رئیس هیأت مدیره تعاونی لنج‌داران و حمل‌ونقل دریایی استان بوشهر می‌گوید: «مطابق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سالانه حدود ۴ تا ۷ میلیارد دلار کالا از طریق کولبری و ملوانی (ته‌لنجی) وارد کشور می‌شود. این در حالی است که طی ۷ ماه گذشته هنوز هیچ سفر دریایی‌ای در سواحل خلیج فارس انجام نشده است. بعد چگونه می‌توان از سفرهایی که هنوز تحقق پیدا نکرده، ۷ میلیارد دلار کالا وارد کشور شود! مگر همه واردات به کشور از طریق دریا و لنج انجام می‌شود؟ آن هم لنج‌های سنتی که نماد خلیج همیشه فارس بوده و پرچم سه رنگ ایران را با افتخار به اهتزاز درمی‌آورند.»

وی تصریح می‌کند: «آیا بهتر نیست اتاق فکری تشکیل داده و درست زمانی که در ناخودآگاه‌ترین شرایط تحریمی قرار داریم، مواد اولیه مورد نیاز، ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی و ... را از طریق لنج به کشور وارد کنیم، مگر نه این است که مرزداران و مرزنشین‌های جنوب کشور در مقاطع حساس از جمله جنگ تحمیلی همیشه در صحنه حضور فعال داشته و دقیقه‌ای اجازه تعطیلی صادرات نفت در بدترین شرایط را ندادند.»

معضلات اجتماعی و اقتصادی

«سید علی موسوی گمارانی» ادامه می‌دهد: «در بخشی از این لایحه قرار است کشتی‌های فلزی طی ۵ سال جایگزین لنج‌ها شوند؛ آیا با این تصمیم، فکری به حال انبار تخلیه نیز کرده‌اند؟ آیا زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری برای تحقق این خواسته کافی است؟»

وی تصریح می‌کند: «واقعیت این است که با استمرار این وضعیت، مسائل امنیتی و معضلات اجتماعی و اقتصادی

گذشته‌های دور تاکنون، مرزنشینان جنوبی در بندر مرزی علی‌رغم وجود مشکلاتی نظیر ریزگردها، شرعی و گرمای بسیار شدید، با نام «ته‌لنجی» داد و ستد با کشورهای حاشیه خلیج فارس را برگزیده و معیشت خود و خانواده خود را به آن گره زده‌اند. در حقیقت زندگی مردم، امرار و معاش و ارتزاق آنها در منطقه‌ای که نه زمین حاصلخیزی داشته و نه به درد دامپروری می‌خورد، به لنج پیوند خورده و طی دهه‌های گذشته هیچ شغل جایگزینی برای آن اندیشیده نشده است.»

ته‌لنجی با کولبری متفاوت است

وی ته‌لنجی و کولبری را دو مقوله مجزا از یکدیگر دانسته و تأکید می‌کند: «فرصت‌های شغلی کولبری و لنج از اساس با یکدیگر متفاوت است. یک لنج از زمان حرکت تا بازگشت، چیزی حدود ۱۰ هزار شغل را ایجاد می‌کند؛ این متفاوت از کیسه یا باری است که یک کولبر با خود حمل می‌کند.» طبق گفته «سید علی موسوی گمارانی»، «برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از جمله قطر در نظر دارند تا صنعت لنج‌سازی را با تأسیس یک آکادمی تخصصی در منطقه به نام خود ثبت کنند. این در حالی است که طی سالیان متمادی، مردم جنوب کشور در خلیج نیلگون فارس، با همین لنج‌ها خرید و فروش کرده و اقتصاد دریایی را به کمک همین شناورهای سنتی توسعه داده‌اند. حال چگونه می‌توان یک شبه تصمیم به حذف لنج‌ها و جایگزینی آن با کشتی‌های فلزی گرفت؛ بی‌آن که توجهی به پیشینه و ارتزاق وابسته مردم ساحل‌نشین به این صنعت داشت و این نکته را فراموش کنیم که زندگی بیش از ۹۰ درصد مردم جنوب کشور به صورت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد دریامحور وابسته است.»

۳۱ مرداد سال جاری، ۱۸۱ نماینده مجلس شورای اسلامی با کلیات لایحه دوفوریتی ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کولبری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان موافقت کردند. لایحه‌ای که قرار بود واردات کالای همراه ملوان را ساماندهی کند اما به جای آن، شغل و ارتزاق عمده مردم ساحل‌نشین استان بوشهر که به دریا و کالای ملوانی گره خورده را هدف قرار داده و آن را به یکی از دغدغه‌های اصلی مردم بومی و لنج‌داران تبدیل کرد. لایحه‌ای که به باور بسیاری از کارشناسان، بدون بررسی وضعیت ذی‌نفعان اصلی، عدم نظرخواهی از نمایندگان مردم در مناطق مرزی و صرفاً براساس انگاره قاچاق شکل گرفته و با شتاب‌زدگی بسیار مراحل تصویب خود را طی کرده و در نهایت در صحن مجلس مصوب شده است.

طبق گفته «عبدالکریم جمیری» نماینده مردم بوشهر در مجلس، اشتغال مستقیم بیش از ۲۰ هزار نفر از مردم ساحل‌نشین استان بوشهر از جمله لنج‌داران، ملوانان و بازاریان را دچار آسیب کرده و معلوم نیست بعد از ۵ سال چه بر سر آینده شغلی و امرارمعاش آنها از طریق مبادلات تجاری با کشورهای حاشیه خلیج‌فارس، خواهد آورد؟ آنگونه که رئیس هیأت مدیره تعاونی لنج‌داران و حمل‌ونقل دریایی استان بوشهر به «ایران» می‌گوید: لایحه ساماندهی ته‌لنجی، زندگی بیش از ۹۰ درصد مردم جنوب کشور را که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد دریامحور وابسته است را مورد تهدید قرار داده و به معضلات امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در میان مردم ساحل‌نشین دامن خواهد زد.

به خطر افتادن معیشت ساحل‌نشینان

«سید علی موسوی گمارانی» رئیس هیأت مدیره تعاونی لنج‌داران و حمل‌ونقل دریایی استان بوشهر، ضمن انتقاد از لایحه ساماندهی ته‌لنجی به «ایران» می‌گوید: «از

هور در آتش

داستان تکراری هر ساله؛ از اواخر تابستان تا اوایل مهر؛ آنقدر کشتار است که تالاب هورالعظیم، خودسوزی می‌کند؛ خودسوزی یا آتش‌سوزی‌های مکرر آن هم در بخش واقع در کشور عراق. چند روزی است که طبق روال سال‌های گذشته، هور بیچاره سهمش از خشکی، آتش‌سوزی شده و نفس خوزستانی‌ها را بند آورده است. فرهاد قلی‌نژاد، معاون محیط زیست انسانی به «ایران» می‌گوید: علت این حادثه، قطع شدن حقایق تالاب هورالعظیم در کشور عراق است. به گفته او تالاب کاملاً خشک شده و آتش‌سوزی‌های مکرر با توجه به فراهم شدن شرایط، امکان خودسوزی را ایجاد می‌کند. مجتبی گهستونی، فعال محیط زیست خوزستان نیز به «ایران» می‌گوید: این‌گونه حوادث آثار مخربی بر جا می‌گذارد که موجب آزار مردم می‌شود. باید برای آن، آموزش‌هایی برای جوامع محلی نیز در نظر گرفته شود.

آتش در نیستان

هر ساله با شروع فصل گرما و تابستان، شاهد آتش‌سوزی در جنگل‌ها و تالاب‌ها هستیم. آتش‌سوزی‌هایی که گریبانگیر جوامع محلی می‌شود و دلایل آن نیز متعدد است. این فعال محیط زیست می‌گوید: بخشی از این آتش‌سوزی‌ها توسط جوامع محلی صورت می‌گیرد. آنها به دنبال نی تازه، نی‌های قدیمی را آتش می‌زنند تا نی تازه به عمل بیاید. بالاچاره و ناخواسته آتش‌سوزی، گسترش پیدا می‌کند و به بخش‌های دیگر تالاب سرایت می‌کند که خاموش کردن آن از عهده افراد خارج می‌شود. به گفته گهستونی، از دیگر دلایل آن می‌توان به نی‌های خشک منطقه اشاره کرد که در اثر کم‌بارشی، بی‌بارشی و خشکسالی، خشک شده و منجر به آتش‌سوزی طبیعی می‌شود و سطح منطقه را فرا می‌گیرد.

در چند روز گذشته که دود غلیظ و سپس بوی متعفن موجب آزار مردم خوزستان شد، همه به دنبال علت دود و بو بودند. این فعال محیط زیست می‌گوید: مشخص شد که دود و بو از هورالعظیم است اما اینکه منشأ آن واقعاً خارجی بوده یا داخلی، حرف‌های زیادی گفته می‌شود. طبق گفته مستولان مربوطه، منشأ آن بخش عراقی هور بوده و با توجه به فاصله کم شهرها و روستاها، باعث شده که این دود به سمت ایران سرازیر شود. او می‌گوید: البته عوامل آتش‌سوزی زباله‌ها هم در مناطق شهرها و روستاها وجود دارد که بوی آزاردهنده آنها هم مزید بر علت شده است.

آتش‌سوزی‌های ایجاد شده به طور متوالی در چند روز گذشته موجب شده که دود آن به شهرهایی مثل اهواز، شوشتر، دشت آزادگان، هویزه و سوسنگرد سرایت کند. این فعال محیط زیست می‌گوید: اصولاً مدام با بوهای مختلف در این شهرها مواجه هستیم. برخی اوقات اثرات تدریجی آتش‌سوزی همچنان پابرجاست و بوی آن این مناطق را درگیر می‌کند و موجب مشکلات ریوی، تنفسی و آلودگی‌های محیط زیستی می‌شود. به گفته گهستونی، به دلیل بوی بد و دود غلیظ مردم این انتظار را داشتند که در روزهای آلوده تعطیلی اعلام شود. اما واقعیت ماجرا این است که در این‌گونه حوادث نیازمند آموزش به جوامع محلی هستیم. باید تمام روستانشینان و جوامع ذی‌نفع حاشیه تالاب زیرپوشش آموزش‌های تدریجی بروند. چگونگی مواجهه با تالاب و محیط زیست، چگونگی آموزش شکار، صیادی، کشاورزی، دامداری و ماهیگیری و چگونگی چیدن علوفه همگی از مواردی است که به فرهنگسازی و آموزش نیاز دارد. از سوی دیگر، تقویت محیط زیست منطقه و شهرها هم مسأله مهمی است.

قطع شدن حقایق هور

هورالعظیم بیش از ۳۰۰ هزار هکتار مساحت دارد، تالابی که در جنوب غربی کشور و در منطقه خوزستان قرار گرفته است. بخش کوچکی از هور در ایران و بیشتر آن در کشور همسایه عراق است. بخش ایرانی هور به‌وسیله یک دایک مرزی که نوعی سد بتنی است از بخش عراقی جدا شده است. دود غلیظ و بوی نامطبوع در روزهای اخیر، موجب آلودگی در چند شهر خوزستان شده است. فرهاد قلی‌نژاد معاون محیط زیست انسانی می‌گوید: این موضوع مسیوق به سابقه است و سال‌های گذشته هم همین مشکل را در هورالعظیم بخش عراقی داشتیم. علت این حادثه قطع شدن حقایق هورالعظیم در بخش عراقی است. این تالاب در بخش عراق کاملاً خشک شده و این خشکی باعث شده که آتش‌سوزی‌های مکرری با توجه به فراهم شدن شرایط خودسوزی ایجاد شود. روزهایی که جهت باد غالب به سمت ایران و استان خوزستان است شهرهای مرزی و مرکزی استان خوزستان هم درگیر آسیب‌های چند ساعته می‌شوند. دشت آزادگان، شهرستان هویزه و اهواز چندین ساعت دود ناشی از آتش‌سوزی هورالعظیم بخش عراقی را در هفته گذشته استنشام کردند. این مسئول می‌گوید: آنچه که برای پیشگیری مهم است باید از طریق دیپلماسی پیگیری تأمین آب حقایق تالاب در بخش عراقی باشیم تا با تأمین آن شرایط آتش‌سوزی و عوارض ناشی از آن پایین بیاید. البته در بحث مهار آتش، چون دسترسی به آتش‌نباریم و به صورت مکرر هم اتفاق می‌افتد، باید با کشور عراق هماهنگ شود چراکه امکان مهار سریع آن وجود ندارد. او پیشگیری را مهم می‌داند و می‌گوید: این رخداد تا اواخر مهرماه ادامه دارد و اواخر تابستان و اوایل پاییز سال‌های قبل هم این آتش‌سوزی‌ها به وجود آمده است. قلی‌نژاد می‌گوید: باید تلاش کنیم برای سال‌های بعد در اواخر تابستان و اوایل پاییز، حقایق هور تأمین شود تا امکان آتش‌سوزی از بین رود. زیرا این دود به ایران می‌رسد و در جهت باد غالب شهرهای ما تحت تأثیر قرار می‌گیرند او می‌گوید: از میزان حبابه در کشور عراق اطلاعاتی در دست نیست و در بخش ایرانی پیگیری هستیم. بخش‌هایی از تالاب در ایران آب دارد. طبق بررسی‌ها و بنابر نقشه‌های هوایی در بخش عراقی، تالاب خشک شده است. یعنی در آنجا آبی به تالاب نمی‌رسد و این خشکی باعث شده تا نيزارها آتش بگیرد.

امنیت سرمایه‌گذاری از بین رفته است شقاقی شهری تصریح کرد: سرمایه‌گذاری امری بلندمدت است و کوتاه‌مدت محسوب نمی‌شود و هر سرمایه‌گذاری که وارد این حوزه می‌شود به یک افق حداقل ۱۰ ساله برای بازدهی سرمایه خود نیازمند است؛ این در حالی است که شرایط اقتصادی ایران بی‌ثبات شده است. مساله بعدی بحث امنیت سرمایه‌گذاری‌ها است و اینکه حقوق مالکیت اعم از حقوق مالکیت فیزیکی یا فکری و معنوی بسیار مهم است. در حالی که مدام به حقوق مالکیت تعدی می‌شود و امنیت سرمایه‌گذاری هم از بین رفته و موجب شده سرمایه‌گذاران به دلایل مختلف از ادامه فعالیت‌شان منصرف شوند. این کشور خاطر نشان کرد: معمولاً در اقتصادهایی که میزان فساد و رانت از یک درجه‌ای بالاتر می‌رود سرمایه‌گذاری هم کار بسیار سختی می‌شود. شواهد هم حاکی از آن است که امروز فساد و رانت در کشور از درجه‌ای بیشتر شده و همین عامل هم موجب شده که سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی هم با موانع جدی مواجه باشد.

سیاست خارجی کشور

مبتنی بر منافع اقتصادی نیست او ادامه داد: موضوع بعدی عدم ثبات سیاست‌های خارجی کشور است و مشکلاتی که در روابط ایران با کشورهای دیگر وجود دارد و در دهه‌های اخیر هم این مشکلات مدام بیشتر شده است، هر چند همین رابطه پرتنش گاهی تنش‌زایی شده اما مجدداً این چرخه تکرار شده و یک سیاست خارجی مبتنی بر منافع اقتصادی برای یک دوره بلندمدت در کشور نداشته و نداریم و از این منظر سرمایه‌گذار داخلی و خارجی تکلیف خود را نمی‌داند و می‌بینیم که ایران با کشورهای پیرامونی خود یک سیاست تنش‌زایی شده با دوام و پایدار ندارد و مصداق آن هم همین کشور عربستان است که در طول ۱۰ سال گذشته یک رابطه پر نوسانی را تجربه کرده است. شقاقی شهری خاطر نشان کرد: مساله دیگر این است که یک سیاه‌چاله‌ای در اقتصاد ایران وجود دارد که یک محیط پر از رانت متکی به نفت، اقتصاد غیر شفاف، غیر رقابتی، دستوری و شبه‌دولتی را ایجاد کرده است که این سیاه‌چاله در این شرایط نامطلوب اصلاً اجازه سرمایه‌گذاری نمی‌دهد و مهم‌ترین عامل هم همین سیاه‌چاله است که بسیار پردر دسترس شده و حتی با ابلاغ اصل ۴۴ هم هر سیاست‌اصلاحی در جهت توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری‌ها انجام شود. این سیاه‌چاله اجازه حرکت درست به این مسیر را نمی‌دهد. این اقتصاددان ادامه داد:

این سیاه‌چاله حتی قانون اصل ۴۴ را هم بلعید و تنها یک کاریکاتور از خصوصی‌سازی به وجود آورد که ظهور شبه‌دولتی‌ها را به همراه داشت. این سیاه‌چاله به هیچ عنوان اجازه سرمایه‌گذاری و رقابت در اقتصاد ایران را نمی‌دهد چرا که یک محیط نامطلوب از اقتصاد دستوری، شبه‌دولتی‌ها و رانت متکی به نفت با دینفغان بسیار قلدر را ایجاد کرده است. هر سرمایه‌گذاری هم در این شرایط وارد میدان شود درون این سیاه‌چاله هضم خواهد شد و دیگر تمایلی به سرمایه‌گذاری در کشور ندارد.

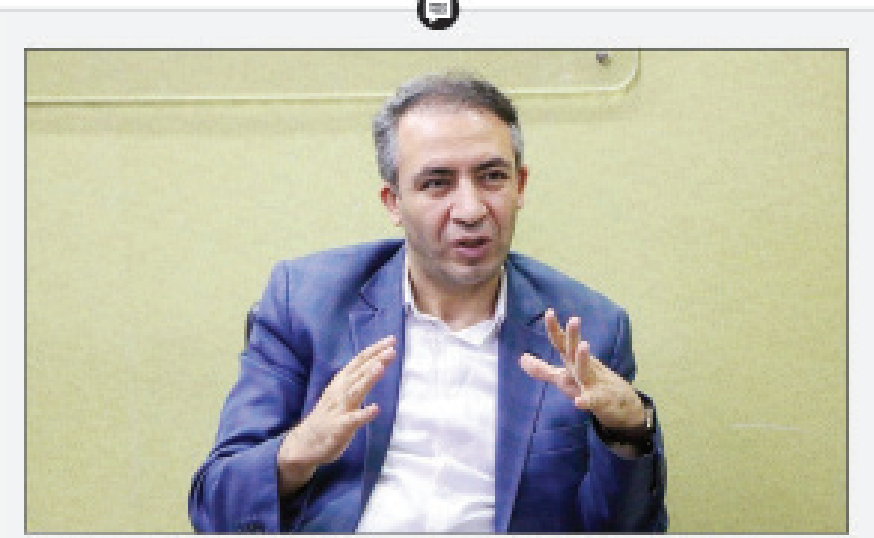
زیرساخت‌ها فرسوده شده

و هزینه تولید را بالا برده است او افزود: مساله بعدی هم فرسودگی زیرساخت‌هاست و اینکه نتوانسته‌ایم زیرساخت‌های متناسب با شرایط جهانی و منطقه‌ای را فراهم کنیم و زیرساخت‌ها امروز بسیار کهنه و فرسوده شده‌اند و از این منظر هزینه تولید و سرمایه‌گذاری‌ها هم بسیار بالا رفته و امکان رقابت را سلب کرده است. شقاقی شهری خاطر نشان کرد: کلیه این عواملی که مطرح شد موجب شده‌اند تا سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی علاقه‌ای به حضور در بازارهای مختلف برای سرمایه‌گذاری نداشته باشند و تا زمانی که اصلاحات ساختاری در جهت حل این مشکلات صورت نگیرد تمایلی هم به تولید و سرمایه‌گذاری در ایران وجود نخواهد داشت.

او افزود: سیاه‌چاله‌ای که امروز با آن درگیر هستیم هر قانون یا سیاست و رخداد مثبتی هم

که بخواهد صورت گیرد را در درون خود می‌کشد و تنها یک کاریکاتور از واقعیت‌ها بر جا می‌گذارد، همانند خصوصی‌سازی که در نهایت باعث ایجاد شبه‌دولتی‌ها و خصولتی‌ها شد که امروز شرایط اقتصادی ایران را هم مبهم کرده است.

اقتصاد کشور امروز یک شتر، گاو، پلنگ است شقاقی شهری با اشاره به اقتصاد ایران قبل از اصل ۴۴ قانون اساسی گفت: اقتصاد ایران در آن زمان به دو بخش تقسیم می‌شد خصوصی و دولتی؛ اما پس از اصل ۴۴ با یک اقتصاد شتر، گاو، پلنگ مواجه هستیم به این معنی که با دولتی بزرگ، بخش خصوصی بسیار نحیف و در کنار آن شبه‌دولتی‌ها روبرو هستیم که بالاتکلیف هم هستند و اصلاً مشخص نیست زیرمجموعه دولت هستند یا زیرمجموعه بخش خصوصی قرار دارند که باعث شکل‌گیری چنین پدیده عجیبی در اقتصاد ایران شده است او ادامه داد: در کنار انهدام این سیاه‌چاله که کار بسیار سختی است و هر سرمایه‌گذاری هم که تمایل به سرمایه‌گذاری در کشور داشته باشد این سیاه‌چاله مانع آن خواهد شد و دیدیم که حتی سیاست‌های اصل ۴۴ هم قادر به انهدام این سیاست‌ها نبود. بالعکس سیاست‌های اصل ۴۴ نیز در درون همین سیاه‌چاله هضم شد، بخش دیگر به بی‌ثباتی سیاست‌های خارجی برمی‌گردد و برخی دیگر هم به گونه‌ای با این سیاه‌چاله مرتبط است اما بخشی دیگر هم مانند حقوق مالکیت مستقل هستند که ضعف قوانین کشور در این حوزه هم بسیار زیاد است.



رشد اقتصادی ۶.۴ درصدی بهار امسال که به تازگی اعلام شده، رشدی بی‌کیفیت است و ارتباطی هم به میزان سرمایه‌گذاری‌ها ندارد و اقتصاددان‌ها چنین داده‌هایی را تحت عنوان داده‌های پرت در اقتصاد مطرح می‌کنند و آنها را کنار می‌گذارند چرا که این داده‌ها حاصل یک اصلاح اقتصادی نیست و تنها یک داده‌ای است که یک بار رخ می‌دهد و باید از تحلیل‌ها کنار گذاشته شود که البته در سال ۱۳۹۵ نیز با چنین وضعیتی مواجه بودیم که رشد اقتصادی ایران به یکباره به ۱۲ درصد رسید و سال بعد از آن به روند بلندمدت ۳ تا ۳.۵ درصد افت کرد.

دفاع هنر و سینما از فرهنگ «دفاع مقدس»

دفاع مقدس ملت ایران و مظلومان و آزادیخواهان جهان از فردای پیروزی انقلاب اسلامی، متولد شد. با ولادت منور دفاع شکوهمند و حماسه‌ساز ایرانیان و مسلمانان و ظلم‌ستیزان از انقلاب و دستاوردهای آن، حق و عدالتخواهان در کنار ایران اسلامی و دشمنان و مخالفان در برابر آن به صف شدند و بدین شکل، آوردگاهی از مبارزه و مقاومت به وسعت جهان ایمان و جهاد در مقابل استکبار جهانی و ایادی آن ساخته شد که تا به امروز ادامه دارد. قلب و محور مرکزی این چالش و درگیری و مقاومت، رویداد جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بود که هشت سال به طول انجامید و به قیمت خون و ایثار هزاران شهید و جانباز و آزاده، تمامیت و افتخار و سربلندی ایران و جمهوری اسلامی را تأمین و تضمین کرد و تداوم کنونی آن در قامت استوار «مقاومت» و رزمندگان سلحشور مقاومت، جلوه‌گر است. چنین حماسه، مقاومت و مجاهده در راه وطن و اعتقاد و رهایی بشریت از جنگ کفر و ظلم که دارای ابعاد مختلف ایمانی، باوری و جهادی است، باید افزون بر دل و جان تاریخ و زندگی مردمان در عرصه‌ها و صحنه‌های هنر و فرهنگ و سینما و صدا و سیما با نمایش سیمای فروزان مبارزان مقاومت، نقش‌آفرین باشد. این گونه است که هنرمندان متعهد و باورمند هم از دیروز تا امروز و فردا در صفوف نیروهای دفاع مقدس و مقاومت جای گرفته‌اند و حاصل هنرنمایی‌های آنها تولید و نگارش هزاران شعر و داستان و خاطره و مقاله، خوشنویسی و نقاشی و تندیس‌سازی، نمایش، فیلم و سریال و آوا و موسیقی است. نکته مهم اینکه، این خلاقیت‌ها و هنرآفرینی‌ها، مقطعی و مناسبتی نیست و در تمام زمان‌ها جریان دارد، گرچه در مناسبت‌های مختلف مرتبط با پاسداشت‌ها و آرج گذاری‌های دفاع مقدس و مقاومت، حضور هنرمندان و مدیران فرهنگی پررنگ‌تر است، ولی فقط مختص این ایام نیست.

و فرهنگی و... در میان ساحل‌نشینان نمود پیدا کرده و مشکلاتی عدیده برای مردم این منطقه ایجاد خواهد کرد. این در حالی است که در ساخت لنج‌های سنتی از املاح سنتی استفاده شده و در صورت عدم استفاده، خیلی زود نابود شده و از چرخه اقتصاد دریایی خارج خواهند شد.» طبق گفته رئیس هیأت‌مدیر تعاونی لنج‌داران و حمل‌ونقل دریایی استان بوشهر، «بهتر است مسئولان با یک نگاه پدانه و کارشناسانه با لنج‌دارها همسفر شده و از نزدیک با مشکلات آنها آشنا شوند؛ انتظار می‌رود که پس از چکش‌کاری و گفت‌وگو با صاحب‌نظران، خواسته‌های دولت و ملت به گونه‌ای عادلانه مدنظر گرفته شده و برای برون‌رفت از مشکلات تعطیلی هزاران لنج در سواحل جنوبی کشور، تدبیری مناسب اندیشیده شود.»

بیکاری مردم و افزایش مهاجرت

«حسین بوالخیری» یکی از لنج‌داران بندر بوالخیر واقع در شهرستان تنگستان استان بوشهر است. او از لایحه ساماندهی تلنجهی انتقاد کرده و به «ایران» می‌گوید: «امسال به لنج‌داران اجازه ۱ سفر دریایی داده شده است؛ خواسته‌ای که تا به امروز محقق نشده است. مردم این منطقه باید کلی قرض کرده و گمرکی پرداخت کنند تا چرخ زندگی‌شان بچرخد؛ اما تا همین الان اجازه یک سفر نیز به ما داده نشده است. سفرها خیلی کم شده و معیشت وایسته مردم به خطر افتاده است.» وی ادامه می‌دهد: «از هر لنجی که بار تخلیه می‌شود، روزانه ۶۰۰-۵۰۰ نفر ارتزاق می‌کنند؛ حال شما تصور کنید به یکباره اجازه سفر داده نشده و این همه جمعیت شغلشان را از دست دهند. مردم بیکار شده و مجبور به مهاجرت خواهند شد. آن هم در منطقه‌ای که نه کشاورزی رونق دارد و نه دامپروری. آیا بهتر نیست مسئولان یک بازنگری جامع در لایحه به‌عمل آورده و حل مشکلات معیشتی و اقتصادی لنج‌داران و مردم ساحل‌نشین را در اولویت قرار دهند؟»

تهران در مسیر صنعت گردشگری هوشمند

تنوع ظرفیت‌های گردشگری آنقدر بالاست که می‌توان بسیاری از گونه‌های گردشگری را با کمک همین ظرفیت‌ها خلق کرد. با توجه به همین پتانسیل درونی، گونه‌ای از گردشگری شکل گرفته که هدف اصلی‌اش معرفی ظرفیت‌های نقاط گردشگری شهری است و امروزه با همین نام یعنی گردشگری شهری شناخته می‌شود.

شناسختی که روز به روز به پیشرفت و توسعه آن کمک کرده و معرفی مکان‌های دیدنی و تفریحی موجب ایجاد کسب و کارهای مرتبط و اشتغال‌آفرینی نیز شده است. گردشگری شهری پدیده‌ای است که در صنعت گردشگری جزو پیچیده‌ترین سبک‌هاست و لذا نیاز به مدیریت سازماندهی شده دارد تا بتوان به درستی در این حوزه پیش رفت و باعث جذب گردشگر، ایجاد اشتغال و کسب درآمد شد.

یکی از راهکارهایی که مدیریت گردشگری شهری را به سمت اهداف درست خود پیش می‌برد بهره‌مندی از گردشگری واحد است تا بتوان در زمینه گردشگری خلاق شهری، گام‌های مؤثر و ماندگاری برداشت و در ادامه نیز مدیران شهری بعدی بتوانند در همین مسیر بدون آنکه نیاز باشد از صفر شروع کنند پیش بروند.

یکپارچگی خدمات شهری و مناسب‌سازی در این زمینه، کاری خواهد کرد تا برنامه‌ریزی‌ها و زیرساخت‌ها در مسیر درستی قرار گیرد و ابر شهری مانند تهران، طبیعی است که نیاز اساسی به این یکپارچگی خدمات خواهد داشت تا پایتخت ایران نه به عنوان معبری برای گردشگران بلکه خود به عنوان یک مقصد گردشگری چه برای گردشگران داخلی و چه خارجی و چه خود شهروندان تهرانی شناخته شود.

فراهم کردن زمینه‌های توسعه پایدار که با استانداردهای سطح زندگی در آینده ممکن خواهد شد و همچنین حرکت به سمت هوشمندسازی و استفاده از تکنولوژی نوین در صنعت گردشگری سرعت حرکت در این مسیر را افزایش خواهد داد و می‌تواند تهران را در رقابت با کشورهای توسعه یافته که در بخش گردشگری شهری پیش‌تاز هستند بر سر زبان‌ها بیندازد و گردشگران بیشتری را به سمت خود جذب کند.

از این رو منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد در راستای توجه به گردشگری خلاق شهری و استقبال از یکپارچگی خدمات گردشگری در پایتخت در تلاش است تا بتواند با انجام پروژه‌های متنوع فرهنگی، گردشگری و عمرانی در این مسیر با مدیریت صحیح، کارشناسی شده و با علم روز دنیا پیش برود.

طی سال‌های اخیر منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد با انجام خدمات گوناگون ثابت کرده است که می‌تواند به بهترین شکل ممکن در این جریان قرار گیرد و با همراهی مجموعه‌های فرهنگی، تفریحی، گردشگری و ... تهران، پایتخت کشور را به سمت صنعتی شدن در حوزه گردشگری قرار دهد. پروژه «مسیر طبیعت» که در حال حاضر جزو پروژه‌های بزرگ شهر تهران است در کنار فعال‌سازی، کارت گردشگری و افتتاح ایستگاه گردشگری هوشمند از جمله فعالیت‌هایی است که منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد آنها را در دستور کار خود قرار داده تا هر چه سریع‌تر این خدمات گردشگری و تفریحی را در اختیار به تحقق رساندن صنعت گردشگری هوشمند در اختیار شهروندان و گردشگران داخلی و همچنین خارجی قرار دهد و پیش‌تاز صنعت گردشگری هوشمند در پایتخت باشد.

جلوه‌های ویژه فیلم «دوئل»

از «نجات سرباز رایان» جلوتر است

به‌جرات می‌توانم بگویم که در زمینه جلوه‌های ویژه میدانی از آنها بهتر هستیم، من بارها گفته‌ام که اگر فیلم سینمایی «نجات سرباز رایان» را کنار «دوئل» قرار دهید و جلوه‌های ویژه را از آن حذف کنید، متوجه تفاوت‌ها می‌شوید.

شما می‌دانید که «دوئل» اصلاً جلوه‌های ویژه تصویری نداشت و هرآنچه در این فیلم می‌بینید، جلوه‌های ویژه میدانی است، حتی هواپیماها هم به‌صورت واقعی سر صحنه حاضر شدند و به‌اندازه یک پلان هم جلوه‌های ویژه بصری نداشتیم، اما ۸۰ درصد فیلم «نجات سرباز رایان» دربرگیرنده جلوه‌های ویژه بصری است، وقتی «دوئل» در کشورهای خارجی به نمایش درآمد، خارجی‌ها درباره تفاوت این فیلم با «نجات سرباز رایان» گفته بودند که «فرق این دو اثر سینمایی با یکدیگر مثل تفاوت گل طبیعی و مصنوعی است»، «جلوه‌های ویژه بصری هرگز جذابیت‌های جلوه‌های ویژه میدانی را ندارد.

از صحبت‌های این هنرمند با تستیم

زمان پرداختن به برخی مسائل در دفاع مقدس رسیده است

فرهنگی– هادی حجازی‌فر بازیگر، نویسنده و کارگردان سریال «عاشورا» با حضور در برنامه «حماسه‌خوان» درباره این سریال صحبت کرد. این سریال هفت قسمتی از ۲۷ مردادماه به مناسبت هفته دفاع مقدس هر شب از شبکه یک مهپمان خانه‌های مردم بود و جمعه‌شب آخرین قسمت آن روی آنتن رفت.

حجازی‌فر در خصوص زیرنویس این سریال گفت: تمام نیروهای ترک‌زبان در نهایت ایتندا در قالب تیپ عاشورا و بعد در قالب لشکر ۳۱ عاشورا سازماندهی شدند. استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل، زنجان و قزوین در این لشکر سازماندهی می‌شدند و ما در این بازه ای که به آن پرداختیم، یک یا دو نفر فارس‌زبان داشتیم. طبعاً بخش عمده ادبیات بین نیروها و فرماندهان ناشی از این مسئله می‌شد و ما تلاش کردیم یک سند تصویری برای آیندگان داشته باشیم. در لباس، حرف‌ها تحریف و تعدیل نشده است و اگر این زبان نبود، بخش عمده‌ای از روح کار را از دست می‌دادیم. همین الان که زیرنویس می‌کنیم برخی از کلمات معادل فارسی ندارند، اما تلاش کردیم با حضور چند رزمنده فارسی‌زبان تعادل برقرار کنیم.

حجازی‌فر در پاسخ به این سؤال که فیلم آقا مهدی است یا فیلم لشکر عاشورا، توضیح داد: فیلم مربوط به آقا مهدی و آقا حمید است و سریال مربوط به لشکر ۴۱ عاشورا است. داستان این است که فلسفه و بیناتگذار لشکر عاشورا آقا مهدی بوده و قابل تفکیک نیست و در خیلی از قصه‌ها آقا مهدی کم وجود دارد، اما قصه دوباره به آقا مهدی برمی‌گردد. هدف من پرداختن به این لشکر بوده و خیلی محدودیت‌ها به لحاظ بودجه‌ای و توان تولیدی داشتیم و گله‌هایی که من شنیدم این است که در ۷ قسمت آقا مهدی درمنی آید و به نظرم کاملاً درست است. به ویژه موقعیت‌هایی که آقا مهدی در آنها قرار می‌گیرد و مجبور است انتخاب کند، هم‌زمان یک جایی فرمانده است و یک جایی برادر بزرگ‌تر و هم‌زمان یک همسر است.

او عنوان کرد: اگر وصیتنامه رزمنده و فرماندهان را بررسی کنیم نوشته‌اند که من ایمانم اینقدر هست که بتوانم مسئولیت ۳۰۰ نفر را به عهده بگیرم. آن زمان مثل الان نبود و به سختی مسئولیت قبول می‌کردند و چون احساس می‌کردند شاید شایستگی آن را ندارند و ایسن موقعیت فرمانده بودن خیلی موقعیت پیچیده‌ای از لحاظ تصمیم‌گیری در شرایط دشوار است و اینها موقعیت‌هایی بود که آقا مهدی در آنها قرار می‌گرفت.

این کارگردان پیرامون اینکه حالا بعد از پخش سریال از آن راضی هستید، عنوان کرد: صادقانه بگویم من از کار راضی هستم، اما پنج درصد توانم به لحاظ فکری، آرتیستی، تمرکز روی بازیگر و متن صرف این کار شده است و ۹۵ درصد توان من صرف تولید شده است. گرفتن امکانات، پول و اعتمادسازی خیلی بهتر از این می‌توانست باشد و ما خیلی سسکانس‌هایی داشتیم که به خاطر نداشتن پول نتوانستیم تولید کنیم. انتظار نداشتم در اولین کارم به من اعتماد کامل شود، اما این محصول از خودگذشتگی یک گروه درجه یک است.

وی در انتقاد به برخی نهادهای مسئول در ساخت آثار سینمایی دفاع مقدس گفت: ای کاش این سازمان‌ها و نهادهای مسئول منحل شوند چراکه با روح کارمندی نمی‌شود این پروژه‌ها را پیش برد. آدم‌ها در طول پیگیری‌ها خسته می‌شوند و می‌ترند! اگر اینها نباشند کارها بهتر جلو می‌رود. من حتی گاهی برای دریافت امکانات جلوی همین سازمان‌ها تحصن کردم تا بتوانم نامه بگیرم! البته اگر «بازیگر» نبودم این کار به پایان نمی‌رسید، چون من تریبون داشتم و صدایم برای پیش بردن کار می‌رسید. این اثر محصول پنج درصد توان ماست چراکه ۹۵درصد توان ما را دوندگی برای دریافت مجوزها، امکانات و پشتیبانی برای تولید گرفت؛ اگر چه از محصول نهایی در حد نمره قبولی راضی هستم. حجازی‌فر در همین زمینه از ارتش جمهوری اسلامی به طور ویژه تشکر کرد و گفت: با اینکه نتوانستیم نقش بی‌ظنیر ارتش را در عملیات والفجر و رمضان در این اثر به خوبی نشان دهیم ولی باید صادقانه از همراهی منحصربه‌فرد ارتش در این اثر تشکر کنیم، آنها خیلی جاها با ما همراهی و کمک کردند.

او ادامه داد: می‌توانم یک شوخی هم داشته باشم؛ بچه‌ها به من می‌گویند چرا اینقدر سر یک ویرگول سخت می‌گیری، گفتم این سریال مناسب و خوبی خواهد بود، این کار جای مختار نامه را می‌گیرد و ۱۰ سال دیگر نگویم‌ای کاش آن کار را درست می‌کردیم. صادقانه بگویم من به نمایندگی از تیمی اینجا هستم که نمره قبولی را گرفته است و خدا را شکر راضی هستم.

حجازی‌فر در بخشی از گفت‌وگو توضیح داد: زمان پرداختن به بعضی از چیزها در دفاع مقدس رسیده است.

یک جاهایی بیش از حد احتیاط می‌کنیم و نگفتن اینها باعث ایجاد سؤال می‌شود و من کلی سؤال داشتم که وقتی دسترسی به منابع پیدا می‌کنم، خیلی از سؤالات برطرف می‌شود. چرا اجازه ندهیم اینها گفته شود و خیلی از سؤالات از بین برود؟ به واسطه چند نفر از دوستان که پای کار بودند، ما به بخش‌هایی پرداختیم که تاکنون در هیچ اثر نمایشی به لحاظ طرح موضوع به آنها پرداخته نشده بود.

رشد ۶٫۲ درصدی رشدی بی‌کیفیت و فاقد سرمایه‌گذاری است

ششقاتی شهری با اشاره به اعلام رشد اقتصادی ۶٫۲ درصدی از سوی دولت نیز افزود: این رشد اقتصادی رشدی بی‌کیفیت است و ارتباطی هم به میزان سرمایه‌گذاری‌ها ندارد و اقتصاددان‌ها چنین داده‌هایی را تحت عنوان داده‌های پرت در اقتصاد مطرح می‌کنند و آنها را کنار می‌گذارند چرا که این داده‌ها حاصل یک اصلاح اقتصادی نیست و تنها یک داده‌ای است که یک بار رخ می‌دهد و باید از تحلیل‌ها کنار گذاشته شود که البته در سال ۱۳۹۵ نیز با چنین وضعیتی مواجه بودیم که رشد اقتصادی ایران به یک‌باره به ۱۲٫۵ درصد رسید و سال بعد از آن به روند بلندمدت ۳ تا ۳٫۵ درصد افت کرد. او با اشاره به رشد صادرات نفت و افزایش بهای این کالا ادامه داد: این دو عامل باعث شد تا رشد اقتصادی ایران افزایش پیدا کند و ممکن است تا پایان سال به رشد اقتصادی بین ۵ تا ۶ درصد هم دست یابیم اما این رشد اقتصادی هیچ کیفیت و ارزشی برای تحلیل اقتصادی ندارد و اگر بنده یکی از اعضای بانک مرکزی بودم چندان بر روی این عدد مانور نمی‌دادم. زیرا حاصل سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نیست و تنها حاصل یک عامل برون‌زا یعنی فروش نفت است که به ۱٫۵ میلیون بشکه در روز رسیده است.

رشد اقتصادی متناسب با رشد صادرات نفت افزایش پیدا کرد
ششقاتی شهری خاطرنشان کرد: در پنج سال اخیر به دلیل فشاری که دولت ترامپ بر صادرات نفت ایران وارد کرده بود میزان صادرات نفت کشور به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در روز رسید و اکنون به دلیل اینکه انتخابات امریکا را پیش رو داریم و قیمت بنزین و نفت برای کنترل تورم امریکا هم مهم است تا حدودی از شدت تحریم‌ها در این حوزه کاسته شده از این منظر این موضوع هم یک بار اتفاق می‌افتد و به دلیل رشد قیمت نفت و افزایش صادرات به دلیل کاهش تحریم‌های امریکا ارزش افزوده نفت کشور به‌شدت بالا رفته است و رشد اقتصادی هم متناسب با رشد صادرات نفت افزایش پیدا کرده است.او افزود: این رخداد تنها یک بار اتفاق می‌افتد و سال بعد مجدداً به روند رشد بلندمدت اقتصاد ایران بازخواهیم گشت که همان ۳ تا ۳٫۵ درصد است و در صورتی که تحریم‌ها شدت گیرد رشد منفی را هم رقم خواهد زد، لذا اینگونه رشد‌های اقتصادی را رشد‌های بی‌کیفیت یا داده پرت می‌نامیم و در تحلیل‌های بلندمدت هم اینگونه داده‌ها را از اقتصاد کنار می‌گذارند چرا که حاصل سرمایه‌گذاری و رشد بهره‌وری و تحول ساختارهای اقتصادی و دگرگونی و حرکت به سمت دانش‌بنیانی اقتصاد هم نیست.

دولت نباید فریب این رشد اقتصادی بی‌کیفیت را بخورد
او با بیان اینکه اینگونه رشد‌های اقتصادی منجر به بهبود شرایط اقتصادی نخواهد شد، تصریح کرد: این رشد‌ها نه تأثیری بر اشتغال دارد و نه تأثیری بر معیشت مردم و صرفاً درآمدهای نفتی را افزایش می‌دهد و شاید با این درآمدهای نفتی دولت بتواند کمی واردات داشته باشد و بخشی از کسری بودجه خودش را پوشش دهد اما ماندگاری در اقتصاد کشور ندارد و تنها زمانی می‌توان ادعا کرد که رشد اقتصادی در کشور وضعیتی بهتر پیدا کرده که حاصل سرمایه‌گذاری در کشور و رشد بهره‌وری و نوآوری و صادرات دانش‌بنیان و تغییر تفکر در ساختارهای اقتصادی باشد این در حالی است که امروز هیچ تغییری در اقتصاد کشور احساس نمی‌شود.او افزود: آنچه مهم است این است که دولت نباید فریب این رشد اقتصادی بی‌کیفیت را بخورد و از اصلاحات ساختاری هم غفلت نکند چرا که ممکن است در سال آینده به دلیل انتخابات امریکا، انتظارات تومری در کشور و تحریم‌ها مجدداً شدت بگیرد ضمن آنکه سرمایه‌گذاری‌ها هم تا زمانی که این سیاه‌چاله در اقتصاد ایران وجود دارد محیط نامطلوبی را ایجاد می‌کند که اجازه سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی را نمی‌دهد.

سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ ■ شماره ۹۲۶

مجادله دولت و مجلس بالا گرفت

قطع امید از برنامه هفتم

همزمان با بالا گرفتن مجادله دولت و مجلس بر سر چگونگی تصویب لایحه برنامه هفتم توسعه، بازوی پژوهشی قوه مقننه خیلی زود از هفتمین برنامه توسعه‌ای ایران نیز «قطع امید» کرده و می‌گوید: «با توجه به اینکه فقط ۹ درصد از احکام قانون برنامه ششم به صورت کامل محقق شده‌اند، می‌توان انتظار داشت که میزان تحقق برنامه هفتم نیز مشابه برنامه‌های گذشته باشد.» مرکز پژوهش‌های مجلس دلیل چنین پیش‌بینی مایوس‌کننده‌ای که از تحقق احکام برنامه هفتم داشته را عملکرد پیشین برنامه توسعه ششم عنوان کرده که «واقع‌بینانه نبودن»، «عدم تأمین منابع مالی» و «عدم تناسب با ظرفیت‌های کشور» در آن دیده می‌شد و حالا در برنامه هفتم توسعه نیز همین روال تکرار شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس، برای واکاوی پیش‌بینی خود از عملکرد برنامه هفتم توسعه، به برخی اهداف کمیتهی برنامه هفتم که هدف متقارنی با برنامه ششم دارند، اشاره کرده است. به‌طور مثال در برنامه ششم توسعه پیش‌بینی شده بود که «رشد اقتصادی به ۸ درصد برسد.» این پیش‌بینی عینا در برنامه هفتم تکرار شده، اما متوسط رشد سالانه اقتصاد ایران تا سال ۱۴۰۰ برابر با منفی نیم درصد بوده است یا در بخش رشد اشتغال، در برنامه ششم پیش‌بینی شده بود که این شاخص به ۳٫۴ درصد برسد. در برنامه هفتم پیش‌بینی شده که سالانه یک میلیون شغل ایجاد شود و رشد اشتغال هر سال ۳٫۵ درصد باشد. اما میزان تحقق این شاخص در برنامه ششم به گونه‌ای بوده که میانگین رشد اشتغال کشور تا سال ۱۴۰۰ حدود ۵۸دهم درصد شده است!

یا در بخش بهره‌وری، دو برنامه ششم و هفتم پیش‌بینی کرده بودند که ۲٫۸ درصد باشد. متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل عوامل تولید تا سال ۹۹ معادل منفی ۸ دهم درصد شده است یا رشد نقدینگی که به ۳۰ درصد رسیده حال آنکه پیش‌بینی برنامه ششم توسعه ۱۷ درصد بوده و برنامه هفتم نیز ۱۳٫۸ درصد در سال پایانی برنامه را پیش‌بینی کرده است.در واقع، برخی از مهم‌ترین اهداف کمیتهی برنامه ششم که هدف متناظری در برنامه هفتم توسعه نیز دارند، نه فقط به صورت حداقلی هم محقق نشده‌اند؛ بلکه در برخی موارد کاملاً در جهت عکس هدف مورد نظر عملکرد داشته‌اند. به گفته مرکز پژوهش‌های مجلس، با توجه به اینکه تاکنون تحلیل آسیب‌شناسانه‌ای از سوی دولت و سازمان برنامه و بودجه مبنی بر واکاوی دلیل عدم تحقق اهداف برنامه ششم ارایه نشده، تکرار آنها در برنامه هفتم توسعه نیز نمی‌تواند دلیلی بر اثربخشی یا تحقق آن باشد، بلکه ادامه این روند می‌تواند کارکرد برنامه‌های توسعه را از مهم‌ترین رکن نظام تدبیر به الزام شکلی به یک وظیفه قانونی تقلیل دهد و عملاً موضوعیت برنامه‌ریزی توسعه در کشور را زیر سوال ببرد.

آتش‌بازی تروریست‌ها در آنکارا

همچنانی که دولت ترکیه در نمونه متأخرش، انفجار نوامبر ۲۰۲۲ (آبان ۱۴۰۱) در خیابان تقسیم شهر استانبول را که به کشته شدن ۶ شهروند و زخمی شدن ۸۱ نفر دیگر منجر شد، به پ.ک.ک و نیروهای کرد سوریه، نزدیک به پ.ک.ک نسبت داد. با این حال، هم پ.ک.ک و هم نهادهای کردی حاکم بر شمال شرق سوریه در همان برهه هر گونه دست داشتن خود در این انفجار را رد کردند و آن را بهانه‌ای برای آغاز حمله‌ای جدید به مناطق تحت کنترل کردهای سوریه دانستند.

برخی تحلیل‌ها مدعی است حتی چهره‌های سیاسی هم به این دست اتفاقات، حملات و انفجارها یا دیده تردید نگاه می‌کنند. البته کشمکش‌های سیاسی در داخل ترکیه هم به این موضوع ورود کرده است، کما اینکه محرم اینچه، رهبر حزب تازه‌تأسیس «مملکت» و رقیب رجب طیب اردوغان در انتخابات پیشین ریاست جمهوری ترکیه، در واکنش به انفجار نوامبر ۲۰۲۲ (آبان ۱۴۰۱) استانبول در توییتر نوشته بود: «آیا جمله بمب‌ها منفجر می‌شوند و رأی ما بیشتر می‌شود برایتان آشنا نیست؟ امیدوارم ترکیه به ۲۰۱۵ باز نگردد.» توثیت اینچه به اظهارات جنجالی احمد داوود اوغلو، نخست‌وزیر اسبق ترکیه پس از انفجار مرگبار میدان راه‌آهن آنکارا و دیگر وقایع پس از انتخابات ژوئن سال ۲۰۱۵ اشاره دارد.

در این انتخابات حزب عدالت و توسعه (AKP) نتوانست اکثریت کرسی‌های پارلمان را از آن خود کند، اما پایان مذاکرات صلح با حزب کارگران کردستان (PKK)، آغاز درگیری‌ها در ترکیه و افزایش ناامنی در این کشور، در انتخابات زودهنگام نوامبر همان سال به کمک اردوغان آمد و برخی از آرای از دست رفته او را جبران کرد.

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

مردم آنکارا در حالی شاهد انفجاری تروریستی در نزدیکی وزارت کشور ترکیه و پارلمان این کشور بودند که قرار بود ساعت ۲ بعداز ظهر همه‌اعضای پارلمان و همچنین رجب طیب‌اردوغان به مناسبت پایان تعطیلات تابستانی این‌نهاد در پارلمان حاضر شوند. به گزارش الجزیره به نقل از رسانه‌های ترکیه، به دنبال شنیده شدن صدای انفجار در نزدیکی مقر وزارت کشور در آنکارا خیابان‌های منتهی به این منطقه بسته‌شد. به گفته علی برلیکایا،وزیر کشور ترکیه، این حمله تروریستی در نزدیکی ساختمان این‌وزار،تخانه در مرکز آنکارا رخ داد و طی آن دو مهاجم قصد داشتند مجاور مقر پلیس، در نزدیکی پارلمان در آنکارا بمب گذاری کنند.

بنابر این گزارش، این دو تروریست بعداز تیراندازی پلیس در حالی که سوار بر خودرو بودند،مقابل دروازه ورودی اداره کل امنیت وزارت کشور ترکیه توقف کردند و یکی از تروریست‌ها خود را منفجر کرد و دومی نیز در تیراندازی پلیس کشته شد.

در حالی که به گفته ناظران، این نوع حملات اغلب از سوی دولت اردوغان یا به گروه‌های کرد یا جریان‌های چپ افراطی یا داعش نسبت داده می‌شود، در آخرین ساعات دیروز پ.پ.ک مسئولیت حمله دیروز را پذیرفت.

در واکنش به این انفجار، رجب طیب اردوغان در نشست پارلمان، در سخنانی با تأکید بر اینکه «تروریست‌ها صلح و شهروندان ما را هدف گرفتند» گفت: «تروریسم هرگز پیروز نمی‌شود.»

در همین حال هاکان فیدان، وزیر خارجه این کشور نیز در صفحه شخصی خود در «پکس» (توییتر) نوشت: «ما هم در داخل و هم خارج به مبارزه با معضل تروریسم با قاطعیت ادامه خواهیم داد.»

ریشه تنش زایی‌ها

فارغ از اینکه کدام جریان طراح و مجری حمله دیروز یکشنبه به وزارت کشور ترکیه باشد، برخی تحلیل‌ها مدعی‌اند که ناامنی در این کشور به واسطه این قبیل اقدامات، بخشی از آن نتیجه عملکرد اردوغان ودولت طی دو دهه گذشته به‌خصوص در قبال بخشی از جامعه ترکیه و مشخصاً کردها و نیز سیاست خارجی تنش‌زای آنکارا با همسایگانی چون سوریه بوده است.

ناظران تأکید دارند که دادن آدرس غلط و قرائت‌های هدفدار سیاسی از عملیات‌های تروریستی نیز خود می‌تواند گره کور عملیات تروریستی را در ترکیه پیچیده‌تر و ابعاد آن را عمیق‌تر کند.

فارغ از علل عملیات تروریستی دیروز یکشنبه ترکیه، وقوع انفجار در آنکارا، آن هم در نزدیکی وزارت کشور که از بالاترین ضریب امنیتی برخوردار است به خودی خود از کاستی‌های امنیتی حکایت داشته و قابلیت‌های امنیتی ترکیه را زیر سؤال جدی می‌برد.

نقش ترکیه در تنش‌های چندلایه خاورمیانه و پیچیده کردن بحران کردی در غرب آسیا و به‌طور مشخص سیاست‌های پرلپام، متضاد و چندگانه اردوغان در این خصوص واز همه مهم‌تر عملکرد مداخله‌جویانه آنکارا در سوریه و عراق می‌تواند از عناصر تأثیرگذار در وضعیت امنیتی ترکیه و عملیات تروریستی آنکارا باشد.

مواجهه اردوغان با بحران‌ها

بی‌شک اردوغان طی بیش از دو دهه‌ای که قدرت را در ترکیه در اختیار دارد با موج‌سواری برای اتفاقات و بحران‌آشناست، کما اینکه ناظران معتقدند بقای اردوغان طی سال‌های اخیر در قدرت به واسطه بهره‌برداری سیاسی –امنیتی او از کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ است.

قانونگذاری به جای برنامه‌نویسی مرکز پژوهش‌های مجلس با نگاهی انتقادی به موضوع برنامه‌نویسی در ایران می‌گوید: برنامه‌ریزی توسعه نوعی مداخله نهاد دولت و گونه‌ای سیاستگذاری در پاسخ به مساله همپایی و پر کردن شکاف توسعه بین کشورهای در حال توسعه است که لازمه آن داشتن «تصویری از چشم‌انداز آتی جامعه» است. برنامه توسعه درصدد شناسایی حوزه مورد مداخله و سیاستگذاری دولت جهت تخصیص منابع و تنظیم امور در افق میان‌مدت است. اما واقعیت این است که برنامه‌های توسعه‌ای در ایران، پیش از آنکه «برنامه توسعه» باشند، «فرصت‌هایی برای قانونگذاری با هدف رسیدگی به مسائل گوناگون کشور» هستند. مسائلی که گاه از جنس اقتضائات و ضروریات پیش رو بوده‌اند و گاه نیازهای قانونی دستگاه‌ها برای پیشبرد امور جاری خود. بنابراین دور از انتظار نیست که برنامه‌های توسعه نتوانند کمک شایانی به پیشبرد توسعه در کشور کنند.

نکات مغفول مانده از نظر شکلی به گفته بازوی پژوهشی مجلس، برنامه هفتم توسعه نیز در ادامه چنین روندی و مشابه برنامه‌های توسعه‌ای قبلی به مجلس ارایه شده و شاید از منظر «شکلی» تا حد زیادی انتظارات حداقلی از یک لایحه برنامه را برآورده کرده؛ اما از نظر «محتوایی» و «کارکردی» با کاستی‌هایی مواجه است. مرکز پژوهش‌های مجلس، مهم‌ترین «نقاط ضعف شکلی» برنامه هفتم توسعه را «واقع‌بینانه نبودن بخش قابل توجهی از اهداف کمی و عدم ارتباط اهداف با احکام هر بخش»، «فقدان اهداف کمی به تفکیک هر سال»، «دایمی بودن بخش قابل توجهی از احکام و تعرض به قوانین دایمی»، «عدم وجود جدول کمی منابع و مصارف» و «ذکر نشدن شیوه نظارت بر اجرای برنامه» عنوان کرده است.



ردیف	موضوع	هدف در قانون برنامه ششم توسعه	هدف متناظر در گزارش کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه	میزان تحقق در طی برنامه ششم توسعه
۱	رشد اقتصادی	۸ درصد	۸ درصد	متوسط رشد سالانه تا سال ۱۴۰۰ برابر با منفی ۵ درصد بوده است.
۲	رشد اشتغال	۳٫۴	۳٫۵ درصد سالانه معادل یک میلیون شغل	میانگین رشد اشتغال کشور تا سال ۱۴۰۰ حدود ۰٫۸ درصد بوده است.
۳	متوسط نرخ تورم	۸٫۸	۹٫۵ درصد (سال پایانی برنامه)	متوسط نرخ تورم تا سال ۱۴۰۰ براساس اعلام بانک مرکزی ۲۵٫۵ درصد و براساس اعلام مرکز آمار ایران ۲۶٫۶ درصد بوده است.
۴	رشد بهره‌وری کل عوامل تولید	۲٫۸	۲٫۸ درصد	متوسط رشد سالانه تا سال ۱۳۹۹ معادل منفی ۰٫۸ درصد بوده است.
۵	متوسط رشد نقدینگی	۱۷	۱۳٫۸ درصد (سال پایانی برنامه)	متوسط رشد نقدینگی تا سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰ درصد بوده است.
۶	متوسط رشد صادرات غیرنفتی	۲۱٫۷	۲۲ درصد	متوسط رشد سالانه تا سال ۱۴۰۰ معادل ۴ درصد بوده است.

نکات مغفول مانده از نظر محتوایی از جهت محتوایی هم برنامه هفتم توسعه در خصوص برخی مسائل اساسی کشور به نگاه منسجم و احکام موثری نرسیده است که بیشترین این نقاط ضعف یا مغفول عبارتند از: شکل دادن به تصویر ایران آینده و تقویت حس تعلق آحاد مردم به کشور، ارتقای توانمندسازی حاکمیت در حل مسائل پیش رو، تعیین نسبت ایران با تحولات سریع نظم منطقه‌ای و جهانی و نقش اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و تاثیر این نقش بر سیاست‌های صنعتی، تجاری، ترانزیت، انرژی و امنیت غذایی، استراتژی توسعه صنعتی، پیش‌بینی‌پذیر کردن اقتصاد و مساله رشد و سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال پایدار ارزش آفرین و به تبع افزایش رفاه عمومی، توقف روندهای نابرابری‌ساز و از بین بردن فرصت‌های نابرابر اقتصادی، بهینه‌سازی مصرف انرژی

افول قدرت ناتو در جنگ اوکراین

اوکراین انتقاد می‌کند، سیگنال هشداردهنده‌ای برای محافل صدروسی در اروپاست. الحاق شدن اسلواکی به رویکرد مجارستان می‌تواند بر توازن قوا در جنگ سایه اندازد و ناتو را از پیامدهای منفی و ادامه روند آن بیمناک کند. این امر همچنین نشان‌دهنده تغییر بیشتر در منطقه علیه لیبرالیسم سیاسی است که ممکن است در صورت پیروزی محافظه‌کاران حزب PiS در انتخابات لهستان در اواخر ماه جاری میلادی تقویت شود. این در حالی است که ناتو در اجلاس لیتوانی در تیرماه امسال، عزم جدی برای نمایش وحدت و اتحاد در مقابل مسکو داشت. «وحدت بی‌سابقه متحدان» در همه موضوعات، از جمله مواضع کلیدی این سازمان است که رهبران ناتو در هر اجلاس‌یه آن را مطرح می‌کنند و از آن به عنوان افتخاری برای خود یاد می‌کنند، چرا که وجود اختلاف در این اتحاد می‌تواند سرآمد هر گونه شکافی در ناتو باشد و از سوی دیگر نمایش شکننده‌ای از این ارتش جهانی به دنیا مخابره می‌کند.

مخدوش شدن این تصویر در عرصه بین‌المللی می‌تواند عواقب امنیتی برای ناتو در بر داشته باشد. علاوه بر آن تضمین‌های امنیتی ناتو به کی یف با رویکردهای دولت جدید اسلواکی نسبت به جنگ اوکراین، بی‌اعتبار و غیرکاربردی خواهد شد، چرا که این تضمین اکنون در بستر تهدیدآمیز خواندن مسکو و نقش ضدامنیتی آن برای کشورها کارآمد است. علاوه بر آن، عملکرد این سازمان که در برنامه خود همواره الحاق کشورها به این نهاد را عاملی بر مشروعیت بخشی برای اقدامات خود در کل جهان می‌داند، در نگاه دولتمردان زیر سؤال خواهد رفت.

حال پیروزی حزب منتقد سیاست‌های ناتو در مواجهه با جنگ اوکراین و روسیه، در اسلواکی به عنوان کشوری که موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در جنگ دارد، در ترسیم چشم‌انداز آینده ناتو مؤثر خواهد بود. این انتخابات ثابت کرد که ناتو نمی‌تواند تنها به سیاست‌های دولت‌ها تکیه کند و از انتقادات مردم اتحادیه اروپا بر مدیریت و ادامه جنگ در اوکراین چشم پوشی کند. اکنون پیچیده شدن نتیجه و بغرنج شدن وضعیت جنگی با نزدیک شدن به فصل سرما و همچنین نبود افق روشنی در ادامه نبردها بر نارضایتی مردم اروپا افزوده است. بویژه که

ترجم و تأسف

مستندسازی که در «سینمای مستقیم» اثری تولید می‌کند، عموماً کارش را رویارویی مستقیم با یک موقعیت واقعی مشخص بنا می‌گذارد و کمتر به گفتار متن یا موسیقی توجه دارد، اما این رویه در دهه ۷۰ میلادی در قرن گذشته کمی تغییر کرد. مستندسازها در این دوره رو به ترکیبی از سینمای مستقیم و افزودن آرشو توجه بیشتر به موسیقی و گفتار متن کردند. این گرایش نو با مستند «در سال خوک» ساخته دانتونیو در سال ۱۹۶۹ آغاز شد و «هارلان کانتی، ایالات متحده امریکا» که کوپل درباره معدنچیان اعتصاب‌کننده در ایالت کنتاکی ساخت، یکی از فیلم‌های شاخص این دوره بود. بویژه در مورد فیلم کوپل، استفاده از آرشو و موسیقی محلی، همچنین افزودن اطلاعات متنی به مستند، کاری انجام داد که کسانی مثل ریچارد لیکاک عملاً آن را دآوری و تأثیرگذاری بر فرایند انتقال مفهوم می‌دانستند و از آن دوری می‌کردند.

در واقع «مستند ترکیبی» با ترکیب مواد خام به شیوه سینمای مستقیم و فیلم‌های آرشویی، نیز با افزودن کلمات و جملاتی که داده افزوده به مخاطب می‌دهند همراه با چاشنی موسیقی معنادار و مرتبط، یک هارمونی تأثیرگذار و جهت‌دار فراهم می‌کند که بویژه در موضوعات سیاسی و انتقادی کارکرد ویژه‌ای داشت. مارسل آفولس آلمانی - فرانسوی یکی از چهره‌های شاخص در دنیای مستند است که به خوبی از این سبک بهره برد، فیلم «تأسف و ترجم» او که یک مستند چهار ساعته درباره دوران اشغال فرانسه توسط نازی‌ها بود، به خوبی نشان داد که گونه ترکیبی در آثار مستند چطور می‌تواند از عهده مسائل پژوهشی - سیاسی برآید. آفولس با این فیلم، بر خلاف آنچه دیگران می‌پنداشتند یا در مقابل تصویر افسانه‌ای و قهرمانانه که فرانسوی‌ها از خود نشان داده بودند، یک وجه دیگر از واقعیت جنگ را در قاب مستند به تصویر کشید که در آن فرانسوی‌ها بی‌توجه به جنایت نازی‌ها با آنها همکاری می‌کردند و این چیزی نبود که دیدن و شنیدنش خوشایند آنان باشد. نتیجه چنان تأثیرگذار بود که بعدها ارجاعاتی به این مستند در دیگر آثار هنری کارگردان‌های شاخص سینمای مستند و داستانی داده شده، از جمله وودی آلن در آنی هال، تک مضراب‌هایی در اشاره به «تأسف و ترجم» آفولس می‌زند. او در ۱۹۸۸ «هتل ترمینوس» در درباره کلاوس باربی، افسر حزب نازی و با همان سبک و سیاق همیشگی خود ساخت، مستندی که به شدت مورد توجه منتقدان قرار گرفت و همان سال برنده جایزه بهترین فیلم مستند در آکادمی اسکار و جایزه ویژه فدراسیون منتقدان در جشنواره کن شد. وجه متمایز آثار آفولس مصاحبه‌های اوست. همان «کله‌های سخنگو» که بیشتر مستندسازان از آن فراری بودند، اما او چنان از این مؤلفه بهره می‌برد که به یکی از ارکان جذابیت در آثارش بدل شد. این مورد اخیر به وضوح یک واحد درسی برای مستندسازان جوانی است که باید بدانند نوع پرداخت مستندساز است که می‌تواند یک تکنیک یا فاکتور را به‌عنوان وجه ملال آور یا جذاب اثرشان تبدیل کند، آری، همه چیز به نوع نگاه من مستندساز معطوف می‌شود.

معضلات امنیتی و مشکلات اقتصادی در اروپا با منشأ جنگ در اوکراین بوده و اکنون کشورهای عضو بودجه‌های کلانی را برای تقویت جبهه نبرد در نظر گرفته‌اند. هم‌زمان با این تحولات، این احتمال وجود دارد که سایر کشورهای عضو ناتو که رویکرد محتاطانه‌تری اتخاذ کرده بودند به طور نزولی از تعهد خود به این سازمان بکاهند و اقتصاد خود را از گرداب تأمین جنگ نجات دهند. از طرفی، پیروزی حزب طرفدار روس‌ها، به قدرتمند شدن جبهه روسیه کمک زیادی کرده و تصمیمات حیاتی ناتو را تضعیف خواهد کرد.

توقف کمک به اوکراین

پیروزی چپ‌گرایان اسلواکی در حالی رقم خورده است که در امریکا نیز جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز گذشته با امضای قانون تصویب شده کنگره بودجه دولت را برای مدت ۴۵ روز - تا ۱۷ نوامبر - بدون تخصیص بودجه برای نیازهای اوکراین تعیین کرد. منابع خبری اعلام کردند که امضای قانون تصویب شده، سرانجام ابهاماتی را که در هفته‌های اخیر تعطیلی دولت را تهدید می‌کرد برطرف کرد. این در حالی است که مقامات کی یف بارها تأکید کردند، اوکراین عملاً هیچ شانس برای پیروز خارج شدن از درگیری با روسیه، بدون حمایت مالی ایالات متحده ندارد. در همین راستا، روز گذشته الکسی گونچارنکو، نماینده پارلمان اوکراین و عضو مجمع پارلمانی شورای اروپا بیان کرد: «آنچه دیروز در کنگره رخ داد، دیگر فقط یک زنگ بیدارباش نیست، بلکه در حال حاضر زنگی است که به ما گوشزد می‌کند ما نیاز به تغییر داریم. ما باید کارها را متفاوت انجام دهیم.»

آنچه مشخص است، جنگ اوکراین که تاکنون هیچ دستاوردی نداشته در حال از دست دادن اولویت خود در میان جوامع غربی است و برآیند آن در ایده حذف بودجه اوکراین که از سوی جمهوریخواهان تقویت می‌شد و پیروزی چپ‌گرایان در اسلواکی، مشاهده شده و نشان می‌دهد که اوکراین تا چه اندازه دستخوش بازی‌های سیاسی در ایالات متحده شده و ارزش بنیادی برای آن ندارد.

با اعلام نتایج انتخابات پارلمانی اسلواکی، واقع در اروپای شرقی و همسایه اوکراین و پیروزی چپ‌گرایان اردوگاه غرب دچار تشویش و نگرانی شده است، زیرا پیروزی آنها در حالی رخ داده است که این کشور عضو ناتو است و دولت فعلی از آغاز عملیات نظامی در اوکراین، با ارسال سلاح، حمایت از تحریم‌ها علیه مسکو و اسکان دادن بیش از ۱۰۰ هزار پناهنده‌ی اوکراینی به طور تمام قد از کی‌یف حمایت کرده بود. اما چپ‌گرایان به عنوان اپوزیسیون در ۲۰ ماه اخیر مخالفت خود را با این سیاست‌ها اعلام کرده بودند و اکنون غرب نگران آن است که عواقب پیروزی آنها بر جنگ اوکراین چگونه خواهد بود.

به گزارش یورونیوز، حزب «هدایت» (Smer) که رابرت فیکو، نخست‌وزیر پیشین اسلواکی رهبری آن را برعهده دارد، در انتخابات پارلمانی اسلواکی با کسب ۲۳ درصد آرا در مقابل ۱۷ درصد لیبرال‌ها (حزب حاکم) به پیروزی رسید. او در جریان رقابت‌های انتخاباتی از سیاست‌های ناتو انتقاد کرده و وعده داده بود، در صورت پیروزی کمک‌های کشورهای اوکراین را متوقف خواهد کرد. او طرفدار مذاکره و راهکار دیپلماتیک برای ایجاد صلح و پایان دادن به جنگ بوده و پیشتر حتی قول داده بود که اگر به قدرت برسد، یک گلوله به اوکراین پرتاب نکند. مضاف بر آن، دیدگاه‌های رابرت فیکو به مواضع مسکو نزدیک بوده که بسیاری آن را برخاسته از احساسات دوستانه سنتی بسیاری از اسلواکی‌ها نسبت به روسیه می‌دانند. او پیشتر گفته بود زلنسکی تمام دنیا را خسته کرده و وضعیت ناپایدار اوکراین در جنگ، دشواری‌های بسیاری را برای دیگران به وجود آورده است. در مقابل حزب رقیب که رویکرد غربی دارد، گفته بود که در صورت رسیدن به قدرت، حامی این کشور درگیر جنگ خواهد بود. زوزانا چاپوتوا، رئیس‌جمهوری اسلواکی پیش از این گفته بود، نامزد حزب برنده در انتخابات را فارغ از ترجیح شخصی خود مأمور تشکیل دولت آینده خواهد کرد.

برهم خوردن توازن قوا در جنگ اوکراین

پیروزی حزب مخالف در اسلواکی که از سیاست اتحادیه اروپا در قبال

همه گروه‌های سیاسی، حاضر در انتخابات مجلس

ثابت نام ۴۹ هزار نفر
در پیش ثبت نام انتخابات

۸۶ درصد آقاییان

۱۴ درصد خانم‌ها

ثابت نام ۱۶۸ نفر برای هر صندلی خانه ملت

۲۹۰ کرسی نمایندگی

زمان برگزاری انتخابات

۱۱ اسفند ۱۴۰۲

ثبت نام نهایی

۲۷ مهر ۳ آبان

راهبردهای انتخابات مجلس بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب

رقابت

مشارکت

سلامت

امنیت



IRNA INFOGRAPHIC

چشم‌انداز جنگ کربدورها

البته برای توسعه و تکمیل این پروژه تا سال ۲۰۲۹، «السودانی» از کشورهای همسایه از جمله ایران، اردن، عمان و عربستان دعوت به همکاری کرده است. دو دیدگاه پیرامون ایجاد کربدورها بین‌المللی وجود دارد؛ یک، رویکرد فردی و دوم، رویکرد ترکیبی. این دو نگاه در بحث کربدور فاو به ترکیه از سسوی کارشناسان مطرح شد؛ برخی معتقد بودند این پروژه می‌تواند پروژه شمال به جنوب ایران را تحت تأثیر قرار دهد. نگاه دیگر هم بود که می‌گفت منطقه زمانی می‌تواند کربدور محور و وارد فاز توسعه شود که مرزهای همه کشورهای از حالت تنش خارج شود؛ به عنوان مثال اگر بخواهیم هر یک از شهرهایی را که در مسیر اتصال پروژه فاو به ترکیه قرار دارند، مورد توجه قرار دهیم، متوجه می‌شویم در برخی از این نقاط داعش حضور دارد که بسیاری از مخاطرات و مسائل امنیتی پیچیده را به وجود آورده است. بنابراین تکمیل این پروژه با وجود این مشکلات امنیتی بسیار دشوار است.

بنابراین زمانی می‌توان کربدور ایجاد کرد که کشورهای همسایه به یک پیمان امنیت جمعی رسیده باشند. در این حالت باید به صورت ترکیبی همه کربدورها را به هم متصل کرد. پروژه ترکیه و عراق از منظر منافع فردی، می‌تواند رقیبی برای کربدور شمال - جنوب باشد اما در یک نگاه درست که موجد امنیت منطقه‌ای خواهد شد و لازم شکل‌گیری و احیای کربدورها می‌باشد، رویکرد ترکیبی حائز اهمیت است که ذیل آن تک تک این پروژه‌ها قابلیت اتصال به هم را پیدا می‌کنند.

رویکرد کشورهای منطقه خاورمیانه و آسیا در روند احیای کربدورها ناظر به کدام یک از این دو دیدگاه است؟ من معتقدم توافق TIR که عراق با ایران، عربستان، سوریه و اردن با هدف تسهیل مسائل گمرک کالا امضا کرد، اشاره به همین رویکرد داشت. این در حالی است که کشورهای در بحث میدانی یک نوع رویکرد در پیش می‌گیرند و در زمینه سیاسی رویکرد دیگری. این امر نیز طبیعی است؛ به عنوان مثال رویکرد دوگانه عراق که تحت

منطقه پیرامونی ایران بود؛ یعنی در حالی که این امکان وجود داشت که پروژه‌های ترکیبی ریلی توسعه‌محور به اجرا دربیاید و مرزهای میان کشورهای در بی آن، تعاملات‌شان را توسعه دهد اما فشار سیاسی غرب هیچ‌گاه اجازه عملیاتی شدن این پروژه‌ها را نداد. هرگاه کشورهای که تحت نفوذ کشورهای غربی قرار داشتند، روی یک پروژه کربدوری دست می‌گذاشتند، این امر به معنای کاهش تسلط آمریکا، بریتانیا و ناتو در سیاست‌گذاری کشورهای تحت نفوذشان به شمار می‌آمد؛ به عنوان مثال زیرساخت‌های انرژی عراق بعد از حمله آمریکا به این کشور ویران شد اما عراق هرگز امکان پیدا نکرد تا با کشوری مانند چین وارد توافق تکمیل زیرساخت‌های خود شود. ولی الان داریم درباره سلسله شبکه راه‌هایی صحبت می‌کنیم که با رویکرد ژئوپلیتیک و چشم‌انداز سیاسی ایالات متحده کاملاً در تضاد است. بنابراین می‌توان گفت روند انتقال قدرت از غرب به شرق آغاز شده و توجه و تمرکز کشورهای منطقه به اهمیت اجرای پروژه‌های ریلی در ادامه کاهش زمینه نفوذ سیاسی غرب بر کشورهای منطقه شکل گرفته است.

به نظر می‌رسد در این روند در حال انتقال که اشاره کردید، بویژه در حوزه کشورهای منظومه شرق، هر یک از بازیگران در سودای جانمایی نقش خود در کربدورها بین‌المللی هستند که آن را در راستای اهداف متعددی دنبال می‌کنند؛ مانند پیگیری ابتکار «یک کمربند - یک راه» از سسوی چین، رؤیای احیای امپراطوری عثمانی از سسوی ترکیه، نگاهی که روسیه برای بازگشت به عصر جماهیر شوروی طی می‌کند و ایران هم که در صدد توسعه حلقه همکاری‌های اقتصادی و جابجایی در انتلاف‌های نوظهور شرق است. این تلاش‌ها برای توسعه ظرفیت‌های کربدوری تا چه میزان متأثر از این استراتژی‌های بلندپروازانه است؟ شما نام ترکیه را آوردید که شروع خوبی است. در چند ماه گذشته السودانی، نخست‌وزیر عراق و اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه اعلام کردند که قصد دارند پروژه فاو و اتصال عراق به ترکیه را دنبال کنند.

پس از نشست اخیر گروه «جی ۲۰» و اعلام راه‌اندازی کربدور هند - خاورمیانه - اروپا موسوم به کربدور «عرب-مد» رقابت کربدوری کشورها به نقطه اوج خود رسیده است؛ طرحی که آمریکا به دنبال آن است با ایجاد شبکه یکپارچه اقتصادی میان متحدان خود در منطقه خاورمیانه و شبه‌قاره هند، آلت‌ناتیوی را برای سایر دولت‌های منطقه به نمایش بگذارد که از نظر حجم سرمایه و فناوری از استاندارد بالاتری در مقایسه با کربدور «یک کمربند یک راه» چین باشد. به بهانه امضای این طرح با محمد ندیمی، کارشناس مسائل استراتژیک درباره دلایل ظهور رقابت‌های رو به افزایش کشورها برای دستیابی به کربدورها بین‌المللی به تفصیل گفت‌وگو کردیم. از رقابت آمریکا و چین در این جدال کربدوری پرسیدیم و جایگاه ایران را در این روند رو به شتاب جهانی جست‌وجو کردیم. اهمیت موضوع، ابعاد گسترده و پاسخ‌های تحلیلی و موشکافانه مطرح شده، سبب شد تا تصمیم بگیریم این گفت‌وگو را در دو شماره منتشر کنیم. ندیمی در بخش نخست و پیش‌رو از چرایی و چگونگی رقابت داغ بازیگران جهانی و منطقه‌ای برای دستیابی به کربدورها می‌گوید و به ضرورت نگاه جمعی به این موضوع اشاره می‌کند.

جهان امروز شاهد اوج‌گیری رقابت‌های ژئوپلیتیکی است؛ عرصه‌ای که در آن دیگر منابع انرژی به عنوان پشتوانه کشورها به شمار نمی‌آید، بلکه کربدورها به محل رقابت قدرت‌ها تبدیل شده‌اند و هر کشور می‌کوشد در شبکه ایجادشده توسط این کربدورها نوظهور، جایی برای خود دست و پا کند. دلایل این تحول ژئوپلیتیک را در چه می‌بینید؟

در مقدمه باید به روند تسلط و نفوذ غرب بر ساختارهای سیاسی کشورها اشاره کنم که در گذشته به مانع مهمی بر سر راه ایجاد کربدورها بین‌المللی میان کشورها تبدیل شده بود. نزدیک به ۵ دهه پیش میان ایران، ترکیه و پاکستان پیمانی موسوم به توافق «کو» منعقد شد اما هیچ‌گاه امکان اجرای آن فراهم نشد. مهم‌ترین دلیل آن نیز تسلط غرب بر روند سیاست‌گذاری در بلوک شرق و در

آیا سلبریتی‌ها مضرند؟

امروز می‌توان این ادعا را داشت که بار کلمه سلبریتی در بخشی از جامعه منفی است؛ عناصری که به واسطه فضای خبری و رسانه‌ای بیشتر مضر و دردسرساز معرفی شده‌اند و همواره پیرامون آنها اخبار منفی تولید شده است.

غالباً تصور عمومی از سلبریتی‌ها بازیگران بوده است. حال سؤال این است که آیا همه سلبریتی‌ها مضرند؟ آیا سلبریتی‌ها فقط بازیگراند؟

آیا ما اساساً شناخت دقیقی از سلبریتی و کارکردهای آن داریم؟ به نظرم پاسخ هر سه سؤال منفی است! و ندانستن، بیش از هر چیز دیگری باعث اختلال در فهم و کارکرد چهره‌ها شده است.

سلبریتی یکی از معانی کلمه مشهور است که در ادبیات پیشامدرن برای توصیف شخصی استفاده می‌کردند که در جامعه بسیار در مورد وی صحبت می‌شد.

مسلم است برای اینکه یک شخص تبدیل به فردی مشهور یا سلبریتی شود، باید خصوصاتی را نظیر نقشی در زندگی اجتماعی، کسب موفقیت‌های مرتبط با عموم جامعه و تأیید عموم در مورد اینکه موفقیت‌های این شخص به اندازه کافی برای جامعه مهم باشند و مورد توجه مستمر قرار بگیرند، دارا باشند. سلبریتی شدن به کیفیت و میزان سرریز اطلاعات در مورد شخص به جامعه بستگی دارد.

همین تعریف کوتاه می‌تواند به شما این دقت را بدهد که فقط ستاره‌های سینما و بازیگران، سلبریتی نمی‌شوند و هر کس که اطلاعاتی از او در جامعه سرازیر شود و بتواند نقشی اجتماعی را بپذیرد، امکان بالقوه سلبریتی شدن را داراست. «سلبریتی با قرار گرفتن در معرض مداوم رسانه‌ها به وجود می‌آید.» یعنی به عبارت دیگر فعالیت‌های یک شخص باید به وسیله رسانه‌ها گزارش شود. چیزی که سلبریتی را از توده مردم جدا می‌کند، دیده شدن است و این دیده شدن با بزرگ کردن این افراد به‌عنوان افرادی جالب، خارق‌العاده و پیچیده توسط رسانه‌ها شکل می‌گیرد.

با ورود تلویزیون و پایان جنگ جهانی دوم، رسانه بسیار قدرتمند و تبدیل شدن به سلبریتی در قرن بیستم تا حدود زیادی ساده شد. با این حال باید بدانیم با وجود اینکه رسانه نقش بسیار مهمی در تبدیل کردن اشخاص به سلبریتی ایفا می‌کند، عموم جامعه نیز نقش مهمی در این امر دارند. فرانچسکو آلبرونی، جامعه‌شناس معتقد است عواملی در تبدیل یک فرد به سلبریتی دخیل هستند که از جمله می‌توان به شرایط اقتصادی برای تولید متون رسانه‌ای، فیلم، برنامه‌های تلویزیونی، موسیقی، کتاب، توانایی در ارائه خود به جامعه، توانایی برقراری ارتباط با ناخودآگاه جمعی و صحبت از خواسته‌های درونی افراد جامعه اشاره کرد.

این تعاریف به ما می‌گوید یک هنرمند، یک ورزشکار، یک سیاستمدار و حتی یک فعال اجتماعی می‌تواند در جایگاه سلبریتی قرار بگیرد؛ جایگاهی که باعث می‌شود آن فرد رهبری مستقیم یا غیرمستقیم بخشی از زندگی مردم را برعهده بگیرد، در اذهان عمومی از اهمیت و قدرت نسبی بر خوردار شود، به واسطه موفقیتش شهرت کسب کند، همواره در رسانه حضور داشته باشد و دست آخر تجسم رؤیایها و آرزوهای تحقق نیافته مردم باشد.

با این نگاه کامل‌تر و دقیق‌تر اگر بخواهیم در همین اتفاقات اخیر تلویزیون توجهی داشته باشیم، نکته جالب ماجرا آنجا است که یکی از سلبریتی‌های نوظهور تلویزیون با ادبیاتی ضدسلبریتی علیه سلبریتی‌های گذشته تلویزیون موضعگیری می‌کرد و فرهنگ سلبریتی را زیر سؤال می‌برد در حالی که خود او امروز از همان جایگاه با جامعه نسبت برقرار کرده است.

شهرت به نوعی بسط و توسعه آدم‌های عادی است. توسعه خواسته‌ها و آرزوهای آنان است. مردم، امکان تجلی فردیت را به آنان می‌دهند و نیابتاً به جای آنها به زندگی عادی ادامه می‌دهند و اینجاست که توانند کارکردهای اصلی خود را ظهور و بروز دهند. با تعاریفی که در بالا آورده شد، متوجه می‌شویم ستاره‌ها می‌توانند نجات‌بخش جامعه خود باشند اما در سال‌های اخیر به دلیل آنکه سلبریتی‌ها در جایگاه اصلی خود مصرف نشده‌اند و استفاده درستی از آنها صورت نگرفته است، کژکارکردهایی در خصوص آنها به‌وجود آمده است و عموماً آنها را بر اساس همین نارسایی‌ها می‌شناسیم که در یادداشت‌های بعد می‌توان در مورد کارکردها و استفاده درست از سلبریتی‌ها صحبت کرد.

شایعه

پاسخ سازمان ملی مهاجرت

۱ تولد ۱۹ نوزاد افغانستانی در یک روز و در یک بیمارستان!

۲ ۸۵ درصد مداریس کشور به خاطر حضور اتباع افغان دوشیفته شده اند!

۳ مهاجران افغانستان قصد حضور در مجلس ایران را دارند!

۴ تردد خودروی زرهی ارتش طالبان در خیابان یکی از شهرهای ایران!

۵ انتقال ادوات نظامی سنگین طالبان به سمت مرزهای ایران!

این تصاویر مربوط به مرز پاکستان است

دروغ بزرگ

درباره مهاجران افغانستانی

پاسخ‌های مستند به ادعاهای واهی



فشار امریکاست، امری طبیعی است. «السودانی» در جایی می‌گوید: «امریکایی‌ها باید از نظر امنیتی در عراق حضور داشته باشند و زمانی بعد می‌گویند که باید از این کشور خارج شوند.»

شاید دلیل این اظهارات این باشد که، زیرا فروش نفت عراق همچنان در اختیار امریکاست و این کشور می‌تواند بانک‌های عراقی را تحت فشار بگذارد. بنابراین رویکرد سیاسی عراق در قبال امریکا برای کاهش فشار این کشور قابل درک است اما بر خلاف موضع گیری‌های سیاسی، آنچه در روند توافقات عراق با کشورهای منطقه پدیدار شده است، از رویکرد دیگری حکایت می‌کند. چنانکه برای اولین بار شاهد هستیم در بیش از ۲ دهه، قانون اساسی عراق شکل گیری راه‌آهن را تصویب می‌کند، راه‌آهنی که در خارج از یک کشور کشیده می‌شود، جزو خاک آن کشور مبدأ حساب می‌شود. به عنوان مثال اگر ایران به آذربایجان راه‌آهن بکشد، این خطوط ریلی جزو خاک ایران محسوب می‌شود بنابراین با تصویب مجلس عراق این امکان داده می‌شود تا ایران راه‌آهن شلمچه - بصره را تکمیل کند و پل بزند.

این در حالی است که ذیل یک نگاه فردمحور همه این کردیوها در رقابت با هم هستند اما در یک نگاه امنیت محور جمعی اتفاقاً همه این کردیوها قابلیت اتصال دارند. مانند بحثی که اخیراً مدیر کل راه‌آهن کشور به آن اشاره داشت و از اتصال بندر بصره و خرمشهر سخن گفت و اعلام کرد که این طرح تحت تبادل نظر است. در همین چهارچوب کشورهای آسیای میانه به آب‌های گرم دسترسی ندارند و می‌توانند از طریق ایران به خلیج فارس و آب‌های گرم متصل شوند. همین کشورها از اتصال خرمشهر به فلو موقعیت‌های در دسترسی خواهند داشت که مثلاً در کردیور فلو ندارند. همچنین برخی معتقد بودند بندر «گواد» رقیب بندر «چابهار» خواهد بود اما این در حالی است که با تکمیل پروژه‌های در دست اجرا همچون سرخس - اینچه برون و زاهدان - چابهار که می‌تواند به بندر پاکستان متصل شوند، سلسله شبکه راه‌آهنی در اختیار همه این کشورها قرار می‌گیرد که امکان ایجاد پیمان امنیت جمعی را در منطقه ایجاد می‌کند.

قابلیت اتصال شبکه‌های ارتباطی در حوزه قفقاز را چطور می‌بینید؟ سیاست مورد نظر در قفقاز ۳+۳ بوده یعنی ایران - ترکیه - جمهوری آذربایجان و در سوی دیگر ارمنستان - گرجستان - روسیه به صورت

ترکیبی به هم پیوندند. ایران با عبور کالا و انرژی از خاک ارمنستان به نخجوان و ترکیه مخالف نیست تنها نگاهش در بحث قفقاز مبتنی بر یک نگاه ژئوپلیتیک است؛ زیرا مرزهای ایران برای تجارت با ارمنستان باید باز باشد؛ این همان رویکردی است که درباره سلسله شبکه کردیورهای میان ایران - عراق - عربستان یا ایران - عراق - سوریه و همچنین ایران - عراق - اردن و همچنین میان کویت - عربستان - عراق - اردن - مصر وجود دارد.

این کردیورها به صورت ترکیبی یک ظرفیت فوق‌العاده را ایجاد می‌کند که می‌تواند مرزهای تنش و غیر توسعه‌یافته کشورها را توسعه دهد. اینجاست که عربستان با بهرمنندی از امنیت برقرار شده امکانی را پیدا می‌کند تا شهر نئون خود را بسازد. امکان ندارد یک شاخه کردیوری تعریف کنید بدون اینکه دیگر کشورها را در نظر بگیرید و به آنها متصل شوید و بتوانید فضای امنیتی داخل منطقه را کنار بزنید.

اما برخی از کردیورهایی که بویژه در ماه‌های اخیر مورد تبادل نظر بازیگران بزرگ قرار گرفته‌اند، از منظر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی آنچنان آورده‌ای ندارند که کشورهای مرتبط، هزینه‌های گزافی بابت آن بپردازند. به نظر می‌رسد طرح کردیور «عرب-مد» که اخیراً در نشست جی ۲۰ به امضا رسید و بسیار هم سروصدا به پا کرده، در این چهارچوب قابل ارزیابی باشد. این پروژه چقدر اجرایی است؟

بله؛ باید پذیرفت ایجاد برخی از کردیورها با نگاه سیاسی دنبال می‌شود. کردیور «عرب - مد» نمونه‌ای از چنین طرح‌هایی به شمار می‌آید که «جو بایدن»، رئیس جمهور امریکا برای شکل گیری آن در نشست «جی ۲۰» اصرار می‌کرد. اگر مسیر این کردیور مورد مطالعه قرار گیرد وجه غیرعقلانی آن معلوم می‌شود؛ زیرا با کردیوری طرف هستیم که امارات باید هزینه ساخت آن را بدهد اما این کردیور تنها امکان انتقال ۹۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار را دارد اگر تمام ظرفیت تجارت هند با اروپا به این کردیور منتقل شود، هزینه ۳ تا ۵ میلیاردی به دنبال خواهد داشت که مقرون به صرفه نیست و بخش خصوصی مشارکت نخواهد کرد اما با این حال چنین پروژه‌هایی متأثر از ملاحظات سیاسی تعریف می‌شود.

هدفگذاری این کردیور تحت تأثیر قرار دادن ابتکار «یک کمربند-

یک راه» چین است؟ دقیقاً این طور است. اگر از دریچه ایران نگاه کنیم، رشد چین و هند باعث افزایش موقعیت‌های اقتصادی کشورهای منطقه می‌شود. به هر میزانی که هند رشد کند و ظرفیت تولید آن افزایش یابد، به نفع ایران و کل منطقه است. اما یک مسأله این است که هند با کردیور «عرب-مد» قرار نیست ایران را دور بزند. هند می‌تواند از طریق ایران در پروژه جنوب به شمال مشارکت داشته باشد و به روسیه دسترسی پیدا کند. مسأله یک جغرافیای فوق‌العاده داریم که به صورت ترکیبی است؛ یعنی جنوب به شمال و شرق به غرب قابلیت همگرایی و پیوند دارد. هند از این طریق به آسیای میانه هم متصل می‌شود بنابراین راه‌های مختلفی برای اتصال به اروپا از طریق ایران دارد اما مسأله اینجاست که کردیور «عرب-مد» بیشتر از منظر سیاسی مد نظر کشورهای امضاکننده قرار گرفت.

اما به نظر می‌رسد این پروژه ایران و ترکیه را نادیده گرفته است؟ این کردیور عملاً ترکیه را دور می‌زند. مهم‌ترین اصل یک تجارت، امنیت است. باید امنیت تجارت برقرار باشد تا کشورها وارد فاز تجاری شوند. کردیور «عرب-مد» مسیری است که از هند به امارات و بعد به عربستان، اردن، جغرافیای اسرائیل و سپس به یونان می‌رسد.

شما به هزینه‌های گزاف و غیر مقرون به صرفه اقتصادی این پروژه اشاره کردید، از منظر امنیتی چقدر امکان اجرای آن وجود دارد؟ ابتدا به بخش اقتصادی اشاره می‌کنم؛ هند از شرایط متفاوتی برخوردار است و نزدیک به ۷۸۰ میلیارد دلار مرادلات تجاری دارد که کل حجم تجارت خارجی این کشور را شامل می‌شود. شریک اول آن چین و سپس امریکا و بخشی دیگر، اعراب است. میزان تجارت خارجی هند در بخش ظرفیت کالایی (صادرات و واردات) حدود ۹۰ تا ۱۱۰ میلیارد دلار است، بنابراین اگر هند بخواهد این روند تجاری را از طریق کردیور مانند «عرب-مد» با هزینه گزاف و چندبار تخلیه و بارگیری و عبور از نقاطی که کاملاً تنش‌آمیز است انجام دهد تا محموله‌هایش به اروپا برسد، هزینه بسیار هنگفتی خواهد داشت و به‌صرفه نیست.

وقایع جنگ را نمی‌توان بی‌پرده برای نوجوانان به تصویر کشید

گروه فرهنگی / «نور چشمی» روایتی متفاوت از سال‌های جنگ است؛ زمانی برگرفته از وقایعی که در آن هشت سال بر خرمشهر و اهالی‌اش گذشته است. مهدیه جلالی، این رمان را برای نوجوانان نوشته چراکه معتقد است تألیف چنین آثاری در عین به تصویر کشیدن جانفشانی‌هایی که برای سرزمین‌مان شده امیدبخش نیز هست.

ماجرای کمک عکاس نوجوان به گمشده‌ها

«نورچشمی» از تازه‌های ادبیات داستانی است که به همت سوره مهر روانه کتابفروشی‌ها شده؛ این کتاب در خلال پروژه‌های منتشر شده که این مؤسسه انتشاراتی برای تألیف رمان درباره اتفاقاتی که اهالی خرمشهر در دوران جنگ تحمیلی شاهد بوده‌اند راه‌اندازی کرده و دنبال می‌کند. مهدیه جلالی با اشاره به داستان این رمان به «ایران» می‌گوید: «داستان این رمان در خرمشهر می‌گذرد و شخصیت اصلی‌اش نیز پسر نوجوانی است. ماجد که نوروز سال ۵۹، تنها چند ماه قبل از آغاز جنگ یک دوربین عکاسی هدیه گرفته، با شروع درگیری‌ها تصمیم می‌گیرد با دوربین عکاسی‌اش برای حفظ هویت شهدا و زخمی‌ها، به خصوص مادرها و فرزندانشان از چهره‌های آنان عکاسی کند.»

حمله نیروهای بعثی به کشورمان و اتفاقاتی که طی آن هشت سال بویژه بر شهرهای جنوبی می‌گذرد سبب جدا افتادن افراد بسیاری از یکدیگر می‌شود؛ آنچنان که هنوز هم بسیاری از گمشده‌های آن دوران همدیگر را پیدا نکرده‌اند. جلالی در ادامه تصریح می‌کند: «ماجد که از ماجرای گمشده‌ها با خبر می‌شود، تصمیم به ثبت عکس‌هایی از زخمی‌ها، بویژه مادران و فرزندان آنان می‌گیرد تا اگر به دلایلی از یکدیگر دور افتادند بعدها بتوانند با کمک تصاویری که گرفته همدیگر را پیدا کنند.»

رمانی برگرفته از واقعیت اما خیالی

این نویسنده در پاسخ به اینکه ایده تألیف این رمان از کجا آمده و چه میزان از این رمان بر مبنای واقعیت نوشته شده، می‌گوید: «ایده تألیف آن در یک پروژه پژوهشی به ذهنم رسید؛ از آنجایی که عکاسی خوانده‌ام تصمیم به پژوهشی درباره عکاسی جنگ و عکاسان جنگی گرفتم و با وقایعی روبه‌رو شدم که برای تألیف چنین رمانی مشوقم شد. کتاب بر مبنای اتفاقات دوران جنگ، اما درآمیخته با تخیل است.»

جلالی با اشاره به اینکه رمان «نورچشمی» را با نظارت و بهره‌مندی از نظرات محمد کاظم مزینانی، از نویسندگان شناخته شده حوزه جنگ نوشته، ادامه می‌دهد: «نوشتن رمان نورچشمی را با همراهی آقای مزینانی شروع کردم، از آنجایی که قرار بود رمان را برای نوجوانان بنویسم بعضی تصویرسازی‌هایی را که پیش‌روی خواننده گذاشته بودم به پیشنهاد ایشان تغییر دادم و گاهی حذف کردم. درست هم می‌گفتند وقتی بحث مخاطبان کم‌سن‌وسال در میان باشد به ناچار ملاحظات را باید مدنظر داشت و در به تصویر کشیدن وقایع جنگ باید احتیاط بیشتری به خرج داد.»

با وجود تأکیدی که این نویسنده بر ضرورت رعایت اما و اگرهای مرتبط با تألیف آثار داستانی برای گروه سنی نوجوان دارد، او با اشاره به اینکه از ابزار نوشتاری دیگری هم برای تالیف وقایعی که در رمان «نورچشمی» پیش روی مخاطبان گذاشته استفاده کرده، می‌گوید: «وقتی بحث تألیف رمان یا داستان کوتاه برای کودکان و نوجوان در میان باشد، برای آنکه هم حواسمان به پرهیز از آسیب‌های احتمالی به روح آنان باشد و هم اینکه بتوان جذابیت لازم را برای آنکه تا انتها پای کار بمانند را فراهم کرد می‌توان از طنز هم کمک گرفت. بر همین اساس در رمان «نورچشمی» از طنز هم استفاده کرده‌ام تا مخاطب بدانند در کنار تمام سختی‌ها و مصایبی که جنگ تحمیلی سبب شده بود به هر حال زندگی هم در جریان بوده است.»

این نویسنده دهه هفتادی با اشاره به کتاب‌هایی که در سال‌های نوجوانی خودش درباره جنگ در دسترس بوده، می‌گوید: «برخلاف امروز، من در سال‌های نوجوانی‌ام به کتاب‌های مناسب سن و سالم درباره جنگ تحمیلی دسترسی نداشتم؛ اتفاقی که در دهه اخیر به لطف استقبال اهالی قلم برای تألیف کتاب‌هایی با محور جنگ عراق علیه کشورمان، آن هم برای کودکان و نوجوان تغییرات زیادی پیدا کرده است.» جلالی در پایان گفته‌های خود مطالعه چنین آثاری را برای مخاطبان کم‌سن و سال ضروری می‌داند چراکه معتقد است نوجوانان باید به کمک اهالی قلم درباره آنچه بر سرزمین‌شان گذشته را بخوانند تا هم اینکه بدانند برای حفظ کشور چه تلاشی شده و هم اینکه به آینده و گذر از مشکلاتی که گریبان کشورمان را گرفته امید پیدا کنند.

جنجال‌های چالش میان سلبریتی‌ها و مدیریت فرهنگی، هر چند مدتی است که فروخوابیده اما هنوز در جایگاه یکی از مسائل مبتلابه کشور به قوت خودباقی است. مسأله‌ای که هرازگاهی در بحران‌های اجتماعی و سیاسی سر بر می‌آورد و برای مدتی جامعه را به خود مشغول می‌کند. اگر چه نمی‌توان انتظار داشت اصل مسأله روزی به تمامی حل شود اما جست‌وجو برای یافتن بهترین مدل تعاملی میان مدیران و مسئولان با چهره‌های مشهور می‌تواند تا حد زیادی از اصطکاک آسیب‌زا برای جامعه بکاهد. برای مرور مدل‌های قبلی طی شده و جست‌وجوی راهکارهای جدید به سراغ یکی از منتقدان و متفکران فرهنگی رفتیم. گفت‌وگوی «ایران» را با اکبر نبوی می‌خوانید؛

آیا ما در مدیریت مستقیم سلبریتی‌ها کم کاری کرده‌ایم یا برعکس بیش از اندازه به مدیریت آنها در تمام شئون وارد شده‌ایم؟ آیا سلبریتی‌ها تا هر اندازه و به همه وجوه قابل مدیریت هستند؟

من به ماجرای سلبریتی‌ها از دو زاویه نگاه می‌کنم؛ یکی اینکه معتقدم پرداخت بیش از حد در شبکه‌های اجتماعی و در گپ‌وگفت‌های مسئولان فرهنگی و سیاسی و کنشگران فرهنگی و اجتماعی، یک آدرس غلطی بود که به ما دادند برای اینکه مشغول فرعیات شده و از اولویت‌های اصلی جامعه دور بمانیم.

چه کسانی این آدرس غلط را داده‌اند؟ یک جریانی به این پدیده سلبریتی‌ها دامن زده است؛ جریانی که دو وجه دارد؛ یک روی سکه این جریان، کسانی هستند که هیچ تعلقی از نظر فکری و عاطفی به منافع ملی و مصالح ملت ایران ندارند، روی دیگر این سکه کسانی هستند که به ظاهر جزو حزب‌اللهی‌ها و ارزش‌گرایان و دلسوزان به شمار می‌آیند اما از درک اولویت‌های اصلی جامعه ناتوانند. شاید بشود به این دو گروه یک طیف دیگر را هم اضافه کرد، آنها مجموعه‌ای از مدیران در حوزه‌های مختلف هستند که می‌خواهند ناتوانی‌ها و کارنامه ضعیف خودشان را در پس مسأله سلبریتی‌ها پنهان یا ناکارآمدی‌شان را لابه‌لای اغتشاشات فکری و روحی جامعه گم کنند.

یعنی برای این منظور سلبریتی‌ها را اسبیل می‌کنند... حالا یک زمانی پدیده سلبریتی درشت می‌شود و توسط آنها در کانون توجه افکار عمومی قرار می‌گیرد و یکسک زمان دیگری، پدیده دیگری، اما به‌هر حال این نوع پرداختن به سلبریتی‌ها هیچ وجهی از یک روند طبیعی را نسدارد چون اگر از بالا به صحنه اجتماعی نگاه کنید متوجه می‌شوید سلبریتی‌ها در جایگاه خودشان، سرمایه‌های اجتماعی به حساب می‌آیند. حالا چطور ممکن است کسی مدعی دلسوزی برای منافع ملی و مصالح اجتماعی باشد اما درگیری و منازعه‌ای میان نظام سیاسی و سلبریتی‌های جامعه ایجاد کند یا در حرارت آن بدمد؟!

حالا بگیریم یک سلبریتی در جایی یک موضعی گرفت یا پستی در شبکه اجتماعی‌اش منتشر کرد؛ اگر تو یک قوه عاقله بالندهای داری و به‌دور دست‌ها نگاه می‌کنی، نباید وارد چنین فضایی بشوی که سلبریتی را مقابل خودت قرار دهی یا اگر او مقابل تو ایستاده تو باید تعادل کنی و با بزرگواری از کنار او عبور کنی و برای او آغوش باز کنی حتی اگر نقد گزنده‌ای به تو داشته است. من فکر می‌کنم این سه عامل تأثیر بسزایی در گم شدن مسیر حاکمیت نسبت به پدیده سلبریتی در سال‌های اخیر بخصوص وقایع سال گذشته داشته‌اند؛ اینکه متوجه نشویم الان وضع‌مان چیست و به کدام مسائل اصلی باید توجه داشته باشیم.

در همین ماجرای اخیر یکی از مسائلی که مورد توجه قرار گرفت، مسأله پوشش آنها بود. قبلاً بدحجابی آنها را درشت‌نمایی می‌کردند و بعضی از ارگان‌ها و نهادهای مثلاً انقلابی هم لشکر مجازی راه انداخته بودند تا به اینها در فضای مجازی توهین کنند. آنها اگر واقعاً خودشان را ارزشی و ولایت‌مدار می‌دانستند، دقت می‌کردند که رهبر این انقلاب دست‌کم طی ۱۰ سال گذشته در بیانات مختلف‌شان به‌وضوح موضع‌شان را روشن کرده‌اند و حتی یکی دوبار هم تصریح کرده‌اند که این مسأله اولویت دهم کشور هم نیست. اگر این را هم نمی‌فگفتند آیا واقعاً معنای سکوت ایشان روشن نبود؟ اگر مسأله‌ای تا این اندازه برای کشور خطرناک بود رهبر انقلاب نباید نسبت به آن هشدار می‌داد؟

اوایل دهه هفتاد که ایشان مسأله تهاجم فرهنگی را مطرح کردند در آن دوره صراحتاً موضع گرفتند و گفتند اگر من از امر به معروف و نهی از منکر حرف می‌زنم منظور منکر بزرگ است و نه موی بیرون مانده کسی از روسری! معنا و مصداق منکر بزرگ هم صحبت‌های سیره ایشان مشخص است که شامل بی‌عقلیتی، ظلم و فساد می‌شود. اما وقتی افکار عمومی و به تبع آن مدیریت فرهنگی مشغول شود به مسأله سلبریتی و آن هم بدپوششی سلبریتی‌ها، از اولویت‌های اصلی منحرف خواهد شد.

به آن سه گروه دسته دیگری هم اضافه کنیم و آن مفسدانی هستند که جاده‌های فرعی این چنینی درست می‌کنند تا ما از مسیر اصلی منحرف شویم و آنها کارشان را هم خوب بلدند که چطور برای فساد خودشان حاشیه امن بسازند. بنابراین اگر کسی مدعی پیروی از رهبری است که به‌هر حال محکمت‌مواضع ایشان مشخص است. چرا این قدر این محکمت‌به حاشیه رانده می‌شود و حواشی جای متن را می‌گیرد؟

خود رهبری هم نسبت به اصلی و فرعی کردن و دقت به متن و حاشیه بارها تذکر داده‌اند.

پس چرا اینها توجه ندارند؟ غیر از این است که منافع آنها اعم از منافع سیاسی و فرهنگی و اقتصادی‌شان این طور اقتضا می‌کند؟ البته که در این میان کزفهمی‌ها، از دین هم مؤثر است.

نتیجه‌ای که از مجموعه صحبت‌های شما گرفته می‌شود این است که مدیریت سلبریتی‌ها ضرورت ندارد یا اگر دارد باید شکل دیگری از آن را جست‌وجو کنیم.

وقتی می‌گوییم سلبریتی سرمایه اجتماعی ماست معنایش این است که



باید این سرمایه را محکم حفظ کنیم و یکی از راه‌های حفظ سرمایه و منابع، مدیریت صحیح است. این مدیریت را چه کسی باید انجام دهد؟ چه کسانی صلاحیت این مدیریت را دارند؟ آیا الزماً این مدیریت باید توسط مدیریت دولتی انجام شود؟

منظور مدیریت در همه جوانب قضایی و اقتصادی است یا صرفاً مدیریت فرهنگی؟

فرض کنیم، هم صلاحیت فرهنگی و هم صلاحیت هنری و هم صلاحیت اجتماعی. پاسخ بنده این است که هیچ کدام در هیچ دولتی، صلاحیت این کار را ندارند.

چرا؟ چون هیچ یک درکی از این شرایط اجتماعی ندارند و می‌خواهند بر اساس جهان فردی خودشان، سلبریتی را مدیریت کنند. مگر می‌شود من بر اساس جهان شخصی خودم یک جریان اجتماعی را مدیریت کنم. مگر اصلاً امکان دارد؟ من باید او را به‌عنوان سرمایه اجتماعی ارزیابی کنم و بعد او را در نسبت با سایر پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی بسنجم. صلاحیت‌های خودم را هم در نسبت با این پدیده‌ها بسنجم و بعد تازه با سلبریتی وارد دیالوگ بشوم. عمده مدیریت در حوزه‌انسان، اگر بخواید درست انجام شود فقط با گفت‌وگو و رفاقت و دوستی محقق می‌شود. آخر آخرش اگر مرزهای قانونی زیر پا گذاشته شد به ضرورت‌های اندکی باید از ابزار قانونی استفاده کرد که عموماً به اعتقاد من به آن نقطه نخواهد رسید اگر روش‌ها و مقدمات را درست طی کرده باشیم. البته منظورم قاطبه سلبریتی‌هاست و گرنه هستند اندکی که شما هر کاری هم بکنید او به راه خودش خواهد رفت و اصلاً جهان معنایی و فرهنگی او با شما متفاوت است. یعنی نمی‌توانید با او از جهان فرهنگی حرف بزنید که اصلاً به آن اعتقادی ندارد. درست مثل این است که با کسی درباره مسأله نبوت حرف بزنید که اصلاً به خدا اعتقادی ندارد. گروه اندکی از سلبریتی‌ها این‌طور هستند.

با این دسته باید چکار کرد؟

باید متناسب با وزن‌شان دربراه‌شان حرف زد و تصمیم گرفت. ممکن است اصلاً جهان معنایی شما را قبول نداشته باشند اما آسیبی هم به شما نرسانند. چرا باید بی‌خود او را تحریک کنید تا او را به نقطه آسیب‌زایی برسانید؟ حتماً جامعه در همه حوزه‌ها به مدیریت عالی نیاز دارد. اما به این شرط که از افق بالا به پدیده‌ها نگاه کند. در این صورت به یک شکلی مدیریت خواهد کرد و اگر تا نوک دماغش را ببیند طور دیگری مدیریت می‌کند. انسان را باید از بالا دید چون فقط در این حالت است که روابط او را با سایر انسان‌ها خواهید فهمید.

برویم سراغ تلویزیون چون شاید به نوعی تلویزیون بیش از سایر دستگاه‌های فرهنگی با پدیده سلبریتی درگیر باشد. آیا می‌شود درباره تاریخچه مدیریت تلویزیون در این موضوع به نوعی جریان‌شناسی و دسته‌بندی رسید که بتوانیم راهکاری برای مدیریت پیدا کنیم؟ به نظر می‌رسد که اساساً ظرفیت مدیریت‌پذیری چهره‌ها نسبت به قبل به خاطر گسترش شبکه‌های اجتماعی و قدرت گرفتن رسانه‌های رقیب تلویزیون، کاهش یافته باشد و امروز بیشتر سلبریتی‌ها توسط فالوورهایشان مدیریت می‌شوند. به همین علت است که گروه‌های ترول را وارد این شبکه‌ها می‌کنند تا برای چهره‌های پرفالوور، افکارسازی کنند یا دست‌کم آنها را تحت فشار قرار دهند.

به دو نکته باید دقت کنیم؛ اول اینکه اقتدار حاکمیت در حوزه اجتماعی کاهش پیدا کرده است. یعنی اقتدار اجتماعی حاکمیت مثل یک دهه پیش نیست و من وارد دلایلش نمی‌شوم اما حاکمیتی که اقتدار نداشته باشد خیلی چیزها را از دست می‌دهد. دقیقاً مثل پدری که اقتدارش را در خانواده از دست می‌دهد. اقتدار را با دیکتاتوری و استبداد اشتباه نگیرید. یک حاکمیت ممکن است استبدادی باشد اما اقتداری نداشته باشد و با قوه قهریه، قدرت‌ش را اعمال کند. اقتدار جایی است که همراه با مقبولیت عمومی باشد. متأسفانه این اقتدار کاهش پیدا کرده و



کسی هم به‌دنبال علت‌یابی آن نیست. نکته دوم اینکه من معتقدم خیلی از مسائل در ارتباط با چهره‌ها در مرحله اول با گفت‌وگو و بعد با ارتباط عاطفی، تیزی‌ها و تلخی‌های این پدیده را می‌گیرد. به علاوه به خاطر کاهش اقتدار، تلویزیون دیگر اساساً نمی‌تواند نفوذی مثل قدیم داشته باشد. یک زمانی امکانش بود به دلایلی از جمله اینکه شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌نمایش خانگی به این شکل وجود نداشت، انتخاب‌های چهره‌ها محدود بود و دست‌کم به خاطر منافع اقتصادی‌شان مجبور بودند به برخی توصیه‌ها تن بدهند. اما الان دیگر آن وضعیت وجود ندارد و وجود بسیاری از امکانات، کار را سخت می‌کند و البته هنر مدیریت فرهنگی هم باید این جور جاها خودش را نشان دهد.

با در نظر گرفتن این شرایط، بهترین دوره تلویزیون در حوزه آثار نمایشی را می‌توان دوره علی‌لازچجانی دانست. نکته مهم اینجاست که شما زمانی می‌توانید یک گروه انسانی را مدیریت کنید که نزد آنها مقبولیت داشته باشید. یعنی حتی اگر اصول فکری شما را قبول ندارند، دست‌کم به‌عنوان یک عنصر فرهنگی خیره قبول‌تان داشته باشند و شما را به کارشناسی و صاحب‌نظر بودن بشناسند. پشت سر‌تان نگویند که فلافی را از جایی هلی‌پرن کرده‌اند بلکه مثل ما سال‌هاست در این عرصه کار کرده و خاک صحنه خورده است. اگر در هر دوره‌ای، مدیریت در دست چنین افرادی باشد حتماً تعامل با سلبریتی‌ها بسیار آسان‌تر خواهد بود. الان که اصلاً تعاملی وجود ندارد! ارتباط کاملاً قطع شده است. البته برخی هم خوشحال هستند. می‌گویند به جهنم! چنین نگاهی وقتی در جایگاه مدیریت فرهنگی بنشینید دقیقاً عین سم است. حتماً سلبریتی سرمایه اجتماعی است اما حتماً هم این جمله به این معنا نیست که اجازه دهیم هر کاری که دوست دارند انجام دهند و همه هنجارهای اجتماعی را به چالش بکشند. اما باید اول بفهمیم که آنها سرمایه هستند و نگوییم آنها اصلاً چه ارزشی دارند و هر چیزی را می‌شود جایگزین‌شان کرد، دیگر حرفی از مدیریت نمی‌شود زد.

گاهی این‌طور است که رفتن سلبریتی‌ها برایمان مهم نیست اما گاهی هم دنبال این هستیم که به نحوی، کسی را اذیت کنیم یا از آنها دستاویزی گیر بیاوریم تا حذف‌شان کنیم. این رویکرد هم وجود دارد با اینکه در مورد برخی از چهره‌ها که بعضاً کنش نامطلوبی هم در وقایع اخیر داشته‌اند، گفت‌وگوهایی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اتفاق افتاد تا مسائل حل شود اما برخی فشارهای بیرونی وارد کردند.

بله، آرام‌آرام چیزهایی تغییر می‌کند. مواضع مدیریت این دوره تلویزیون هم به نسبت قبل تعدیل شده است چون حتماً وقتی آدم به مرحله عمل وارد می‌شود از وهمیات و تخیلات خودش فاصله می‌گیرد و متوجه می‌شود آن چیزهایی که از دور می‌دید آن گونه نیست و واقعیت‌های سنگینی وجود دارند که خودشان را به کار تحمیل می‌کنند.

نکته دیگر هم اینکه نباید جریان نفوذ را دست‌کم گرفت. جریان نفوذ در کشور ما خیلی قدرتمند است اصلاً ایران بهشت نفوذی‌هاست. از بس درگیر حواشی شده‌ایم آنها راحت دارند کارشان را انجام می‌دهند. اولین جایی که مردم با این رفتار مواجه شدند پدیده ویدیو بود. ۱۰ سال زمان کمی نیست که جلوی ویدیو را بگیرید درحالی که در همان زمان، شبکه قاجاقی ویدیو داشت کار خودش را می‌کرد.

سال ۱۳۶۹ به‌عنوان دبیر سرویس اجتماعی روزنامه رسالت معتقد به آزادی ویدیو بودم و گزارشگری را برای پیگیری این مسأله گذاشتم. واز جمله کسانی که برای مصاحبه پیشنهاد داده آقای فخرالدین انوار، معاونت‌سینمایی وقت وزارت فرهنگ بود. یک روز مدیر روزنامه تماس گرفت و پرسید چرا درباره آزادی ویدیو کار می‌کنی و دلایلم را گفتم. ناملی‌ها را با سربرگ وزارت ارشاد و امضای آقای انوار جلوی من گذاشت که در آن استدلال کرده بود که چرا ویدیو نباید آزاد شود. یکی از بندهایش را چون عددی بود دقیقاً یادم مانده است که استدلال کرده بود سرمایه در گردش قاجاقی ویدیو، ۶ میلیارد تومان در سال است و این رقم در آن زمان پول خیلی زیادی بود. من هم به مدیر روزنامه گفتم همه دلایل را کنار بگذارید لاف‌ل به همین یک علت ویدیو باید آزاد شود. چون او دارد کار خودش را می‌کند و ما از این امکان محروم شده‌ایم که فیلم‌های خوب را در شبکه عرضه کنیم. حکومت خود را محروم کرده اما شبکه قاجاقی دارد کار خودش را می‌کند. ایشان هم گفتند

دامن زدن به واگرایی‌های فرهنگی از اقتدار حاکمیت می‌کاهد

در مجموعه باید حرف این مدیران را بپذیریم و گزارش ما هم منتفی شد.

برگردیم به بحث سلبریتی‌ها؛ به‌نظر می‌رسد دستگاه‌های فرهنگی کشور و خصوصاً تلویزیون که مستقیماً با چهره‌ها در ارتباط بودند الان دارند از فقدان ارتباط با آنها متضرر می‌شوند و برنامه‌هایی که تا پیش از این با نام‌های شناخته‌شده در میان مردم نفوذ داشتند حالا دیگر وجود ندارند و چیزی هم جایگزین آنها نشده است. آیا به چنین ضرری اعتقاد دارید؟ در این صورت برای جبران چه باید کرد؟

اینکه می‌گوییم صدلوسیمما باید خودش را متعلق به ملت ایران بداند اولین علتش این است که تلویزیون از بودجه عمومی ارتزاق می‌کند. دوم اینکه ما طبق قانون اساسی، تلویزیون خصوصی نداریم و این یعنی انحصاری در حوزه رسانه‌های صوتی و تصویری ایجاد کرده‌ایم که خوب و بد آن اصلاً اینجا مسأله نیست بلکه نتیجه روش‌ش این است که تلویزیون حق ندارد به گروهی بی‌تفاوت باشد و اصلاً آنها را نبیند.

همه آحاد کشور در تمام حقوق اجتماعی برابر هستند. این تلویزیون برای کسی که منتقد و مخالف حاکمیت و شهروند ایران است هم باید برنامه داشته باشد و با او حرف بزند. این لطف نیست بلکه حق آن شهروند و وظیفه صدلوسیمما به‌عنوان رسانه حاکمیت است. اگر نمی‌تواند بر اساس الگوها و هنجارهای زندگی آن مخالف، سریال بسازد، من هم می‌گویم سلمنه! این کار درستی است اما آیا در تاک‌شوها و قالب‌های دیگر نمی‌تواند او را در آنتن شریک کند؟ نمی‌تواند میان او و مخالفانش، فرصت تعامل ایجاد کند؟

و اینجاقش آن سلبریتی‌ها که واسطه‌ار، تباط‌گرفتن آن بخش‌های دیگر جامعه با تلویزیون هستند، مهم می‌شود؟

اولاً همه این سلبریتی‌های تلویزیونی توسط خود تلویزیون شهرت اجتماعی پیدا کرده‌اند. چرا صدلوسیمما مثل آب خوردن سرمایه‌هایش را از دست می‌دهد؟ شاید چون فکر می‌کند فلان سلبریتی در صفحه شخصی‌اش در شبکه‌های اجتماعی، همان آدم تلویزیون نیست و مواضع و در نتیجه اثر گذاری‌اش تحت کنترل نیست. هر مجری که با صدلوسیمما کار کرده باشد شک‌کنکند که خودش بهتر می‌داند تر بیوشن در کم‌مخاطب‌ترین برنامه تلویزیون اصلاً قابل مقایسه با شبکه‌های اجتماعی‌اش نیست. در همه جای دنیا همین‌طور است و هم کمی و کیفی این تفاوت قابل توجه است. رایسگان بودن تلویزیون و انحصاری بودن آن هم در ایران این وضعیت را خاص‌تر کرده است.

من واقعاً شگفت‌زده می‌شوم وقتی می‌بینم تلویزیون به این سادگی سرمایه‌هایش را از دست می‌دهد. وقتی عادل فردوسی‌پور از آنتن حذف شد من یادداشت نوشتم. حالا فردوسی‌پور خطایی کرده است؟ یا او حرف بزنید! بالاخره فردوسی‌پور، صدام که نیست بگوید حتماً کار خودم را خواهم کرد. در همان یادداشت هم گفتم عادل فردوسی‌پور، حقوق و تکالیفی دارد همان‌طور که مدیر شبکه هم حقوق و تکالیفی دارد. باید بنشینند با هم حرف بزنند و سر حدود اینها به توافق برسند. بنابراین تلویزیون حق ندارد قشری را نادیده بگیرد و باید برای حزب‌اللهی و روشنفکر و دگراندیش و بی‌تفاوت و باحجاب و بدحجاب و بی‌حجاب مردم به اقتضای آنها برنامه داشته باشد.

یک تلقی شاید ناخودآگاه در میان مدیران فرهنگی وجود دارد که وابستگی فکری و اقتصادی سلبریتی به مدیریت را یک عامل مثبت می‌دانند بر این مبنا اگر آن سلبریتی به هر نحو امکان استقلال پیدا کند عملاً از دایره اعمال قدرت آن مدیر خارج می‌شود. آیا این تلقی درست است؟ شاید می‌توانستیم فکر کنیم که استقلال فکری سلبریتی‌ها اتفاقاً به نفع ماست چون در عین اینکه در برخی مواضع، مخالف ماست اما در بسیاری مسائل و موقعیت‌های بحرانی کشور اتفاقاً سمت منافع ملی می‌ایستند و آنجاست که ما به سرمایه اجتماعی او نیاز بیشتری داریم. در این حالت دایره توافق‌ها گسترده می‌شود و سر بزنگاه این محورهای مشترک به کمک جامعه می‌آید درست مثل اتفاقی که در مورد مراسم تشییع پیکر سردار سلیمانی افتاد. آن وابستگی به نفع ماست یا این استقلال؟

سال ۷۵ برای مجله فیلم‌ویدیو یک سرمقاله نوشتم با عنوان «چهره یا مهره»؟ مرحوم پرورش که در دوره‌ای توفیق استفاده از محضرشان را داشتیم می‌گفتند «نظام ولایت‌اللهی، چهره‌پرور است نه مهره‌پرور» و می‌گفت خداوند انسان‌های رشید و قdblند و بالغ را دوست دارد. آیا ما بر مبنای این نظام عمل می‌کنیم. ما چهره می‌خواهیم یا مهره؟ ما چهره‌ها را بر نمی‌تاییم. اولاً وابستگی از هر نوع، آن خلاف سنت‌اللهی است. خدا انسان را آزاد دیده و تنها وابستگی پذیرفته‌شده در نظام خلقت الهی، وابستگی به خداوند است. بنابراین استقلال مهم می‌شود چون هر وابستگی که ما می‌خواهیم در درونش نوعی بندگی است. ما بندگی را اراده کرده‌ایم در حالی که خداوند انسان را تنها بنده خودش آفریده است.

دوم اینکه در این کشور اگر همه و همه از دولت و مجلس گرفته تا سلبریتی و مردم، بر سرر یک امر ملی به اشتراک نظر برسیم بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد و آن امر چیست؟ «منافع ملی». متأسفانه ما تعریف مشترکی از منافع ملی نداریم. اگر به این تعریف مشترک برسیم نقاط همگرایی‌مان به شدت افزایش می‌یابد. متأسفانه ما نقاط همگرایی را نمی‌شناسیم و رها کرده‌ایم و مدام روی نقاط افتراق پافشاری می‌کنیم و این مسأله به‌طور طبیعی واگرایی را دامن می‌زند. اگر سد واگرایی شکسته شود دیگر در همان حد باقی نخواهد ماند به مرور بزرگ‌تر می‌شود آن قدر که دیگر سدی به نام منافع ملی باقی نخواهد ماند.

یکی از علل مهم کاهش اقتدار حاکمیت هم همین است که به واگرایی‌ها دامن زده‌ایم و از اشتراکات چشم پوشیده‌ایم درحالی که یک نظام مقتدر و پیشرو و آرمان‌گرا تا حد ممکن باید همگرایی را تقویت کند. اگر این اتفاق بیفتد حجم بالایی از سرمایه اجتماعی شکوفا می‌شود که همه نهادهای فرهنگی می‌توانند از آن استفاده کنند.

ترامپ در گرداب دادگاه‌ها

دونالد ترامپ روز دوشنبه در نخستین جلسه پنجمین دادگاهی که در سال جاری علیه او تشکیل شده این بار به اتهام کلاهبرداری در برابر قاضی نیویورک حاضر شد. اما برخلاف سکوت محض او در جلسه دادگاه، ورودش به ساختمان دادگاه بسیار طوفانی بود به طوری که رئیس جمهور سابق به محض دیدن خبرنگاران در برابر آنها ایستاد و با دفاع از خود، قاضی و دادستانان نیویورک را مورد توهین قرار داد و با رد اتهاماتش، انگیزه سیاسی پشت این دادگاه را به نقد کشید.

به گزارش نیویورک تایمز، قاضی آرتور آنگورون هفته گذشته رئیس جمهور سابق آمریکا، دو پسر بزرگش و همچنین سازمان ترامپ را به خاطر دستکاری در اظهارنامه‌های مالی، به کلاهبرداری متهم کرد و به دلیل وجود پرونده مشابهی که از سوی لتیشیا جیمز، دادستان ایالتی نیویورک علیه ترامپ و تشکیلات تجاری‌اش تشکیل شده بود، متهمان پرونده را در یک فقره کلاهبرداری مسئول و مقصر خواند و ضمن تعلیق فعالیت تجاری سازمان ترامپ، در دادگاه روز دوشنبه بر پایه شکایت دادستان نیویورک، ۶ مورد اتهامی دیگر از جمله جعل و همدستی برای جعل مدارک مالی، صدور اظهارنامه‌های مالی تقلبی، کلاهبرداری و تقلب در بیمه و تلاش برای فریب بیمه‌گذاران را مورد بررسی قرار داد.

در پرونده‌ای که لتیشیا جیمز تشکیل داده، دادستان ایالتی درخواست ۲۵۰ میلیون دلار جریمه و منع ترامپ و پسرانش از ادامه فعالیت اقتصادی در نیویورک را پیگیری می‌کند و او پیش از ورود به دادگاه نیویورک نیز ابراز امیدواری کرد که عدالت اجرا شود.

دفاعیه نمایشی ترامپ

تصاویر ویدیویی از لحظه ورود ترامپ به دادگاه، نشان می‌داد او برای اجرای نمایشی تمام عیار وارد دادگاه شد. این در شرایطی بود که اتهام وارد شده به او در صورت اثبات، نه تنها چهاره او به‌عنوان غول دنیای تجارت را نابود می‌کند که ضربهای اساسی به اعتبار شرکت تجاری‌اش نیز وارد خواهد کرد. او بخوبی می‌دانست این بار در برابر لتیشیا جیمز، دادستان ایالتی نیویورک و یکی از سرسخت‌ترین مخالفانش کار آسانی نخواهد داشت. به همین دلیل نیز در بدو ورود به ساختمان دادگاه حمله به قاضی و دادستانان نیویورکی را آغاز کرد. او به خبرنگاران گفت: «این دادگاه تلاشی برای تضعیف من در آستانه انتخابات ریاست جمهوری امریکاست.» او همچنین قاضی پرونده را دیوانه و جیمز را شخصیتی هولناک خواند و آنها را خلافکار لقب داد و گفت: «ما یک رئیس جمهور فاسد داریم که نمی‌فهمد چه می‌کند! مو لای درز حساب‌های مالی من نمی‌رود و هیچ جرمی اتفاق نیفتاده است. دادستان فاسد است، همه فاسدند، کشورمان هم فاسد است. صبر کردند من وارد انتخابات شوم، بعد این پرونده‌ها را علیه من عَلم کردند!» این در حالی است که لتیشیا جیمز، دادستان کل ایالت نیویورک نیز در مقابل ساختمان دادگاه به خبرنگاران گفت: «پیام من ساده است. فارغ از اینکه تا چه حد قدرتمند یا ثروتمند باشید، از قانون بالاتر نیستید. امروز مسئولیت و شغل من این است که این را اجرا کنم.» به نوشته گاردین، ترامپ در فرصت کوتاه ناهار، نیز با خروج از دادگاه، حرف‌هایش را تکرار کرد و گفت: «این قاضی را باید از دفترش اخراج کرد. او همان کسی است که برخی‌ها می‌گویند می‌توان او را به خاطر جرایمی که مرتکب شده محاکمه کرد.»

سکوت اجباری

ترامپ این بار بخوبی می‌داند که جرایم وارد شده به او بسیار جدی است. بعد از سه سال تحقیق، لتیشیا جیمز، دادستان نیویورک، معتقد است ترامپ و پسرانش برای بهره‌گیری از وام‌های کم بهره بیشتر، میزان ثروت خود را چندین برابر بیش از ارزش واقعی آن اعلام کرده‌اند. قاضی پرونده نیز با استناد به همین شواهد چند روز پیش از آغاز جلسه دادگاه تعلیق فعالیت‌های تجاری ترامپ و پسرانش را تأیید کرد. ترامپ که بخوبی از عزم دادستان جیمز برای پیگیری این دادگاه آگاهی داشت روند دادگاه را عصبی و ناآرام دنبال کرد اما حتی کلامی صحبت نکرد و تنها گامی با حرکت چشمان و سرش، ناراحتی‌هایش را نشان داد. کوین والاس، وکیل خانم جیمز در بیانیه‌ای ابتدایی اعلام کرد: «سال به سال، وام پشت وام، متهمان در ارزش مالی شبکه ترامپ دست برده‌اند.» آن طور که دفتر دادستان گفته است این تقلب ثروت ترامپ را بیش از ۲ میلیارد دلار بیشتر از ارزش واقعی نشان داده و در عین حال همچنان درباره میزان تخلف روی برخی از اموال ترامپ و سازمانش نمی‌توان ارزیابی دقیقی داشت. با این حال ترامپ و پسرانش معتقدند آنها همه وام‌ها را تسویه کرده و هیچ تخلفی ندارند. با وجود این به نظر نمی‌رسد که ترامپ از این دادگاه که گفته می‌شود در ماه دسامبر پیگیری خواهد شد و رسیدگی به آن نیز زمانبر است، پراحتی خلاصی یابد. چراکه به نوشته نیویورک تایمز، ۱۵۰ شاهد از جمله مایکل کوهن، وکیل شخصی سابق ترامپ قرار است در آن شهادت دهند.

در واقع از ابتدا نیز شهادت کوهن به تحقیقات جیمز جهت داده است. او در سال ۲۰۱۹ مدعی شده بود که ترامپ و کارکنانش برای سود بیشتر در مدارک شرکت دستکاری کرده‌اند. دادستان نیویورک در سپتامبر ۲۰۲۲ توانست این تحقیقات را به مرحله‌ای برساند که علیه ترامپ و پسرانش اعلام جرم کند.

اگر ترامپ و پسرانش در این پرونده متهم شناخته شوند و تقلب بیش از ۲.۲ میلیارد دلاری آنها برای ارزشگذاری اموالشان ثابت شود، علاوه بر جریمه‌ای ۲۵۰ میلیون دلاری، از هر گونه فعالیت تجاری در نیویورک محروم خواهند شد. قاضی آرتور آنگورون در دادگاه گفت:

«من معتقدم باید کارم را درست انجام دهم و با وجود شوخ طبعی‌هایم اما در کارم واقعاً جدی هستم.» کریستوف کایس یکی از وکلای مدافع ترامپ در دفاع از موکلش گفت: «آنچه به مؤسسسات مالی و بانک‌ها ارائه می‌شود تخمینی است و موکل من با تصمیم‌گیری و پیش‌بینی درست درباره سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات توانسته ثروت خود را بسازد. او قصد کلاهبرداری نداشته و کسی نیز قربانی اقدامات او نشده است. چراکه او تمامی وام‌ها را تسویه کرده است.» اما طبق قانون آمریکا تسویه بدهی‌ها نمی‌تواند جرم را پاک کند و تخلف مالی همچنان قابل پیگیری قضایی است.

ترامپ علاوه بر این پرونده، درگیر اتهامات دیگری مانند نگهداری نامناسب از اسناد محرمانه دولتی و همچنین آشوب کنگره است که برنامه رسیدگی دادگاه‌های این جرایم بدون شک ماه‌های شلوغ و پردردی را برای او در فرصت باقیمانده تا انتخابات رقم خواهد زد.

جنگ سرد جدید در راه است



جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا ماه گذشته رهبران ژاپن و کره جنوبی را به کمپ‌دیوید آورد تا با آنها درباره راه‌های مهار سلسله کودتاهایی که اخیراً در سطح قاره آفریقا روی داده و به‌زعم وی کار روس‌ها است، مشورت کند. همزمان با این نشست، سران کشورهای عضو نهاد بریکس در ژوهانسبورگ پایتخت آفریقای جنوبی گرد آمدند و یکی از مباحث مهم‌شان حاکمیت بیش از حد غرب بر بنیادهای بین‌المللی پس از اتمام جنگ جهانی دوم و لزوم کنار گذاشته شدن این روند بود. این دو نشست همزمان، باعث شد تاریخ‌نگاران و ناظران مسن به یاد ایام جنگ سرد بیفتند و به این نتیجه برسند که مدل جدیدی از آن در دست تکوین قرار گرفته است. با این حال برخی ملاحظات در این خصوص قابل توجه است. رقیب اصلی و بزرگ کنونی آمریکا و بواقع کل غرب، نه روسیه بلکه چین است و هرطور که به بریکس نگاه و آن را هویت‌شناسی کنیم، یک نهاد کاملاً شرقی و عضوی از پیمان ورشو نیست. با این همه چون جهان کنونی پای در یک دوره عدم اطمینان تازه گذاشته، باور خیلی‌ها این است که دوره جدید جنگ سرد از راه رسیده و از آنجا که ناآرامی‌های نگران‌کننده در خاورمیانه، کشورهای اخیراً کودتازده آفریقا و حتی در سطح «قدرت‌های اروپایی مانند فرانسه و انگلیس بالا گرفته، متخصصان سیاست بین‌الملل بیم آن دارند که حتی اگر مدل و شکل جنگ سردی که در راه است، با نمونه‌های قبلی متفاوت باشد ولی در وقوع چنین فرایندی شکی وجود ندارد.

مدرن‌سازی در مدل‌های قدیمی

جنگ سرد قبلی که یک طرف آن آمریکا بود و قطب دیگر آن اتحاد جماهیر شوروی (که در سال ۱۹۹۱ تجزیه و به ۱۵ کشور مستقل تبدیل شد)، بسیار طولانی از آب درآمد. این جنگ بیش از آنکه نماد آشکار نظامی داشته باشد، رنگ و بوی عقیدتی داشت و کاپیتالیسم آمریکا و کمونیسم شوروی دائماً می‌کوشیدند ریشه‌های پوسیده طرف مقابل را آشکار و پیروان یکدیگر را جذب خویش کنند. کار به جایی کشید که اکثر کشورها نمی‌توانستند پای خود را از این جدل نحس بیرون بکشند و مجبور می‌شدند سمیاد و پیرو یکی از دو سوی ماجرا شوند. امریکا اینک (در فاصله‌ای اندک تا شروع سال ۲۰۲۴) گمان می‌کند، فرایند مشابهی در بطن جنگ سرد جدیدی که ظاهراً در راه است، شکل خواهد گرفت. کاخ سفید اگرچه مدل‌های قدیمی را در ذهن دارد، برخی مدرن‌سازی‌های عقیدتی‌ای این جنگ جدید بسیار مهم می‌دهد، زیرا دلمشغولی بزرگ جهانیان در حال حاضر فشارهای مالی و گرانی‌های فزاینده ارزاق عمومی و حامل‌های انرژی است و هر کس در این زمینه‌های حساس قدری تلطیف فراهم آورد، می‌تواند به کشاندن کشورهای فزون‌تری به کمپ خود امیدوارانه بنگرد و به بردن این بازی خطیر امیدوارتر شود. در این میانه چین قصد دارد با ارائه آلترناتیو‌هایی برای بنیادهای غرب‌گرایانه‌ای همچون «گروه هفت» و صندوق بین‌المللی پول، کشورهای بیشتری از بلوک شرق را به سمت خود بکشاند. در عین حال چین اعتقاد دارد هرگونه استقلال عمل و رهایی از وابستگی‌ها نمی‌تواند با همان آیین‌هایی حاصل آید که جنگ سرد قبلی را پایه‌گذاری کرد و آن را از اوایل دهه ۱۹۵۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ استمرار بخشد.

چین داعیه دار برقدرتی

چین که از طرفداران لزوم تشکیل یک جهان چندقطبی است، می‌داند که وسیله و لازمه نخست رسیدن به چنین جهانی پایان دادن به جهان دوقطبی ۷۰ سال اخیر است. البته به‌نظر می‌رسد، چنین خواسته‌ای تحقق یافته زیرا نه آمریکا متحدان سابقش را حفظ کرده و نه روسیه پس از جنگ اوکراین چنان قدرتی را دارد که دیگران را وادار به تأسی تام و تمام از خود سازد. چین اینک یکی از قدرت‌های اصلی جهان چندقطبی تازه شکل گرفته‌ای است که منشورهای کاری آن با قواعد رایج در جنگ سرد اول تفاوت‌های عظیمی دارد. مخالفان چین ادعا می‌کنند، این کشور با تشدید تفاوت‌های سیاسی و عقیدتی در کشورهای که پیش‌تر یا عضو بلوک

شرق بودند یا حاضر در بلوک غرب، جایگاه هر دو کشور روسیه و آمریکا را متزلزل‌تر از هر زمانی کرده و حتی اگر چنین نباشد، آمریکا و روسیه به‌رغم باقی ماندن به عنوان قطب‌های حاضر جنگ سرد تازه، هرگز از قدرت و نفوذی بهره نمی‌برند که پیش‌تر داشتند.

الگوی که پررنگ‌تر می‌شود

اتفاق‌ها و گرایش‌های مشاهده شده در جریان اجلاس اخیر کمپ‌دیوید نشان داده، اکثر کشورها بدون تأثیرپذیری آشکار از آمریکا یا روسیه فقط در پی دستیابی به اهداف خود هستند. سران کره جنوبی در این اجلاس در درجه اول کوشیدند ضمانت‌نامه‌هایی به‌دست آوردند که آنها را در عقب راندن همسایه و مخالف سرسخت سسالیان طولانی‌شان یعنی کره شمالی همراهی و تقویت کنند. ژاپن بی‌توجه به جنگ طولانی نه چندان نظامی رایج در قلمرو کره در پی ساز‌کارهایی می‌گشت که تایوان را در نبرد بی‌سرانجام اقتصادی و سیاسی‌اش با چین تقویت کند، زیرا اگر دولت پکن تایوان را با همان شدتی که در سال‌های اخیر مشاهده شده، سرکوب اجتماعی و عقیدتی کند، چین بازارهای جهانی را بیش از پیش از دست تایوان و سایر ممالک غربی بیرون می‌کشد و در این صورت عرصه بر ژاپن هم که با چینی‌ها رقابت دارد، تنگ می‌شود و الگوی اقتصادی چین که جهان را درنوردیده، پررنگ‌تر می‌گردد.

فروریختن واپسین پایگاه مهم غربی‌ها در آفریقا

روسیه متهم ردیف اول در طراحی و اجرای کودتاهایی است که در سه ماه گذشته در کشورهای آفریقایی بورکینا فاسو، گینه و مالی رخ داده و نیروهای راست‌گرا در آن از صحنه خارج شده‌اند و به همین سبب جو بایدن و شرکای غربی‌اش به دولت نیجر به عنوان یکی از واپسین پایگاه‌های طرفدار خود می‌نگریستند و تلاش در حفظ و تقویت آن داشتند. آنها مدعی هستند، هر چند یوگنی پریگورین، رهبر گروه نظامی و روسی و تقریباً مستقل واگنر پس از پشت کردن به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در یک سانحه سقوط هواپیما کشته شد اما گروه وی هنوز فعال است و در تدوین کودتاهای اخیر در آفریقا شریک بوده و اگر این قصه در نیجر هم تکرار می‌شد، ضررهای وارده به «قدرت‌های غربی غیرقابل محاسبه می‌شد و بخصوص آمریکا و فرانسه از هر ابزار در دسترس در راه حفظ این جایگاه لرزان سود می‌جستند. حالا که آن جایگاه هم از بین رفته و نظامیان نیجر با کودتایی موفق زمام امور در این کشور را در دست گرفته‌اند، نه تنها غرب در آفریقا بی‌پناه‌تر از

هر زمانی شده، بلکه آمریکا و فرانسه هم بر سر نحوه برخورد با این کودتا و کنار آمدن یا نیامدن با رهبران تازه‌اش به اختلاف نظر خورده‌اند و به دنبال آن همان طور که هفته پیش دیدیم، مجبور به خروج از این کشور شدند. سران نظامی نیجر هم از باقی‌مانده گروه واگنر درخواست کرده‌اند در عملیات غرب‌زدایی در سطح این کشور دست‌شان را بگیرند؛ چیزی که برای آمریکا یک عقبگرد بزرگ و تازه به حساب می‌آید.

حالا که «بریکس» قدرت گرفته است

شکست بزرگ دیگر آمریکا در عرصه‌های بین‌المللی و در زمانه‌ای که مدل‌های جدیدی از پارگی و شریک‌یابی در هر دو بلوک شرق و غرب مشاهده می‌شود، پس از تقویت اخیر سازمان بریکس شکل گرفته است.

عضویت شش کشور تازه در این نهاد شامل آرژانتین، اتیوپی، امارات، عربستان سعودی، مصر و البته ایران، این سازمان را که می‌کوشد منادی عدالت‌طلبی در جهان باشد به جایگاه رفیع‌تر و مهم‌تری در صحنه‌های بین‌الملل نائل کرده است و بدیهی است که چین بیش از هر یک از «قدرت‌های حاضر در یک جهان چندقطبی تازه، به این سازمان نزدیک و همچون یک شریک همفکر و قدرتمند برای آن است. اثر سریع عضویت در این نهاد، تشدید استقلال عمل کشورها و پیش‌رو داشتن راه‌هایی عدالت‌آمیز برای طراحی نحوه زندگی سیاسی و اقتصادی هر مملکتی است. خودخواهی‌های پایین‌ناپذیر آمریکا که هنوز هم می‌کوشد دولت‌های دست‌نشانده خود را در اینجا و آنجای جهان سر کار بیاورد و کم‌شدن آشکار وجهه روس‌ها پس از ورود تأسف‌آور ارتش‌شان به خاک اوکراین به قصد تسخیر این کشور، سند روشن تازه‌ای در این خصوص است که اگر جنگ سرد تازه‌ای در حال شکل‌گیری باشد، با جنگ سرد تلخ سابق آمریکا و شوروی تفاوت‌های عظیمی دارد. شاید هم پایه‌گذار اصلی این جنگ، عنصر تفرق‌گرایی و تکیه بر هموردی‌های سیاسی و عقیدتی باشد که جهان کنونی را آشفته‌تر از هر زمانی کرده اما هر دلیل و رویکردی را که بر این قضیه قائل باشیم، در این شکی نیست که کشورهای استقلال‌خواه دائماً رو به تزاید هستند و دیگر کسی حاضر نیست متحد صرف آمریکا و «قدرت‌های غربی‌ای باشد که ثابت کرده‌اند برای آنها منافع خودشان در رأس امور قرار دارد و منفعت سایر ممالک معمولاً از محاسبات‌شان خارج است.

منبع:

The Australian Strategic Policy Institute

چه کسی از افزایش قیمت‌ها سود می‌برد؟

بازار انحصاری دولتی‌ها در پالایش نفت



پالایشی نفتی دارد. از طرف دیگر، دولت به‌طور غیرمستقیم و از طریق سهامداری در بانک‌های ملت، صادرات و تجارت که سهامدار شرکت‌های پالایشی نفت ایران هستند نیز در شرکت‌های پالایش نفت سهامدار است!

تامین اجتماعی

دو بازوی سازمان تامین اجتماعی در پالایشگاه‌ها، شرکت موسوم به «تاپیکو» و بانک رفاه هستند که به‌طور غیرمستقیم در شرکت‌های نفت ستاره خلیج فارس، پالایشگاه بندرعباس و پالایشگاه اصفهان سهامدارند. شرکت «صباتامین» که خود زیرمجموعه تامین اجتماعی است نیز سهامدار بانک‌های ملت و تجارت محسوب می‌شود که از این طریق، سهامدار جزو پالایشگاه تبریز و تهران شده است. تامین اجتماعی اینگونه بخش عمده سهام دو پالایشگاه لاوان و امام را در اختیار دارد. پالایشگاه امام خمینی، در سال ۱۴۰۱ در قالب مکانیزم رد دیون دولت به سازمان تامین اجتماعی واگذار شده است.

صورت دستوری در یک جا نگه داشته شده، اما به‌طور مثال قیمت روغن موتور با شوک‌های عجیبی روبرو شده که حالا می‌توان بازتاب آن را در افزایش سود شرکت‌های دولتی حاضر در بورس مشاهده کرد. بازیگران اصلی بازار پالایش نفت ایران را این سازمان‌ها تشکیل می‌دهند: دولت و نماینده آن شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، سازمان تامین اجتماعی، شرکت‌های سهام عدالت، صندوق بازنشستگی بانک‌های ملی و بانک‌های ادغام شده و وزارت نفت، سازمان تامین اجتماعی، نیروهای مسلح و دست آخر هیات امنای صرفه‌جویی ارزی.

دولت

دولت از طریق شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، سهامدار پالایشگاه‌های نفت آبادان، امام خمینی، کرمانشاه و حتی بخشی از خلیج فارس است. دولت ۱۰۰ درصد پالایشگاه نفت آبادان را در اختیار دارد که بالاترین ظرفیت اسمی پالایش نفت خام یعنی نزدیک به ۴۰۰ هزار بشکه در روز را در بین ۱۰ شرکت

بررسی‌ها نشان می‌دهد صنعت پالایش کشور که بخش بزرگی از بازار پرتقاضای کنونی ایران را پوشش می‌دهد در انحصار دولت یا نهادهای شبه‌دولتی است. بر اساس داده‌های موجود، به جز پالایشگاه کرمانشاه که ۸۰ درصد سهام آن در فرایند خصوصی‌سازی به بخش خصوصی واگذار شده، ۹ پالایشگاه دیگر در مالکیت دولت و نهادهای عمومی غیردولتی، بازاری کاملاً «انحصاری» را شکل داده‌اند که از روغن موتور و فرآورده‌های سوختی و نفتی شروع می‌شود و به انواع حلال‌ها و مواد مورد استفاده از صنایع می‌رسد. این گزارش بر اساس داده‌هایی به دست آمده که مرکز پژوهش‌های مجلس در سلسله گزارش‌هایی با هدف بررسی نقش شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد ایران انجام می‌دهد. این بررسی به خوبی نشان می‌دهد که دولت چگونه قیمت انرژی در برخی فرآورده‌ها مانند سوخت را در دست خود نگه داشته و از طرف دیگر، چگونه فضای نوسان قیمتی به ویژه در بخش روانکارها را ایجاد کرده است. در یک سال گذشته، با اینکه قیمت سوخت به

افزایش ۷ برابری بودجه خرید گندم

دولت همه ساله با شروع فصل خرید تضمینی محصولات کشاورزی با مشکلات پرداخت پول کشاورزان روبه رو می‌شود. در این میان گندم بیشترین اعتبار دولتی را دارد که بخش عظیمی از بودجه دولت را به خودش اختصاص می‌دهد. امسال دولت باید ۱۵۵ هزار میلیارد تومان به کشاورزان بپردازد که رقم درستی است و در واقع اعتبار دولتی را می‌بلعد. امسال دولت از کشاورزان داخلی ۱۰۳ میلیون تن گندم خریده که ۱۵۵ هزار میلیارد تومان باید بپردازد که تاکنون تنها ۱۱۰ میلیون تومان و با تأخیر پرداخت کرده است که ۴۵ میلیارد تومان آن باوجود قول‌های مکرر مسئولان برای آخر شهریور هنوز پرداخت نشده و نارضایتی کشاورزان را ایجاد کرده، این در حالی است که بر اساس ماده ۲ قانون شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی، دولت موظف است ۲۴ ساعت پس از تحویل گندم پول کشاورز را بدهد و بر اساس ماده ۳ قانون شورای قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی اگر پول کشاورز را به‌موقع ندهد، باید دیرکرد آن را بر اساس نرخ بهره طولانی مدت پرداخت کند. بنابر گفته رئیس بنیاد ملی گندمکاران در آخرین جلسه‌ای که با حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیر امور اقتصادی و دارایی در شورای قیمت‌گذاری برگزار شد، قول دادند حداکثر تا پایان شهریورماه تسویه حساب کلی انجام شود. با این حال اخیراً اعلام شده که مطالبات گندمکاران بزودی پرداخت خواهد شد.

تفاوت رقم پرداخت مطالبات

با توجه به خرید حدود ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان در سال گذشته با قیمت ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان، دولت سیزدهم در سال اول خود حدود ۸۶ هزار میلیارد تومان به کشاورزان پرداخت و بودجه فعلی چیزی حدوداً دو برابر آن است. همچنین دولت دوازدهم در سال آخر خود با خرید ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تن گندم از کشاورزان با قیمت ۵ هزار تومان تنها حدود ۲۳ میلیارد تومان به این امر اختصاص یافته بود بنابراین اختلاف فعلی پرداخت مطالبات گندمکاران در سال دوم دولت سیزدهم با سال آخر دولت دوازدهم چیزی حدود ۱۳۲ هزار میلیارد تومان است؛ امری که توجهی به آن در رسانه‌ها نمی‌شود. به طوری که آخرین آمار خرید تضمینی گندم توسط شرکت بازرگانی دولتی حاکی از آن است که تاکنون ۱۰ میلیون و ۳۴۰ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده، این در حالی است که در سال گذشته ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تن از این محصول خریداری شده بود. بنابراین با قیمت ۱۵ هزار تومانی نرخ خرید تضمینی گندم، دولت باید ۱۵۵ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان پول به کشاورزان پرداخت کند، این در حالی است که گزارش‌ها حاکی از آن است در بودجه سال جاری قیمت خرید تضمینی گندم ۱۳ هزار تومان تعیین شده بود.

بودجه ناکافی برای پرداخت مطالبات

بنابراین با توجه به بودجه اختصاص داده شده به خرید تضمینی گندم در ابتدای سال جاری پر واضح است که وزارت جهاد کشاورزی نمی‌توانست با بودجه خود همه مطالبات بحق گندمکاران را پرداخت کند، امر طبیعتاً سبب می‌شود که بذریعاً اعتمادی نسبت به دولت و این وزارتخانه و سازمان برنامه و بودجه در دل بسیاری از کشاورزان کاشته شود و امنیت غذایی و خودکفایی قوت لایموت برای سالیان بعد به خطر بیفتد. با این حال اخیراً بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مقصر اصلی عدم پرداخت مطالبات گندمکاران را سازمان برنامه و بودجه می‌دانند، این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد سرخ اصلی عدم پرداخت این قشر زحمتکش را باید در خیابان بهارستان و خانه ملت جست‌وجو کرد. دولت سیزدهم برای پرداخت کامل مطالبات گندمکاران ماه قبل طی لایحه‌ای، اصلاحیه بودجه ۱۴۰۲ را به نمایندگان خانه ملت تحویل داد تا بتواند از طریق مازاد درآمدهای نفتی این طلب را تسویه کند اما در اقدامی عجیب نمایندگان مجلس به این لایحه رأی ندادند با این حال محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه علنی مجلس در ۸ مهرماه اعلام کرد که بر اساس پیگیری‌های انجام شده حداکثر ظرف ۱۰ روز آینده کل بدهی دولت به گندمکاران پرداخت خواهد شد.

طلب گندمکاران تا پایان مهر صفر می‌شود

در حال حاضر اما با وجود آنکه قرار بود تا پایان شهریورماه همه مطالبات گندمکاران به طور کامل پرداخت و بدهی دولت به کشاورزان گندمکار صفر شود اما آن‌طور که مسئولان وعده داده‌اند این تسویه حساب تا پایان مهرماه انجام خواهد شد. البته داوود منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه در جلسه ۵ مهرماه هیأت دولت درباره چرایی این تأخیر به خبرنگاران توضیح داد و گفت که قول داده بودیم تا آخر شهریور تسویه کنیم، ولی مجوزهایی برای جابه‌جایی منابع و بودجه گرفتیم تا منابع جابه‌جا نشود، بنابراین تا آخر مهرماه تمام مطالبات پرداخت خواهد شد. برای تأخیر در تحقق وعده هم از گندمکاران عذرخواهی می‌کنیم. حال باید دید وعده مسئولان مربوطه در موعد مقرر عملیاتی و تمام مطالبات گندمکاران پرداخت می‌شود تا کشاورزان با تأمین به‌موقع نقدینگی بتوانند خود را برای سال زراعی آینده آماده کنند.

افزایش صادرات نفت با حضور در ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی

فراسرزمینی ونزوئلا، پالایشگاه حمص و پالایشگاه بوركینافاسو، پیشبرد پروژه‌ها و صادرات نفت به این کشورها تا پایان دولت سیزدهم، شانس بیشتری نسبت به مابقی پالایشگاه‌ها دارد.

ایران می‌تواند تا سال ۱۴۰۴ زمینه صادرات روزانه یک میلیون بشکه نفت خود را فراهم کند. تاکنون ۱۰۰ هزار بشکه در روز به صادرات نفت ایران از محل بازسازی و نوسازی پالایشگاه‌های فراسرزمینی اضافه شده است.

پالایشگاه ال‌پالیتو؛ این پالایشگاه ۱۴۰ هزار بشکه‌ای در ونزوئلا تا قبل از حضور مهندسان ایرانی تنها با ۱۰ هزار بشکه در روز فعالیت می‌کرد. در ابتدای سال ۱۴۰۱ قراردادی بین شرکت ملی مهندسی و ساختمان ایران و شرکت نفت ونزوئلا به ارزش ۱۱۰ میلیون یورو امضا شد. بعد از گذشت ۲ سال از امضای قرارداد، حال پالایشگاه ال‌پالیتو با تمام ظرفیت کار کرده و به مقصد روزانه ۱۰۰ هزار بشکه نفت صادراتی ایران تبدیل شده است.

مجمع پالایشی پاراگوآنا؛ این مجمع پالایشی به ظرفیت ۹۵۵ هزار بشکه، سومین مجمع بزرگ پالایشی دنیا و نخستین مجمع بزرگ پالایشی در ونزوئلاست که شامل سه پالایشگاه کاردون، آموی و گراند به ظرفیت ۳۱۰، ۶۴۵ و ۱۶ هزار بشکه در روز است. هم‌اکنون این سه پالایشگاه با توان حدود ۲۵۰ هزار بشکه در روز کار می‌کنند. فوریه سال جاری نیز رویترز در گزارشی از امضای قرارداد ۴۶۰ میلیون یورویی برای احیای ظرفیت مجمع پالایشی پاراگوآنا

تولید نفت نیز کمک خواهد کرد؛ زیرا این کشور از آغاز جنگ تاکنون، بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از درآمد خود را به دلیل تخریب ناشی از بمب‌های غربی و سرقت مداوم نفت به پیشگامی ارتش آمریکا از دست داده است.

اما آیا برنامه‌های ایران فقط به ساخت پالایشگاه در همین کشورها محدود شده است؟ پاسخ قطعاً خیر است.

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، «بازارسازی نفت» به‌عنوان راهبرد صادرات نفت ایران در شرایط تحریم تعریف شد. طبق این راهبرد، وزارت نفت ملزم به ایجاد و ساختن بازار جدید برای فروش نفت ایران و سپس صادرات نفت به آن مقصد است.

در دو سال گذشته بحث حضور ایران در ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی مطرح شده که از این ۱۷ پالایشگاه، امریکای لاتین ۰.۷، آسیا ۴ و آفریقا ۶ سهم را دارند. ضعف کشورهای دارنده پالایشگاه‌های غیرفعال یا نیمه‌فعال در مسائل فنی و مهندسی صنعت و توانمندی بالای مهندسان ایرانی در احیای آنها، باعث ایجاد این همکاری نفتی شده است. مجموع ظرفیت این ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی ۲.۵ میلیون بشکه نفت در روز است که شامل ۱۳ پالایشگاه نیمه‌فعال به ظرفیت ۲.۲ میلیون بشکه در روز و ۴ پالایشگاه نیمه‌ساخته به ظرفیت بیش از ۳۰۰ هزار بشکه در روز است. این ۴ پالایشگاه عبارتند از: رویای آرمانی بولیوار، الفرقلس، هویما و بوركینافاسو. طبق بررسی‌ها، حضور ایران در ۵ پالایشگاه

گفته می‌شود که ایران برای نوسازی ۱۷ پالایشگاه فراسرزمینی به ظرفیت ۲.۵ میلیون بشکه اقدام کرده که می‌توان تا ۱۴۰۴ با میزان یک میلیون بشکه برای صادرات نفت ایران به این مقصدها بازسازی کرد.

به‌تازگی و پس از انتشار خبر امضای تفاهنامه سه‌جانبه میان ایران، ونزوئلا و سوریه برای ساخت یک پالایشگاه جدید، بار دیگر توانمندی ایران برای همکاری با کشورهای یادشده به منظور عبور از تحریم‌های آمریکا جلب‌نظر کرد.

گزارش‌ها نشان می‌دهد که ایران از برنامه‌های خود برای ساخت یک پالایشگاه نفت جدید در استان حمص سوریه با ظرفیت ۱۴۰ هزار بشکه در روز به عنوان بخشی از یادداشت تفاهم امضا شده با دمشق و دولت ونزوئلا پرده برداشت.

ایران نقشی اساسی در کمک به سوریه و ونزوئلا برای مقابله با شدیدترین حمله غرب ایفا کرده است و به هر دو کشور کمک‌های فنی، مادی و نظامی ارائه می‌کند. پالایشگاه نفت ال‌پالیتو به‌عنوان بخشی از یک قرارداد ۱۰۰ میلیون یورویی، که در ماه مه ۲۰۲۲ میلادی با شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران منعقد شد، در حال تعمیر و توسعه است.

تیم‌های فنی ایرانی همچنین در حال کار برای بازسازی بزرگ‌ترین مجمع پالایشگاه نفت ونزوئلا، مرکز پالایش پاراگوآنا هستند. با ساخت پالایشگاه جدید در حمص، ایران به سوریه در افزایش سطح

تداوم پیمان سپاری ارزی قطعا صادرات را کاهش می دهد



رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران گفت: جهش نرخ ارز و تورم‌های بالا، هزینه‌های تولید را به شدت بالا برده و قدرت رقابت‌پذیری تولید کمتر شده است؛ در این شرایط، در صورت اصرار بر تداوم پیمان سپاری ارزی، قطعا صادرات کاهش خواهد یافت. با وجود انتشار برخی خبرهای خوش مبنی بر ایجاد گشایش‌های دیپلماتیک، سیاستگذاران در برخی حوزه‌ها با جدیت سعی می‌کنند تا محدودیت‌های داخلی بیشتری بر سر راه فعالان اقتصادی ایجاد کنند. حسین سلاح‌ورزی، در چهارمین نشست دور دهم هیات نمایندگان اتاق ایران افزود: در هفته‌های اخیر شاهد مخالفت‌هایی با نهادهای بازارساز مثل بورس کالا به بهانه مقابله با گران‌فروشی و مقابله با تورم هستیم و باید به دولت یادآوری کنیم که تجربه‌های اجرای این سیاست‌ها در کشور را با دقت بیشتر بررسی کند؛ چراکه به اعتقاد ما راه‌حل کاهش رشد تورم از طریق خاموش کردن موتورهای ایجاد نقدینگی مثل بدهی‌های بانکی و چاپ پول و همین‌طور کاهش هزینه‌های تبادل از طریق بهبود روابط بین‌الملل و رفع محدودیت‌ها خواهد بود. او اظهار کرد: حذف نهادهایی مانند بورس و جایگزینی قیمت‌گذاری دستوری، به توسعه فساد منجر می‌شود، بنگاه‌ها را زبانه می‌کند و اثری جز کاهش تولید به دنبال نخواهد داشت. به عقیده سلاح‌ورزی، اگر تحریم‌ها نتوانست اقتصاد ایران را به فروپاشی برساند، اجرای این سیاست‌ها حتما این کار را خواهد کرد.

سهام عدالت

سهام عدالت (شرکت‌های سرمایه‌پذیر) مالک مستقیم ۶۹ درصد سهام پالایشگاه نفت تهران است و از طریق بانک‌ها نیز به صورت غیرمستقیم در پالایشگاه یاد شده سهام دارد. بانک تجارت ۵، صادرات ۵ و ملت ۳ درصد سهام پالایشگاه نفت تهران را در اختیار دارند و ۴۰ درصد سهام بانک‌های تجارت و صادرات و ۳۰ درصد سهام بانک ملت در اختیار سهام عدالت است. به این ترتیب مجموع سهامداری مستقیم و غیرمستقیم سهام عدالت در پالایش نفت تهران به حدود ۷۴ درصد می‌رسد. ترکیب هیات‌مدیره این پالایشگاه ۴ نفر نماینده سهام عدالت و یک نفر نماینده شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی است. از طرف دیگر، ۲۰ درصد سهام پالایشگاه‌های تبریز، بندرعباس و لاوان در اختیار سهام عدالت است. این شرکت‌ها در پالایشگاه‌های اصفهان و شیراز نیز ۱۲ درصد سهم دارند. در واقع سهام عدالت در ۶ پالایشگاه کشور، حداقل یک کرسی هیات‌مدیره دارد!

صندوق‌های بازنشستگی

صندوق بازنشستگی بانک ملی، مالک مستقیم ۲۰ درصد سهام پالایشگاه لاوان و ۱۹ درصد از پالایشگاه شیراز است. این صندوق ۲۱ درصد هلدینگ غدیر را در اختیار دارد که این هلدینگ مالک عمده گروه نفت و گاز پارسیان است. صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت از طریق شرکت سرمایه‌گذاری اهداف مالک غیرمستقیم شرکت‌های پالایشی نفت است. شرکت سرمایه‌گذار اهداف، مالک ۳۳ درصدی نفت ستاره خلیج فارس است که سومین پالایشگاه بزرگ کشور محسوب می‌شود. این شرکت ۱۰۰ درصد شرکت پتروشیمی فردا را در اختیار دارد که ۱۶ درصد پتروشیمی فناوران، ۶۹ درصد نفت سپاهان و ۱۰۰ درصد پالایش نفت جی را در اختیار دارد. نفت سپاهان و پالایش نفت جی، ۳ و ۵ درصد سهام پالایشگاه نفت اصفهان را در اختیار دارند.

هیات امنای صرفه‌جویی ارزی

هیات امنای صرفه‌جویی ارزی از سال ۱۳۷۸ فعالیت می‌کند که اعضای آن توسط وزیر بهداشت تعیین می‌شوند. این هیات، مسوولیت اعزام‌های پزشکی و بخشی از واردات دارو را در اختیار دارد. نکته عجیب اینکه ۱۵ درصد پالایشگاه نفت اصفهان در اختیار این هیات است و ۱۰۰ درصد شرکت آوای پردیس سلامت را نیز در اختیار دارد.

کنترل بازار دست کیست؟

به‌طور کلی، ۹۹ درصد کنترل و مدیریت صنعت پالایشی کشور در اختیار دولت و نهادهای عمومی است. به عبارتی، بخش خصوصی در این بازار پرتقاضا اصلا به حساب نمی‌آید. تامین اجتماعی ۴۵ درصد این بازار را در اختیار دارد. دولت (شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران) ۳۵ درصد و سهام عدالت ۱۱ درصد بازار را به دست گرفته‌اند. سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح نیز با سهم ۸ درصدی از میزان پالایش نفت خام در جایگاه بعدی است. در این فرایند، دولت در رتبه اول سهم از جریان‌های نقدی قرار دارد. ۲۷ درصد از جریان‌های نقدی پول حاصل از تولید فرآورده‌های پالایشی به جیب دولت می‌رود. ۲۰ درصد از جریان نقدی در اختیار سازمان تامین اجتماعی و ۱۵ درصد در اختیار شرکت‌های سهام عدالت است. صندوق بازنشستگی نفت ۸ درصد از جریان نقدی صنعت پالایشی را در دست دارد. تامین اجتماعی نیروهای مسلح ۳ درصد و مابقی ۲ درصد از پول حاصل از محصولات را در اختیار دارند.

(کاردون) بین ایران و ونزوئلا در آینده‌های نزدیک خبر داد.

با نوسازی این مجتمع می‌توان به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز برای صادرات نفت ایران بازاری کرد.

پالایشگاه پرتو لاکروز: این پالایشگاه ۱۸۷ هزار بشکه‌ای در ونزوئلا واقع شده است که به دلیل ضعف توان فنی و مهندسی این کشور برای تعمیرات اساسی، طبق گزارش رویترز هم‌اکنون با ظرفیت ۸۵ هزار بشکه در روز کار می‌کند.

طبق اعلام مدیر گروه تعمیرات پالایشگاه ال پالیتو ونزوئلا، پالایشگاه پرتولاکروز نیز در مرحله مذاکرات عقد قرارداد بازنسازی قرار دارد و ایران می‌تواند با احیای ظرفیت این پالایشگاه، روزانه ۱۰۰ هزار بشکه دیگر به ونزوئلا صادر کند.

پالایشگاه سینفونگوس: این پالایشگاه در کوبا واقع شده و یک تأسیسات مربوط به دوران شوروی سابق است که برای استفاده از نفت خام روسیه پیکربندی شده که بعداً توسط شرکت نفت ونزوئلا برای تبدیل روزانه ۶۵ هزار بشکه نفت ونزوئلا به محصولات پالایش شده برای بازار داخلی و صادرات کوبا ارتقا یافت.

این پالایشگاه حاصل سرمایه‌گذاری مشترک کوبا با ونزوئلاست اما از آگوست ۲۰۱۷، پالایشگاه سینفونگوس به‌عنوان یک نهاد کاملاً دولتی کوبا فعالیت می‌کند.

هم‌اکنون به‌دلیل فرسودگی توان عملیاتی این پالایشگاه به ۴۰ هزار بشکه کاهش یافته که ایران می‌تواند برای احیای آن و صادرات نفت خود اقدام کند. بازنسازی این پالایشگاه در مرحله مذاکراتی است.

پالایشگاه رویای آرمانی بولیوار: فاز نخست پالایشگاه رویای آرمانی بولیوار نیکاراگوئه ۱۵۰ هزار بشکه‌ای مربوط به احداث مخازن ذخیره‌سازی بود که ساخته شده اما فازهای بعدی مربوط به تأسیسات پالایشگاهی به دلیل نبود سرمایه متوقف مانده است.

میزان سرمایه‌گذاری لازم برای تکمیل این طرح ۴.۷ میلیارد دلار برآورد می‌شود و راهکارهایی برای تامین مالی آن با تلفیق ظرفیت ایران و نیکاراگوئه وجود دارد. سال گذشته نیز تفاهنامه تکمیل این پالایشگاه بین دو کشور امضا شد.

پالایشگاه بخارا و فرغانه: کشور ازبکستان دارای ۲ پالایشگاه عمده نفتی است که این پالایشگاه‌ها ۲۳۰ هزار بشکه ظرفیت پالایشی دارند. هم‌اکنون پالایشگاه‌های ازبکستان با ۵۰ درصد ظرفیت کار می‌کنند. طبق آخرین اعلام وزارت نفت، مذاکرات نوسازی و بازنسازی این دو پالایشگاه از مهر ۱۴۰۱ آغاز شده است.

پالایشگاه الفرقلس: در سال ۲۰۰۶ قراردادی بین ایران، ونزوئلا و سوریه برای

ساخت مشارکتی پالایشگاه الفرقلس به ظرفیت ۱۴۰ هزار بشکه منعقد شد. مکان این پالایشگاه در شرق استان حمص در کشور سوریه تعریف شده بود. ساخت این پالایشگاه در سال ۲۰۱۲ به دلیل حملات تروریستی و عدم تامین امنیت منطقه متوقف شد. اما حال در دولت سیزدهم مجدداً مذاکرات احیای این طرح پالایشی توسط شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی آغاز شده و مطالعات آن نیز تکمیل شده است اما به نظر در موضوع تامین مالی این پالایشگاه، کار متوقف باقی مانده است.

پالایشگاه حمص: در سفر اخیر رئیس‌جمهور به سوریه در اردیبهشت امسال توافقی مبنی بر تعمیرات پالایشگاه ۱۱۰ هزار بشکه‌ای حمص توسط مهندسان ایرانی انجام شد. بعد از آن تیمی از شرکت ملی پالایش و پخش برای انجام مذاکرات و کارهای مطالعاتی اعزام شد و تقریباً یک ماه بعد از سفر رئیس‌جمهور، تفاهنامه تعمیرات پالایشگاه حمص بین ایران و سوریه امضا شد.

پالایشگاه هویما: طبق اعلام رویترز، مذاکرات دولت ایران و اوگاندا برای ساخت یک پالایشگاه ۶۰ هزار بشکه‌ای در سفر اخیر سیدابراهیم رئیسی به این کشور آغاز شده است. این پروژه پالایشگاهی شامل واحدهای فرایندی، یک خط لوله ۲۱۱ کیلومتری، آبگیر و پایانه ذخیره‌سازی است که برآورد سرمایه‌گذاری آن بین ۳ الی ۴ میلیارد دلار است.

پالایشگاه‌های آفریقای جنوبی: ۴ پالایشگاه نفتی آفریقای جنوبی با ظرفیت ۵۰۸ هزار بشکه تقریباً تعطیل هستند، به‌عنوان مثال بزرگ‌ترین پالایشگاه آفریقای جنوبی در مارس ۲۰۲۲ تعطیل شد. تعطیلی پالایشگاه‌ها همراه با هزینه‌های بالا برای ارتقا جهت مطابقت با مقررات جدید سوخت از مهم‌ترین معضلات این کشور است. ایران می‌تواند با احیای این پالایشگاه‌ها نفت خود را به آفریقای جنوبی صادر کند. تا پیش از اعمال تحریم‌ها رقم صادرات نفت ایران به این کشور ۳۸۰ هزار بشکه در روز بوده است. طبق گفته رئیس‌جمهور، ایران برای بازنسازی و صدور خدمات فنی و مهندسی به ۴ پالایشگاه این کشور توافق کرده است.

پالایشگاه بورکینافاسو: تاکنون جزئیاتی از این پالایشگاه و نام آن ذکر نشده است و صرفاً جواد اوجی وزیر نفت ماه گذشته از امضای تفاهنامه‌ای بین دو کشور برای ساخت یک پالایشگاه نفتی خبر داده است. بورکینافاسو معادن خوبی نظیر معادن طلا دارد که می‌تواند خوراک بخشی از صنعت و معدن ما را تامین کند و به عنوان پشتوانه‌ای برای تامین مالی این طرح قرار بگیرد.

وحشت صهیونیست‌ها

از رزمایش «مژده پیروزی»

در حالی که اعتراضات هفتگی شهرک نشینان علیه کودتای قضایی بنیامین نتانیاها و عملکرد کابینه افراطی او همچنان ادامه دارد و مقامات صهیونیست نیز نسبت به آینده این رژیم احساس نگرانی دارند و حتی از فروپاشی درونی سخن می‌گویند، گروه‌های مقاومت فلسطینی رزمایش نظامی هجومی را در نوار غزه آغاز کرده‌اند. در این باره خبرگزاری فلسطین الیوم به نقل از یک مسئول ارشد نظامی در گردان‌های سراپا القدس، شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی فلسطین اعلام کرد که از دیروز سه‌شنبه، رزمایش این گردان‌ها با نام رزمایش «مژده پیروزی» در مناطق آزاد شده فلسطینی در نوار غزه و همزمان با سی‌وششمین سالروز تشکیل جنبش جهاد اسلامی فلسطین آغاز می‌شود.

به گزارش ایسنا، این منبع نظامی به فلسطین الیوم گفته است: «رزمایش جهاد اسلامی در نوار غزه رویکردی هجومی داشته و دربردارنده پیام‌های مهمی از منظر تاکتیک نظامی گردان‌های سراپا القدس بوده که قرار است طی آن برخی پایگاه‌های نظامی مهم رژیم صهیونیستی از جمله زکیم، ایرز، دوغیت و سایت ارسال شماره ۱۶ به شکل فرضی هدف قرار بگیرند.»

منبع یاد شده تأکید کرده است، این مانور را «گردان فرماندهان شهید» که شامل افرادی از نیروهای ویژه سراپا القدس هستند، اجرا خواهد کرد و طی آن یک حمله فرضی با هدف انهدام پایگاه‌های نظامی با کنترل بر پایگاه‌های نظامی یاد شده و مراکز فرماندهی و کنترل آنها انجام می‌شود. وارد آوردن حداقل خسارات مالی و تلفات انسانی ممکن به دشمن در پایگاه‌ها، به اسارت درآوردن سربازان رژیم صهیونیستی و تقویت جبهه داخلی مقاومت از اهداف اصلی این حمله فرضی است. منبع مذکور تأکید کرد که این رزمایش پیام‌های متعددی دارد که مهم‌ترین آنها آمادگی مستمر و بدون توقف گردان‌های سراپا القدس در تمامی زمینه‌ها و میدان‌ها است، همچنین از دیگر پیام‌های آن تغییر از وضعیت دفاعی به هجومی است.

به باور کارشناسان و ناظران امر از زمان روی کار آمدن بنیامین نتانیاها و کابینه افراطی او، توان موشکی، نظامی و دفاعی گروه‌های فلسطینی بشدت افزایش و به دنبال رزمایش‌های موشکی در نوار غزه شدت و وسعت بیشتری پیدا کرده است. تحلیلگران امر تأکید دارند که افزایش توان موشکی و گسترش ظرفیت‌های نظامی مقاومت فلسطین از جمله در حوزه تولید و آزمایش انواع موشک با هدف بازدارندگی و مقابله به مثل با حملات هوایی و موشکی رژیم صهیونیستی و هدف قراردادن شهروندان و تأسیسات فلسطینی انجام می‌شود.

واکنش صهیونیست‌ها

در پی انجام مانور نظامی جهاد اسلامی در نوار غزه، ارتش رژیم صهیونیستی نیز در حساب کاربری خود در پلتفرم ایکس (توییتر سابق) اعلام کرد که به دنبال شلیک موشک‌هایی از نوار غزه به سمت دریا، آذیرهای هشدار در منطقه غلاف به صدا درآمدند. این ارتش گزارش داد که هیچ یک از موشک‌های شلیک شده از نوار غزه در داخل اراضی اشغالی سقوط نکرده است. رادیوی رژیم صهیونیستی هم دیروز سه‌شنبه اعلام کرد که تمامی راکت‌ها از مناطق مجاور شهرک‌های غلاف شلیک شدند و گمان می‌رود یکی از آنها در مقابل سواحل «زیکیم» در دریا سقوط کرده است.

در همین حال جانشین سابق رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی اذعان کرد که این رژیم بازدارندگی در برابر ایران، حزب الله، نوار غزه و کرانه باختری را از دست داده است. بنابر گزارش مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، ژنرال دان هرئیل اظهار داشت: «با این حال خطری بزرگ‌تر پیش روی اسرائیل قرار دارد و آن کابینه تندرو و قلدر بنیامین نتانیاها است.» به گزارش روزنامه عبری زبان معاویو، ژنرال هرئیل خاطر نشان کرده است: «۴۰ سال از عمر خود را صرف خدمت به اسرائیل در عرصه‌های نظامی و سیاسی کردم و سه سال هم مدیر کل وزارت جنگ بودم، اما امنیت داخلی هیچ‌گاه به اندازه امروز در معرض خطر نبوده است.»

ادامه در صفحه ۶

«حکیم»: نخستین بیمارستان دولتی کودکان پس از انقلاب

تحقیق عدالت‌درمانی، محرومیت‌زدایی از مناطق کم‌برخوردار

IRNA

پوشش جمعیت ۳.۵ میلیون نفری

محرومیت‌زدایی در مناطقی جنوب پایتخت

تحقیق سیاست‌های کلی نظام در طرح جوانی جمعیت

رفع دغدغه خانواده‌ها نسبت به کمبود بیمارستان تخصصی کودکان

همراه سراسری پاسمن برای آرامش خانواده‌ها

دسترسی آسان (از ایستگاه مخصوص در خط ۳ مترو)



رشد ۱۰ میلیارد دلاری تجارت خارجی غیر نفتی در نیمه اول ۱۴۰۲

استثنای نفت خام، نفت کوره، نفت سفید و تجارت چمدانی، افزود: در مدت یادشده بیش از ۶۷ میلیون و ۷۰۰ هزار تن انواع کالاهای غیرنفتی به ارزش ۲۴ میلیارد و ۱۴۴ میلیون دلار صادر شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از نظر وزن ۲۹ درصد افزایش و از لحاظ ارزش ۲۶ درصد کاهش داشته است.

معاون وزیر اقتصاد اعلام کرد: میزان واردات کشور در نیمسال نخست سال جاری به ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تن و به ارزش ۳۰ میلیارد و ۴۴۳ میلیون دلار رسید که از افزایش ۶۸۹ درصدی در وزن و ۱۱۶۲ درصدی در ارزش نسبت به مدت مشابه سال قبل برخوردار بوده است.

رضوانی فر با اشاره به اینکه در ۶ ماهه نخست سال جاری ۳ قلم عمده کالاهای صادراتی شامل گاز طبیعی مایع شده با ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار، پروپان مایع شده با یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار و بوتان مایع شده با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده است، افزود: متوسط ارزش هر تن کالای صادراتی در این مدت از ۴۷۳ دلار به ۳۵۶ دلار رسیده است که نشانگر کاهش ۲۴.۵۶ درصدی است.

او ادامه داد: ۳ قلم عمده کالاهای وارداتی در این مدت به ذرت دامی با یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، گوشتی‌های تلفن همراه با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار و دانه سویا با یک میلیارد دلار اختصاص داشت.

رضوانی فر بیان کرد: متوسط ارزش گمرکی هر تن کالای وارداتی هزار و ۷۲۹ دلار بوده که نسبت به رقم هزار و ۶۵۶ دلار در ۶ ماهه سال گذشته ۴.۴۲ درصد رشد داشته است. رئیس کل گمرک گفت: بیشترین افزایش ارزش کالاهای وارداتی در بین ۱۰ قلم عمده به ترتیب شامل روغن خام

به دست آمده است. یکی از بازارهایی که در دولت سیزدهم برای تجار فراهم شده، بریکس (بریکس نام گروهی از کشورها به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است و کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی در آن حضور دارند) است. بازار دیگر مربوط به اتحادیه اوراسیا (اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) یک اتحادیه اقتصادی است که اعضای آن بیشتر کشورهای شمال منطقه اوراسیا، در شرق اروپا هستند) است. این دو بازار فرصت بکر و مناسبی را در اختیار صادرکنندگان قرار داده است. تجار و فعالان اتاق بازرگانی، به آینده تجاری کشور خوشبین هستند و تأکید دارند که اقتصاد کشور به جهت افزایش درآمدهای صادراتی و برگشت ارز حاصل از صادرات بسیار بهتر خواهد شد و دیگر کشور با چالش و بحران ارزی روبه‌رو نخواهد شد. آن طور که سازمان توسعه تجارت اعلام کرده، تعداد رایزنان بازرگانی تا پایان سال جاری به ۲۲ نفر افزایش خواهد یافت و همچنین امسال بیش از ۱۰۰ عنوان نمایشگاه و رویداد تجاری در خارج از ایران برگزار خواهد شد که ایران در آن حضور فعالانه خواهد داشت. موافقت تجارت آزاد با سوریه، ونزوئلا و تجارت آزاد با اوراسیا این امکان را به کشور خواهد داد تا صادرات کشور از دوران تنزل خود فاصله معناداری بگیرد.

آن طور که محمد رضوانی فر، رئیس کل گمرک ایران گفته است، تجارت خارجی کشور در نیمه نخست سال جاری با ۴۸۴ درصد رشد به حدود ۵۴۶ میلیارد دلار رسیده است. از نظر میزان وزنی تجارت خارجی کشور در این مدت ۸۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۳.۷۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. او با اشاره به میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور به

در حالی که در نیمه اول ۱۴۰۰ حجم تجارت غیرنفتی کشور ۴۴ میلیارد دلار بود این رقم در سال جاری به ۵۴ میلیارد دلار افزایش یافت.

دولت گذشته به بهانه تحریم، فرصت تجارت را از فعالان اقتصادی گرفت و با دیوار کشی که انجام داد، باعث شد تجارت ایران با شتاب بیشتری نزول کند. از نیمه دوم سال ۱۴۰۰ دولت سیزدهم احیا تجارت برون مرزی کشور را در دستور کار قرار داد و همین امر سبب شد که رکوردهای جدیدی در این حوزه ثبت شود. بر این اساس تجارت خارجی غیرنفتی ایران در سال ۱۴۰۰ با تبادل ۱۶۲ میلیون تن کالا با کشورهای مختلف، رکورد ۱۰۰ میلیارد دلاری را به ثبت رساند که نسبت به مدت مشابه سال قبل آن یعنی سال ۱۳۹۹ بیش از ۳۸ درصد رشد داشته است. دولت سیزدهم، احیای تجارت و تبادل کالا را از طریق مذاکره رئیس جمهور و وزارت امور خارجه با کشورهای مختلف، پیوستن در پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه، برپایی نمایشگاه در کشورهای هدف صادراتی، اعزام رایزنان بازرگانی و استفاده از پول ملی کشورها، دنبال کرد.

به گفته فعالان اقتصادی، وضعیت تجارت ایران با کشورهای مختلف بهبود یافته و بازارهایی که در دولت روحانی از دست رفته بود، در این دولت در حال احیا شدن است و همچنین دولت سیزدهم در پی آن است که بازارهای جدیدی را برای فعالان اقتصادی فراهم کند تا صادرات غیرنفتی کشور، رونق بیشتری بگیرد. صحبت‌های فعالان اقتصادی و اعضای اتاق بازرگانی نشان می‌دهد که تجارت ایران در حال احیا است و بزودی تجار می‌توانند وارد بازارهایی شوند که سال‌ها انتظار آن را می‌کشیدند. این بازارها در قالب پیمان‌های مشترک

اتمام طرح های نیمه تمام ۲۵ ساله نفت در دوسال

بهره‌برداری از ۲۰ میلیارد دلار طرح‌های نیمه تمام بالادست و پایین دست صنعت نفت در مدت زمان دوسال از آغاز به کار دولت سیزدهم.

تحقیق وعده‌ای که جواد اوجی، وزیر نفت از ابتدای آغاز به کار خود روی آنها پای فشرد.

از ابتدای استقرار دولت سیزدهم، رشد سرمایه‌گذاری در نفت و تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام در بخش‌های چهارگانه وزارت نفت (نفت، گاز، پتروشیمی و پالایش) از جمله اولویت‌های اصلی این وزارتخانه به شمار می‌رفت به نحوی که در سال گذشته ۱۲ میلیارد دلار طرح نیمه‌تمام به خط پایان رسید.

جواد اوجی وزیر نفت گفته است که خوشبختانه شاهد رشد تولید نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی و افزایش ظرفیت پالایشگاه‌های نفتی و جمع‌آوری گازهای همراه مشعل بودیم و ثمره آن را در رشد اقتصادی گروه نفت و گاز شاهدیم که به گواه مرکز آمار به عدد ۱۹.۷ رسیدیم.

برآورد شده که در صنعت نفت دست کم ۶۴ طرح مهم و اولویت دار نیمه تمام وجود داشته که ارزش آنها ۱۴.۵ میلیارد دلار است. بر این اساس عملیات اجرایی ۱۵ طرح جدید نیز به ارزش ۱۴.۳ میلیارد دلار در سال جاری آغاز شده که مجموع ارزش سرمایه‌گذاری این ۲۹ طرح و پروژه به ۲۸.۸ میلیارد دلار می‌رسد. وزیرنفت گفته که امسال ۶۴ طرح نیمه‌تمام را تکمیل و اولویت‌دار به ارزش ۱۴.۵ میلیارد دلار به بهره‌برداری می‌رساند.

از دولت سیزدهم به عنوان میراث دار تعهدات بسیار و طرح‌های نیمه تمام جامانده از دولت قبل یاد می‌شود.

علیرضا دانشی مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، در گفت‌وگو با «ایران اقتصادی»، اعلام کرده که بخشی از عقب افتادگی‌ها در صنعت نفت ناشی از دستورالعمل وزیر سابق نفت بوده که اجرای دستورالعمل‌های بازدارنده سبب شده بود تا حدود چهار سال بخش عمده‌ای از دستگاه‌ها و ماشین‌آلات دوار مورد تعمیرات اساسی قرار نگیرد؛ واقعیت این است که گذشته، گذشته است، اما آثار تخریبی و زیانبار آن تا مدت‌ها و تا زمان اصلاح کامل فرایندها همچنان باقی است. اگر کارها براساس پروتکل‌های کارشناسی متداول و مشخص صنعت نفت دنیا پیگیری می‌شد، شرایط راهبردی، ارتقا و خلق ایده‌های نو و برنامه‌ریزی‌های جدید مدنظر، با سهولت بیشتر قابل دستیابی بود، اما این پروتکل‌ها بدرستی رعایت نشد!

واقعیت این است که بخش مهمی از طرح‌های نیمه تمام صنعت نفت به جای مانده از قبل را باید در مسیر ترک فعل وزیرنفت دولت قبل یعنی بیژن نامدار زنگنه تفسیر کرد؛ از برنامه صادرات گاز کشور گرفته تا برنامه بهینه‌سازی مصرف انرژی برای مثال دولت دوازدهم اعلام کرد که در سال ۱۳۹۹ صادرات گاز کشور به ۱۹۵ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد و علاوه بر عراق و ترکیه مقاصد جدیدی مانند عمان و پاکستان نیز به لیست اضافه خواهد شد. هر چند که در عمل نه تنها صادرات گاز از ۷۰ میلیون متر مکعب در روز فراتر نرفت، بلکه صادرات گاز به همین کشورها نیز با مسائلی همراه شد.

یا در مورد تولید گاز عدد یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون مترمکعب به‌عنوان ظرفیت تولید در سال ۱۳۹۹ اعلام شد اما ظرفیت تولید از یک میلیارد متر مکعب در روز فراتر نرفت.

در همین راستا، ظرفیت تولید نفت خام کشور به ۴ میلیون بشکه در روز هم نرسید، درحالی که هدفگذاری ۴ میلیون و ۶۳۰ هزار بشکه در روز بود.

در مورد بهینه‌سازی مصرف انرژی هم که در برنامه بارها بر آن تأکید شد، تنها با نگاهی به وضعیت مصارف گاز در کشور می‌توان به میزان عقب ماندگی اجرا از برنامه‌ها پی برد. سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به‌عنوان مهم‌ترین مسأله داخلی این صنعت، طی سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافت به طوری که در ۸ سال دولت قبل نه تنها تعداد پروژه‌های جدید کلید خورده انگشت شمار بود، بلکه صرفاً پروژه‌هایی تکمیل شد که از دولت نهم و دهم آغاز شده بود.

حتی آقدر سرمایه‌گذاری کم شد که برخی از پروژه‌های شروع شده از دولت نهم و دهم هم همچنان نیمه کاره ماند مانند فاز ۱۱ میدان گازی پارس جنوبی، پروژه ایران آلان‌جی، توسعه کمی و کیفی پالایشگاهی و پتروپالایشگاهی و بسیاری از مجتمع‌های پتروشیمی تعریف شده در مسیر خط لوله اتیلن غرب-ایران پروژه‌ها به‌خاطر ترک فعل دولت قبل به مرکز هزینه بی‌بازده تبدیل شدند. مسأله اینجاست که در دولت یازدهم و دوازدهم برخی از پروژه‌ها هم که توسط همین دولت طراحی شده بود، رها شدند و هیچ پیشرفتی نداشتند؛ مانند پالایشگاه‌های هشتمانه سیراف. شرایط پروژه‌های نفتی و گازی کشور به شکلی است که وزارت نفت دولت سیزدهم باید بسیاری از طرح‌های نیمه تمام را دنبال کند تا گفته پیداست که انتظار دولت قبل برای برجام و بخصوص غربی‌ها عامل اصلی این افت سرمایه‌گذاری در صنعت نفت بود و این صنعت را در بن‌بست قرار داد. در صورتی که اگر امکان استفاده از سرمایه خارجی فراهم باشد، باید جذب کرد؛ اما در غیر این صورت هم نباید منتظر ماند. در یک بررسی ساده‌تر، مشخص می‌شود که حتی شرایط در برخی از زمینه‌ها نسبت به سال ۱۳۹۲ نیز افت کرد؛ از جمله میزان سرمایه‌گذاری و پروژه‌های آماده بهره‌برداری صنعت نفت که در هشت سال دولت قبل حتی شرایط سال ۱۳۹۲ را هم نداشت. فراموش نکنیم که اگر دولت قبل بدرستی برنامه‌ریزی می‌کرد حتی در شرایط تحریم نیز می‌توانست سرنوشت قابل قبول‌تری را برای صنعت نفت رقم بزند.

برنامه‌های توسعه مجموعه

- * احداث شهر علم شهید سلیمانی برای حضور ۱۰۰ شرکت استارت‌آپی حوزه درمان
- * تاسیس انبار داروی تمام اتوماتیک و مدرن

دیالیز / رادیوتراپی اطفال / اعمال جراحی فوق تخصصی قلب و پیوند عضو
ستی‌اسکن / اتاق عمل هیبریدی / آنژیوگرافی / کاردیوگرافی ویژه کودکان

اولین بیمارستان سبز کشور، مجهز به تصفیه خانه بیولوژیکی کشور

بیمارستان کودکان حکیم
Hakim Children's Hospital

۲۷ مرکز تخصصی مراقبت

۵۵ هزار متر مربع مساحت در منطقه ۱۸ تهران

۱۲ اتاق عمل

۱۹ درمانگاه تخصصی

۲۶۶ تخت بیمارستانی

۶۳ تخت مراقبت‌های ویژه

ویژگی‌های بیمارستان تخصصی کودکان «حکیم»
درمان درد کمبود مراکز درمانی در جنوب پایتخت

IRNA INFOGRAPHIC

نابودی از درون

ادامه از صفحه ۳

این ژنرال رژیم صهیونیستی تصریح کرده است: «جدای از اینکه تل‌آویو بازدارندگی در برابر غزه را از دست داده، در کرانه باختری نیز عملیات‌های مقاومتی روز به روز در حال افزایش است و حزب‌الله هم بدون هرگونه ترس و هراسی به تهدید این رژیم مبادرت می‌کند. اما کابینه تندرو کنونی تمامی اصول و مبانی را زیر پا گذاشته و موجب تجزیه و نابودی ارتش شده و این بزرگ‌ترین خطر برای اسرائیل است. علاوه بر این اقدامات بنیامین نتانیاهو موجب تضعیف دیوان عالی اسرائیل و ضربه زدن به نیروهای ذخیره ارتش و کاهش قدرت عملیاتی آن و عدم آمادگی نیروها شده است.»

جانشین سابق رئیس ستاد کل ارتش رژیم صهیونیستی در حالی از نابودی توان بازدارندگی این رژیم در برابر ایران، حزب‌الله، غزه و کرانه باختری سخن می‌گوید که نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی نیز اذعان به نابودی از درون دارد و اعلام کرد که رهبران کنونی این رژیم کور هستند، همان‌طور که در آستانه جنگ ۱۹۷۳ کور بودند.

به گزارش روزنامه القدس العربی، ایهود باراک، در سخنانی تأکید کرده است: «تل‌آویو با چالش‌های داخلی مربوط به موجودیت خود مواجه است که کمتر از چالش‌های خارجی نیست، لذا اسرائیل از داخل در حال ویرانی و نابودی است.»

باراک سرانجامی هم از عادی‌سازی روابط با عربستان گفت و بیان داشت که اگر چه این عادی‌سازی به عنوان سرآغازی برای به رسمیت شناختن «اسرائیل» توسط کشورهای اسلامی دیگر، برای تل‌آویو مهم است و به منزله یک فرصت اقتصادی بسیار مهم خواهد بود، اما راه آن پیچیده است و هیچ‌گونه تضمینی برای دستیابی به آن وجود ندارد.

ایهود باراک همچنین اعلام کرد که نسبت به توانایی دولت فعلی بنیامین نتانیاهو برای برآورده کردن کمتر آنچه که سعودی‌ها و امریکایی‌ها در مورد مسأله فلسطین می‌خواهند، تردید دارد. نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی همچنین تصریح کرد که «این یک شوخی تاریخی محسوب می‌شود؛ زمانی که روند عادی‌سازی روابط با عربستان به بلوغ رسیده در عین حال یک دولت غیرطبیعی در اسرائیل وجود دارد.»

تثبیت اشتغال ۲۰ میلیون شاغل در پایان ۱۴۰۱

در پایان سال ۱۴۰۱، بیشترین ماندگاری در وضع فعالیت در حوزه اشتغال صورت گرفت که مقدار آن ۸۶.۱ درصد بود بررسی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اشتغال از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، دارای بیشترین پایداری بوده و اغلب شاغلان در شغلشان تثبیت شده‌اند.

جریان نیروی کار از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، این روایت را بازگو می‌کند که بیش از ۲۰ میلیون شاغل در زمستان ۱۴۰۰، شغل خود را در زمستان سال ۱۴۰۱ حفظ کرده‌اند. به عبارتی براساس این داده‌ها از جابه‌جایی نیروی کار، در پایان سال ۱۴۰۱، ۲۰ میلیون شاغل از پایداری اشتغال برخوردار شده‌اند.

همچنین بر اساس نتایج داده‌ها از جابه‌جایی نیروی کار از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، نسبت بیکاری کاهش و نسبت اشتغال افزایشی بوده است. به معنای دیگر در پایان سال ۱۴۰۱، اشتغال روند افزایشی به خود گرفته و در مقابل این نرخ بیکاری است که با روند نزولی مواجه بوده است. بنابر داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد بیکاران در سال ۱۴۰۰، ۲ میلیون و ۴۰۹ هزار و ۱۴۲ نفر بوده که بیشترین درصد جابه‌جایی را در سال ۱۴۰۱ داشته است. به طوری که ۳۶.۷ درصد بیکاران از زمستان ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱، شاغل شده‌اند. بدین ترتیب از مجموع ۲ میلیون و ۴۰۹ هزار و ۱۴۲ بیکار، ۸۸۴ هزار و ۱۵۵ بیکار توانسته‌اند در سال ۱۴۰۱ شغل به‌دست بیاورند. در همین حال، ۸۶.۱ درصد از شاغلان زمستان سال ۱۴۰۰ در زمستان ۱۴۰۱ شغل خود را حفظ کرده‌اند. به عبارتی در سال ۱۴۰۱ از مجموع ۲۳ میلیون و ۱۷۳ هزار و ۷۵۹ شاغل در زمستان سال ۱۴۰۰، ۱۹ میلیون و ۹۵۲ هزار و ۶۰۶ نفر در زمستان سال ۱۴۰۱ شغل خود را حفظ کرده‌اند. بنابراین، بیکاری در بین این دو دوره بی‌ثبات‌ترین وضع فعالیت را داشته و در عین حال اشتغال بیشترین ماندگاری را به‌خود اختصاص داده است. ۱۳.۹ درصد از شاغلان از زمستان ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱ یا بیکار شده‌اند یا به جمع جمعیت غیرفعال اضافه شده‌اند. ۳.۳ درصد از شاغلان از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱ بیکار شده‌اند و تعداد آنها ۷۶۴ هزار و ۳۳۷ نفر بوده است. در همین بازه زمانی ۱۰ درصد از شاغلان به جمعیت غیرفعال کشور افزوده شده‌اند. به معنای دیگر ۲ میلیون و ۴۵۶ هزار و ۴۱۸ نفر از شاغلان از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱ شغل خود را از دست داده و دیگر تمایلی به یافتن شغل ندارند.

بر پایه جریان نیروی کار از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، ۶.۴ درصد از جمعیت غیرفعال موفق به یافتن کار شده و شاغل شده‌اند. این تعداد افراد در حدود ۲ میلیون و ۴۱۶ هزار و ۶۹ نفر می‌شوند. در همین حال از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، سهم بیکاران ۳۹ درصد بوده است. از ۲ میلیون و ۴۰۹ هزار و ۱۴۲ بیکار در این بازه زمانی، علاوه بر خروج بیش از ۸۸۴ هزار بیکار از جمعیت بیکار و شاغل شدن آنها، ۲۴.۳ درصد از بیکاران نیز دیگر تمایلی برای یافتن کار نداشتند و به جمعیت غیرفعال اضافه شده‌اند. به عبارتی بیش از ۵۵۵ هزار و ۴۲۱ بیکار تمایلی به یافتن کار نداشتند. اما از طرفی حدود ۴۱ هزار نفر از جمعیت غیرفعال از زمستان ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱ تمایل خود را برای یافتن کار ابراز کرده و بنابراین به جمعیت بیکار کشور اضافه شده‌اند. بر پایه داده‌های جریان نیروی کار از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان سال ۱۴۰۱، سهم شاغلان با ۰.۱ درصد رشد به ۳۶.۹ درصد افزایش یافت و نرخ بیکاری نیز با ۰.۱ درصد کاهش به ۳.۷ درصد رسید. جمعیت غیرفعال نیز از زمستان سال ۱۴۰۰ تا زمستان ۱۴۰۱ نیز بدون تغییر ماند و همان سهم ۵۹.۴ درصدی خود را حفظ کرد. بدین ترتیب بیشترین ماندگاری در وضع فعالیت در حوزه اشتغال صورت گرفت و مقدار آن ۸۶.۱ درصد بوده است.

بازار کار با استفاده از آمار جمعیت فعال، سطح اشتغال و نرخ بیکاری مورد مطالعه قرار می‌گیرد. مقایسه این شاخص‌ها در زمان‌های مختلف، تغییرات بازار کار را در طول بازه زمانی نشان می‌دهد. اما جابه‌جایی‌هایی که در داخل این مقاطع زمانی رخ می‌دهد با این شاخص‌ها مشخص نمی‌شود. بنابراین داده‌های جریان نیروی کار همه تغییراتی که ممکن است داده‌های مقاطع زمانی نشان ندهند را پوشش می‌دهد.

بر پایه اعلام مرکز آمار از تغییرات شاخص‌های بازار کار در زمستان سال گذشته، نرخ مشارکت اقتصادی نسبت به همین مدت از ۴/۴۰ درصد به ۴۰.۵ درصد افزایش یافت و سیگنال مثبتی به بازار کار نشان داد. در همین مدت اشتغال با افزایش ۲۶۲ هزار نفری مواجه شد.

سویا با رشد ۱۸۸.۵۳ درصدی، جو با رشد ۱۳۷۴.۷۴ درصدی و گوشی‌های تلفن همراه با رشد ۱۳۴.۹۴ درصدی بوده است.

او در خصوص بیشترین کاهش ارزش کالاهای وارداتی در بین ۱۰ قلم عمده در نیمه نخست امسال، اضافه کرد: برنج با ۴۹.۷۸ درصد، گندم با ۴۹.۲۳ درصد و روغن پالم با ۱۲.۷۰ درصد بیشترین کاهش را دارا بودند. رضوانی‌فر تصریح کرد: در بین اقلام عمده کالاهای صادراتی بیشترین افزایش به لحاظ ارزش در این مدت به گاز طبیعی مایع شده با ۱۲۴.۷۹ درصد، گازهای نفتی و هیدروکربورهای گازی شکل مایع شده با ۴۹.۲۷ درصد و اوره با ۴۱.۱۲ درصد و بیشترین کاهش در ارزش کالاهای صادراتی به متانول با ۲۳.۵۳ درصد، پروپان مایع شده با ۱۸۸.۴۴ درصد و میلگرد با ۱۲.۵۷ درصد اختصاص داشته است. او مقاصد عمده کالاهای صادراتی ایرانی در این مدت را به ترتیب چین با ۶.۹ میلیارد دلار، عراق با ۴.۵ میلیارد دلار، امارات متحده عربی با ۳ میلیارد دلار، ترکیه با ۲.۴ میلیارد دلار و هند با ۱.۱ میلیارد دلار اعلام کرد. معاون وزیر اقتصاد بیان داشت: ۵ کشور عمده مبدأ کالاهای وارداتی به ترتیب شامل امارات متحده عربی با ۹ میلیارد دلار، چین با ۸۸ میلیارد دلار، ترکیه با ۳.۳ میلیارد دلار، آلمان با ۱.۱ میلیارد دلار و هند با ۹۸۷ میلیون دلار است. رضوانی‌فر با اشاره به واردات کالاهای اساسی در نیمسال نخست سال جاری، گفت: در این مدت ۱۱ میلیون تن انواع کالاهای اساسی به ارزش ۹ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار وارد کشور شد که با اختصاص ۶۲.۴۷ درصد از وزن و ۲۹.۹۵ درصد از ارزش کل واردات در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایش ۱.۵ درصدی در وزن و کاهش ۶.۱۴ درصدی در ارزش داشته است. او در رابطه با اقلام عمده کالاهای اساسی، اظهار داشت: ذرت، دانه سویا، روغن دانه آفتابگردان، برنج، گندم، روغن خام سویا، جو و پالم اوایل اقلام عمده کالاهای اساسی وارداتی به کشور بودند که در مجموع از نظر وزنی ۵۵.۲۳ درصد و از نظر ارزشی ۱۹.۷۳ درصد از کل واردات کشور را به خود اختصاص دادند. رئیس کل گمرک در رابطه با آمار ترانزیت خارجی کشور در ۶ ماهه نخست سال جاری، گفت: ترانزیت خارجی کشور در این مدت با رشد ۸.۲۴ درصدی به ۷.۷ میلیون تن رسید.

افزایش حضور تجار خارجی

مهدی ضیفی، رئیس سازمان توسعه تجارت در خصوص مبادلات تجاری کشور گفت: سازمان توسعه تجارت وظیفه گسترش روابط تجاری و اقتصادی را برعهده دارد و بر این اساس ما ترویج، توسعه و تمرکز را در دستور کار قرار داده‌ایم تا با استفاده از ابزارهای لازم به اهداف توسعه مبادلاتی دست پیدا کنیم. او ادامه داد: امیدواریم امسال مابین دو هزار تا سه هزار و ۵۰۰ تاجر خارجی وارد کشور شوند و از این طریق با صادرات کالاهایی با ارزش افزوده ضرها جبران شود. ارزش صادرات کالاهای صنعتی ما ۳۴۸ دلار است. ما کالاهای صنعتی مثل گوشی تلفن همراه وارد می‌کنیم و ارزش کالاهای صنعتی ما اصلاً پایین نیست و با کالاهای خارجی قابل رقابت است. ما با کشورهای تحریمی مانند مکزیک در حوزه کالاهای دارویی و پزشکی برنامه‌های صادراتی داریم.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: موسسه غیر تجاری اقتصاد و مردم آریایی
- چانشین مدیر مسئول: در حال تغییر
- سردبیر: محسن تورخ
- دفتر استان فارس: خیابان معدل، حد فاصل ملاصدرا و فلسطین(باغشاه)، کوچه ۷اولین
- درب سمت راست، طبقه سوم – کدپستی۷۱۲۴۶۷۴۳۶
- تلفن: ۰۷۱۲۳۳-۷۱۱۷
- چاپخانه:امیرفاضل پارسیان



قوانین هوش مصنوعی در چین کدامند؟

در ۱۱ آوریل سال ۲۰۲۳ پیشرفت بزرگی در فضای هوش مصنوعی چین رخ داد، اداره فضای سایبری چین (CAC)، پیش‌نویس مقررات مربوط به هوش مصنوعی مولد (GENAI) را منتشر کرد. در این سند از هیچ شرکت خاصی نام برده نشده اما نحوه بیان آن روشن می‌کند که از راه‌اندازی بی‌وقفه چت ربات‌های چین و ایالات‌متحده الهام گرفته شده است.پیش‌نویس مقررات، ترکیبی از محدودیت‌های معقول در مورد خطرات هوش مصنوعی و ادامه سنت قوی دولت چین در مداخله تهاجمی در صنعت فناوری است. بسیاری از بندهای پیش‌نویس مقررات، اصولی هستند که منتقدان هوش مصنوعی در غرب از آن دفاع می‌کنند؛ داده‌های مورد استفاده برای آموزش مدل‌های هوش مصنوعی مولد نباید مالکیت معنوی یا حریم خصوصی را نقض کنند. الگوریتم‌ها نباید بین کاربران بر اساس نژاد، قومیت، سن، جنسیت و سایر ویژگی‌ها تبعیض قائل شوند. شرکت‌های هوش مصنوعی باید از منابع داده‌های آموزشی و نحوه استفاده انسان شفاف باشند.

در عین حال، قوانینی نیز در آن وجود دارد که سایر کشورها احتمالاً از اطاعت آنها سر باز می‌زنند. دولت از افرادی که از این ابزارهای هوش مصنوعی مولد استفاده می‌کنند می‌خواهد یا هویت واقعی خود (مانند هر پلتفرم اجتماعی در چین) ثبت‌نام کنند و محتوایی که نرم‌افزار هوش مصنوعی تولید می‌کند باید «رژش‌های اصلی سوسیالیسم» را منعکس کند.هیچ یک از این الزامات تعجب‌آور نیست. دولت چین در سال‌های اخیر شرکت‌های فناوری را با قدرت کنترل و پلتفرم‌ها را به دلیل سهل‌انگاری مجازات می‌کند. این سند باعث می‌شود تا این سنت نظارتی به راحتی قابل مشاهده باشد.این واقعیت که دولت چین می‌تواند به سرعت به یک پدیده فناوری جدید واکنش نشان دهد یک شمشیر دوپله است. مت شپهان، یکی از همکاران بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی می‌نویسد که نقطه قوت این رویکرد که به هر روند فناوری جدید به طور جداگانه نگاه می‌کند، «دقت آن است که راه‌حل‌های خاصی برای مشکلات خاص ایجاد می‌کند».علیرغم ماهیت محدودکننده، این سند تشویقی ضمنی برای شرکت‌ها در ادامه کار بر روی هوش مصنوعی است. حداکثر جریمه پیشنهادی برای نقض قوانین حدود ۱۵ هزار دلار است که برای هر شرکتی که ظرفیت ساخت مدل‌های بزرگ را دارد رقمی ناچیز است.

البته، اگر گسترکتی هر بار که مدل هوش مصنوعی آن قوانین را نقض کند جریمه شود، مبالغ ممکن است انباشته شود. اما اندازه جریمه نشان می‌دهد که قوانین برای ترساندن ساخته نشده‌اند. سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی ساختن نشده‌اند. بر اساس پیش‌نویس مقرراتی که منتشر شد، شرکت‌های فناوری چینی باید محصولات مولد هوش مصنوعی را در آزادس فضای سایبری چین ثبت کنند و قبل از انتشار عمومی آن‌ها را برای ارزیابی امنیتی ارسال کنند.

این مقررات عملاً تمام جنبه‌های هوش مصنوعی مولد از نحوه آموزش آن گرفته تا نحوه تعامل کاربران با آن را پوشش می‌دهد، شرکت‌های فناوری مسئول «مشروعیت منبع داده‌های پیش‌آموزش» خواهند بود تا مطمئن حاصل‌کنند که محتوا منعکس‌کننده «رژش اصلی سوسیالیسم» است.شرکت‌ها باید مطمئن حاصل کنند که هوش مصنوعی خواستار «براندازی قدرت دولتی» یا سرنگونی حزب حاکم کمونیست چین اقداماتی برای «تفرق در کشور» یا «ضعیف وحدت ملی» تولید نکند. شرکت‌ها همچنین با غیراخلاقی تشویق خشونت، افراط‌گرایی، تروریسم یا تبعیض نیست. افرادی که قوانین را نقض کنند با جریمه‌های بین ۱۰ هزار یوان (۱۴۵۴ دلار) تا ۱۰۰ هزار یوان (۱۴۵۴۵ دلار) روبرو خواهند.

مقررات مربوط به هوش مصنوعی مولد برای هر شخصی اعمال می‌شود که با استفاده از محصولات هوش مصنوعی مولد خود در چین خدمات ارائه می‌دهد تا زمانی که محصول مولد هوش مصنوعی در دسترس عموم قرار نگیرد یا به صورت عمومی برای کاربران در چین به بازار عرضه شود، دیدگاه بهتری این است که مقررات مربوط به هوش مصنوعی مولد اعمال نشود. ارائه یک محصول مولد هوش مصنوعی به تعدادی منتخب از شرکت‌ها در چین یا چند کاربر آزمایشی از پیش شناسایی شده لزوماً نباید باعث ایجاد مقررات مربوط به هوش مصنوعی مولد شود.با این حال، حتی اگر یک کسب‌وکار تمام اقدامات را انجام دهد تا مطمئن حاصل کند که محصول هوش مصنوعی تولیدی آن توسط هیچ فردی در چین استفاده نمی‌شود همچنان باید نسبت به منبع داده‌ای که برای آموزش هوش مصنوعی استفاده می‌کند، مراقب باشد. از این نظر، تأثیر فراسرزمینی قانون حفاظت از اطلاعات شخصی (PIPL) به ویژه در این مورد مرتبط است زیرا استفاده از الگوریتم‌ها برای پردازش داده‌ها به منظور تولید چیزی شبیه به آنچه پردازش انسانی انجام می‌دهد.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: موسسه غیر تجاری اقتصاد و مردم آریایی
- چانشین مدیر مسئول: در حال تغییر
- سردبیر: محسن تورخ
- دفتر استان فارس: خیابان معدل، حد فاصل ملاصدرا و فلسطین(باغشاه)، کوچه ۷اولین
- درب سمت راست، طبقه سوم – کدپستی۷۱۲۴۶۷۴۳۶
- تلفن: ۰۷۱۲۳۳-۷۱۱۷
- چاپخانه:امیرفاضل پارسیان



معرفی R 12 NineT رودستر به مناسبت صد سالگی بی‌ام و موتور اد

شرکت ترکیه‌ای SealVans دو کاروان آبی-خاکی خلاقانه و جذاب را معرفی کرده است که هم‌زمان قابلیت تردد جاده و دریا دارند. این کاروان‌ها از ویژگی‌های مشترک قایق‌ها و کاروان‌های سنتی سود می‌برند.

این کمپانی پس از تولید موفقیت‌آمیز نسخه‌های پیش‌تولیدی در سال قبل هم‌اکنون نسخه‌های کمپراقیق محصولات خود را برای بازار اروپا معرفی کرده است. این دو وسیله نقلیه آبی-خاکی که با نام‌های Seal 4.20m و Seal 7.50m شناخته می‌شوند راه‌حلی منحصربه‌فرد برای خانواده‌های ماجراجویی هستند که به دنبال حضور در آب و زمین و بدون استفاده از وسایل نقلیه مختلف خواهند بود.

کاروان آبی-خاکی SealVans می‌تواند به عنوان یک کاروان زمینی سنتی یا قایق کاملاً کاربردی عمل کند. برخلاف دیگر وسایل نقلیه دوزیست، در تبدیل این محصول جدید به

کاربری زمینی یا آبی نیازی به تغییرات اضافی در بدنه یا انجام فرایندهای پیچیده نخواهد بود. کمپانی یاد شده می‌گوید:
زمان طراحی محصولات جدید، یکی از اهداف اصلی ما ارائه حمل‌ونقل آسان در زمین و دریا بوده است. با Seal شما احساسی شبیه حضور در خانه خود خواهید داشت. این محصولات یک کاروان و قایق لوکس هستند که برای تأمین تمامی نیازهای اساسی مشتریان طراحی شده‌اند

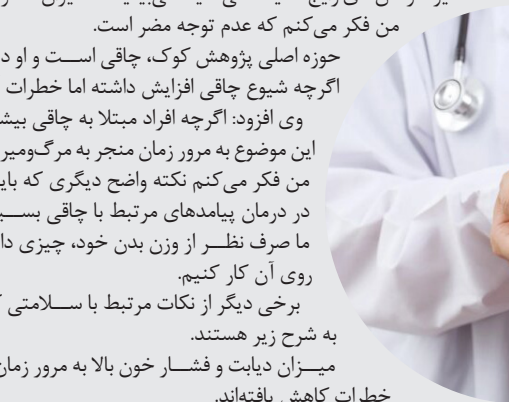
وجه تمایز اصلی بین دو نسخه از کاروان‌های آبی-خاکی SealVans به ابعاد و طرح آن‌ها مربوط می‌شود. مدل Seal 4.20m ابعاد جمع و جورتری داشته و وزن آن زیر ۷۵۰ کیلوگرم است. این مدل برای سفرهای کوتاه‌تر طراحی شده و به خاطر ابعاد کوچک‌تر خود گزینه‌ای ایده ال برای دو نفر بزرگ‌سال است. همچنین بسته به قوانین محلی شاید نیازی به هیچ‌گونه مجوزی جهت حضور در آب وجود نداشته باشد؛

هیچ کس در رعایت سلامتی کامل نیست!

پژوهش جدیدی که در «دانشگاه یورک» انجام شده است، نشان می‌دهد که تقریباً هیچ کس در رعایت ملاحظات مربوط به سلامتی کامل نیست و می‌تواند این شرایط را بهبود ببخشد. به نقل از ساینک دیلی، یک پژوهش بلندمدت جدید که روی داده‌های سطح جمعیت انجام شده است، نشان می‌دهد که وقتی پای رعایت ملاحظات مربوط به سلامتی به میان می‌آید، تقریباً همه می‌توانند وضعیت خود را بهبود دهند و ارتباط بین فاکتورهای ریسک سبک زندگی و نرخ مرگ و میر در طول زمان و گاهی به شکلی عجیب تغییر می‌کنند.

«جنیفر کوک»دانشیار دانشکده سلامت «دانشگاه یورک» و پژوهشگر ارشد این پروژه گفت: بسته به اینکه چگونه می‌خواهید به این اعداد نگاه کنید، می‌توانید اینس را یک خبر خوب یا یک خبر بد در نظر بگیرید. آنچه ما کشف کردیم، این است که رابطه عوامل خطر سبک زندگی و نرخ مرگ‌ومیر به مرور زمان تغییر می‌کند و می‌توان آن را با عواملی مانند تکامل درمان‌ها و تغییر انگ اجتماعی توضیح داد. به طور کلی، وقتی صحبت سبک زندگی می‌شود بسیاری از ما اشکالی در کار خود داریم و احتمال بیشتری دارد که نسبت به دهه ۸۰ یک عامل خطر‌ساز برای سلامتی را در سبک زندگی خود جا داده باشیم. این امر در واقع با خطر مرگ‌ومیر حتی بیشتر از قبل همراه است.

این پژوهش، داده‌های یک نظرسنجی انجام‌شده در آمریکا را بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴ مورد بررسی قرار داده و احتمال مرگ‌ومیر طی پنج سال را برای افراد ۲۰ ساله یا بالاتر بررسی کره است. این گروه پژوهشی، ۱۹ عامل خطر متفاوت را مورد بررسی قرار دادند و سپس داده‌ها را براساس سن، جنسیت، چاقی و قومیت تنظیم کردند. چیزی که آنها به طور کلی دریافتند، این بود که کمتر از سه درصد افراد هیچ کدام از عوامل خطر را نداشتند. کوک ادامه داد: اگرچه پژوهش‌های پیشین، عوامل خطر را به خوبی ثبت کرده‌اند اما آنچه کمتر شناخته شده، رابطه بین خطرات گوناگون و احتمال مرگ‌ومیر به مرور زمان است. ما دریافتیم که این رابطه گاهی اوقات می‌تواند متناقض باشد.برای مثال، میزان سیگار کشیدن که مدت‌ها با بیماری‌هایی مانند سرطان، بیماری‌های قلبی، سکته و دیابت مرتبط دانسته شده، به لطف کمپین‌های قوی سلامت عمومی کاهش یافته است. با وجود این، خطر کلی سیگاری بودن با گذشت زمان افزایش یافته است. این موضوع ممکن است در بوده تحقیقاتی نیز منعکس شود.



بوده مرتبط است. مصرف داروهای سلامت روان در دهه ۱۹۸۰ یک عامل خطر مهم به شمار نمی‌رفت اما در مجموعه داده‌های بعدی با افزایش مرگ‌ومیر همراه بود. تمام نکردن دبیرستان با خطرات سلامتی همراه است؛ در حالی که در دهه ۱۹۸۰ چنین نبود. کوک خاطر‌نشان کرد: اگرچه این پژوهش نشان می‌دهد که تقریباً همه ما در مورد عوامل گوناگونی مانند رژیم غذایی، ورزش، سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر جای کار داریم اما عواملی وجود دارند که خارج از کنترل فردی بسیاری از افراد هستند.وی افزود: وقتی مواردی مانند ناامنی غذایی و آموزش پایین را به عنوان یک جامعه بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که ممکن است سلامت برای بسیاری از مردم انتخاب آسانی نباشد. وقتی این عوامل خطر را می‌بینیم، باید نسبت به آنها حساس باشیم.

هسته جامد داخلی زمین کاملاً جامد نیست!

امواج لرزه‌ای ناشی از زلزله کردند. با مشاهده نحوه بازتاب این امواج به حسگرها می‌توان متوجه شد که در مراحل مختلف از چه نوع موادی عبور می‌کنند. در نهایت، این مطالعات نشان داد که هسته داخلی یک توپ جامد از آهن است. با این حال، طبق یک مطالعه جدید از پژوهشگران دانشگاه یوتا، هسته داخلی زمین ممکن است در تمام سطح خود جنس یکسانی نداشته باشد. این تیم از داده‌های جمع‌آوری‌شده توسط سیستم نظارت بین‌المللی (IMS) که شبکه‌ای از حسگرهاست که در سرتاسر جهان برای شناسایی انفجارهای هسته‌ای غیرقانونی زیرزمینی راه‌اندازی شده است، استفاده کرده‌اند.

آنها امواج لرزه‌ای ۲۴۵۵ زمین‌لرزه با بزرگی ۵.۷ ریشتر و بالاتر را تجزیه و تحلیل کردند و از آنها برای ترسیم ساختار داخلی هسته داخلی زمین با جزئیات بیشتری استفاده کردند. الگوی پراکندگی که آنها مشاهده کردند، نشان داد که هسته داخلی زمین در تمام طول مسیر یکسان نیست و با وجود اینکه تا حد زیادی جامد است، اما به نظر می‌رسد حاوی چیزی است که پژوهشگران به عنوان پارچه‌ای چند که توصیف می‌کنند

اما مدل 7.50m Seal بیشتر به دنبال جلب نظر خانواده‌هاست و می‌تواند سه فرد بزرگ‌سال یا خانواده‌ای کوچک شامل پدر و مادر و دو کودک را در خود جای دهد. این مدل ما را به یاد کاروان‌های زمینی با دو اکسل می‌اندازد اما طراحی خاص و متفاوتی دارد.

این نسخه از کاروان‌های آبی-خاکی یاد شده در آب به قایق تبدیل می‌شود تا سرشنیشان تجربه‌ای منحصربه‌فرد داشته باشند. آشپزخانه کامل، حمام کوچک با دوش و صندلی‌های راحت جزو تجهیزات 7.50m Seal هستند. حداکثر وزن این کاروان نیز به ۳۰۰۰ کیلوگرم رسیده و ارتفاع داخلی آن نیز ۲ متر خواهد بود. نیروبخش کاروان موردبخت ما پیش‌رانه هوندا با ۵۰ اسب بخار و یا قوای محرکه برقی است که در نهایت باعث ایجاد حداکثر سرعت ۱۳ نات یا ۲۴ کیلومتر در ساعت خواهد شد.

تریبون

سه شنبه ■ ۲۴ بهمن ۱۴۰۲ ■ سال ششم ■ شماره ۹۲۶

طلا در تلاش برای حصول گشش صعودی



پیرو انتشار داده‌های اقتصادی که به رشد اقتصادی ضعیف در چین اشاره داشت، طلا امروز در تلاش برای حرکت در مسیر صعودی است.

به نقل از «افایکس استریت» قیمت طلا در اولین روز هفته‌ی جدید، برای به دست آوردن هر گونه گشش معنی‌داری تلاش می‌کند و در اوایل جلسه‌ی اروپا، به حرکات الکتنگی بین سودهای خفیف و زیان‌های جزئی ادامه می‌دهد.

طلا (XAU/USD) در حال حاضر در محدوده‌ی 1924 تا ۱۹۲۵ دلار معامله می‌شود که تحت تأثیر ترکیبی از نیروهای واگرا قرار دارد و حاکی از عدم تغییرات در طی روز است.

محیط متداول گریزان از ریسک – همانطور که لحن ضعیف‌تر در بازارهای سهام به آن اشاره دارد – به نفع دارایی‌های سنتی امن است و به خودی خود می‌تواند از قیمت طلا نیز حمایت کند.

مجموعه‌ای از داده‌های اقتصادی ضعیف چین که در هفته‌ی گذشته منتشر شد، از جمله ارقام پایین‌تر تورم در روز دوشنبه، نگرانی‌ها پیرامون کندشدن رشد دومین اقتصاد بزرگ جهان را برانگیخت.

تورم

داده‌ها حاکی از آن بود که شاخص قیمت تولیدکننده‌ی چین (PPI) در ماه ژوئن با سریع‌ترین شتاب در هفت سال و نیم گذشته کاهش یافت، در حالی که شاخص تورم مصرف‌کننده در پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۲۱ باقی ماند. جدا از این، برخی رویدادهای ژئوپولیتیک نیز در این میان می‌تواند بر بازارهای مالی تأثیر بگذارد که یکی از آنها درگیری بین ایالات متحده و چین – به عنوان دو اقتصاد بزرگ جهان – است که احساسات سرمایه‌گذاران را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

گذشته از آن، افزایش تقاضای دلار آمریکا (USD) همسواره به عنوان یک بباد مخالف برای قیمت طلا در نظر گرفته می‌شود.در کنار این‌ها، در نبود گزارش‌های سرمل حقوق و دستمزد غیرکشاورزی ایالات متحده (NFP)، کاهش غیرمنتظره‌ی نرخ بیکاری و رشد مداوم دستمزدها، نشان‌دهنده‌ی شرایط فعلی بازار کار است.

این امر به نوبه‌ی خود، نهنتها احتمال افزایش ۲۵ واحدی نرخ توسط فدرال رزرو را در نشست ۲۵ تا ۲۶ ژوئیه تأیید کرد، بلکه به اوراق قرضه‌ی دو ساله‌ی دولت ایالات متحده که حساس به نرخ بهره است، اجازه‌ی کاهش از بالاترین میزان از ژوئن ۲۰۰۷ را نیز می‌دهد. افزون بر آن، بازدهی معیار ۱۰ ساله خزانه‌داری ایالات متحده در حدود سطح ۴.۰ درصد ثابت باقی می‌ماند و از این‌رو ضمن احیای تقاضای دلار، افزایش را برای کالای دلاری محدود می‌کند.

شاخص دلار، در مسیر بهبود

در حالی که فعالان بازار در آستانه‌ی انتشار گزارش‌های کلیدی، در موضع احتیاط به سر می‌برند، شاخص دلار آمریکا پس از دو عقب‌گرد، اندکی بهبود یافت. به نقل از «افایکس استریت»، شاخص دلار آمریکا (DXY)، پس از فروش شدید روز جمعه که در پی انتشار گزارش NFP اتفاق افتاد، تا حدودی به آرامش می‌رسد و در ابتدای هفته به منطقه 102.40 بازمی‌گردد.

شاخص دلار، هم‌اکنون به گزارش CPI و اظهارات فدرال رزرو خیره شده است این شاخص پس از دو عقب‌نشینی متوالی روزانه در روز دوشنبه، تا حدودی علاقه به خرید را افزایش می‌دهد؛ در این بین، سرمایه‌گذاران در حال ارزیابی انتشار حقوق و دستمزد ژوئن (پیش از 209 هزار شغل) در روز جمعه هستند و البته انتظارات برای افزایش 25 واحدی نرخ بهره، همچنان بدون تغییر باقی مانده است.در این راستا، ابزار نظارت بر نرخ گروه CME در بحبوحه‌ی پس‌زمینه‌ی انطفاک‌پذیری مستمر اقتصاد ایالات متحده و همچنان بازار کار فشرده، با احتمال ۹۲ درصدی چنین سناریویی را پیش‌بینی می‌کند.در جبهه‌ی سوداگرانه، سود خالص دلار در هفته‌ی منتهی به ۳ ژوئیه به پایین‌ترین حد ۳ هفته‌ی گذشته رسید، دوره‌ای که شاخص قبل از انتشار گزارش مشاغل کلیدی در محدوده‌ای ترکیبی به سر می‌برد.

علاوه بر آن، برخی سخنرانی‌ها از سوی رؤسای فدرال رزرو در مرکز توجه خواهد بود.

قیمت ارز بازار آزاد (تومان)		
دلار	۴۹,۸۵۰	
یورو	۵۴,۱۸۰	
پوند	۶۳,۰۵۰	
درهم	۱۳,۶۲۰	
لیبر	۱,۹۳۰	
سکه تمام	۲۸,۴۵۰,۰۰۰	
سکه نیم	۱۵,۴۰۰,۰۰۰	
سکه ربع	۱۰,۴۲۰,۰۰۰	
سکه یک گرمی	۶,۴۰۰,۰۰۰	